ستاره سینما

شماره ۲۳۹ ـ شنبه ۱۰ تیر
۲۵۳۷ شاهنشاهی
۳۰ ریال

همراه با عکسهای رنگی جالبی از:
دلارام کشمیری، عهدیه ـ ایرج
حسن خیاطباشی و گوگوش

* سپیده، ستارگان سکسی را محکوم می کند!

* نماینده ستاره سینما در آمریکا، پرده از جنجال های تازه‌ای بر میدارد!؟

یادداشتهای دوردست ...

از: سعید صالحی (همکار ستاره سینما در آمریکا)

* اگر قرار باشد خانم هایده مالیات نپردازد ، کلیه‌مشتمالچی های حمام ها نیز بایستی از پرداخت مالیات معاف باشند !
* ملکه منتقدان‌سینمای آمریکا، برای نوشتن هر نقد، سی ساعت وقت صرف می کند (قابل توجه منتقدین سریع‌القلم خودمان !)
* در حالیکه سینمای آمریکا به اوج موفقیت‌اقتصادی‌رسیده است ، سینمای فرانسه رو به ورشکستگی گذاشته است.

فیلم کاروانها هشتاد میلیون تومان خرج روی دست تهیه کنندگانش گذاشته است ؟!

■ صحبت درباره فیلم«کاروانها » حرف تازه‌یی نیست ، آنچه به عقل رسیده گفته شده ، اما بطور قطع این‌رانشنیده‌اید که فیلم مزبور تاکنون هشتاد میلیون تومان خرج برداشته ! چطور دیداری‌دست داد بایکی از دست اندرکاران فیلم . بنابه روایت او که در گفته‌اش تردیدی ندارم، فیلم «کاروانها» تاکنون هشتاد میلیون تومان روی دست سازندگانش‌خرج گذاشته، گفتم :به‌نسبت‌اگرحساب‌کنیم،حتی‌پرخرج‌ترین فیلم تاریخ سینما همین « کلئوپاترا»بیشتر از ٤٥ میلیون دلار خرج برنداشت و میدانی که بخاطر همین موضوع بجزضرر حاصلی برای کمپانی‌سازنده‌اش‌نداشته؟گفت میدانم .گفتم : میدانی وقتی « آسمان خراش جهنمی » را خواستند بسازند آنقدر کمپانی‌ها پول نداشتند که دوکمپانی پولهایشان را رویهم گذاشتند تا این فیلم را بسازند ؟ گفت : میدانم . گفتم :میدانی که « کاروانها » بجز «انتونی کوئین» نه هنرپیشه پولسازی دارد ، نه کارگردان اسم و رسم دار و قابلی ، وکادر سازنده هم پایش می‌لنگد ؟ گفت : این را هم از نزدیك دیده‌ام و میدانم . گفتم : پس چه خصومتی داری که بی جهت روی رقم ۸۰ میلیون تومان فشار می‌آوری؟ گفت : چون وقتی یك بنده خدا برای یك‌هفته ۲۰ هزار تومان می‌گیرد و کاری صورت نمی‌دهد ،دیگری هنوز کارش را شروع نکرده — و در بعدش هم تردید هست — چك دستمزدش را در بانك پس‌انداز می‌کند ، یا «محمدعلی کشاورز» وقتی می‌شنود که چند تن از افراد گروه را با کادیلاکی که برایش تهیه کرده‌اند — و مثلا اختصاصی‌است — باید به هتل برسانند ، قهر می‌کند و قهراو سه روز بطول می‌انجامد و تمام جریان‌فیلمبرداری بخاطر نازاو میخوابد و البته خرجش به حساب فیلم گذاشته می‌شود مسلم است که اینگونه مخارج سربه‌جهنم می‌گذارد. گفتم: این را نمی‌دانستم !

***

□ سیزدهمین دوره « مسابقه بین‌المللی انیمیش » با کاهش فیلمهای برنده بکار خود پایان داد ، فیلمهای امسال در قیاس با فیلمهای چند سال گذشته که شاهد بوده‌ام،درسطح‌پائین‌ونازلی قرار داشت. دربرنامه امسال‌فیلمهای زیر به نمایش درآمد ! پرتغالهای چین (ساخته: جان بریستر) ، باب فیلم (اتو فاکی) ، برج‌شنی (کوهودمن)، نمایش قالب شده (هویت تیمن)، خشم‌ها (ساراپتی) ،مرحله ها (هنری سلیك) ، وقتی ثروتمند هستم (درك فلیپس) ، بازی تختخواب (ایشو پاتل) ،شبی با موسیقی پاپ(استیو لیز برگر) ، مبارزه (مارسل یانکو ویکز)، N.N (بوزیف داونیکوویك) ،رویای شبانه (الکساندر مارکز) ،فانتزی (وینسنت کالینز) . فیلمهای امسال از میان کشور های لهستان ، کانادا ، آمریکایوگسلاوی، ایتالیا و انگلستان انتخاب شده بودند.

***

□ در مجله آمده بود که « هایده» به پرداخت مالیات اعتراض کرده و اینکه «هنرمندان نباید مالیات بپردازند » چون «کار ما یك کار هنریست و مردم برای درکردن خستگی روزانه به کاباره می‌آیند » در نتیجه«چرابایدمالیات‌بدهیم؟» بنده ، بخاطر این فرضیه محکم و حساب دقیق خانم «هایده» که هر کس خستگی مردم را در کند هنرمند است . رسما کلیه مشتمالچی های حمامهای شهر را بعنوان هنرمند ناشناس معرفی می‌کنم ! ولی از آنان میخواهم تا اطلاع ثانوی ذوق‌زده نشده و در دستمزدهای خود تجدید نظر بعمل نیاورند چون این اجتماع برای ادامه حیات خود به تعادلی منطقی نیز نیازمنداست.

□ سرخپوستان امریکا که امروز در اقلیت بسر می‌برند ، و آنچنان هم که باید و شاید برایشان در فیلمها ارزشی قایل نمی‌شوند ، اخیرا به منظور مخالفت به این وضع دست به ایجاد تشکیلات و

*... و اکنون، کلاهبرداری ۴۰ هزار دلاری راهم به کلاهبرداری‌های سینمائی قبلی اضافه کنید!

* سیگار چارلی چاپلین ، تازه‌ترین کالای سینمائی آمریکاست !

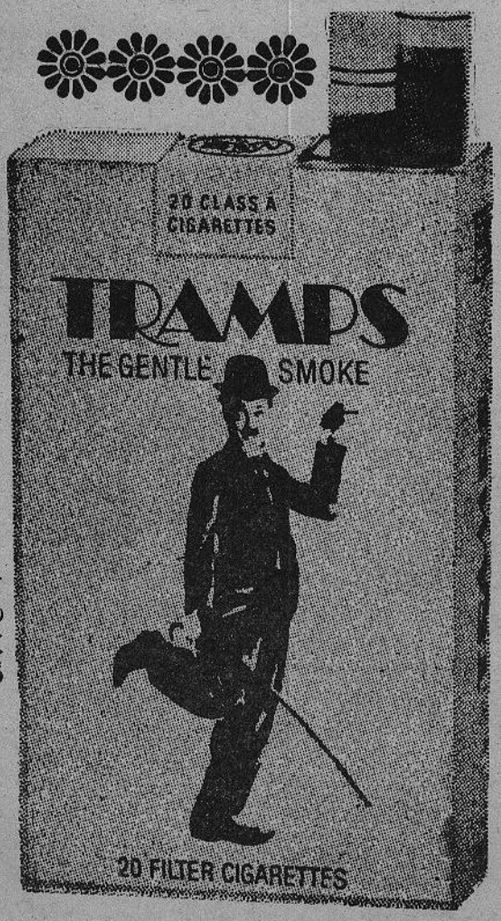

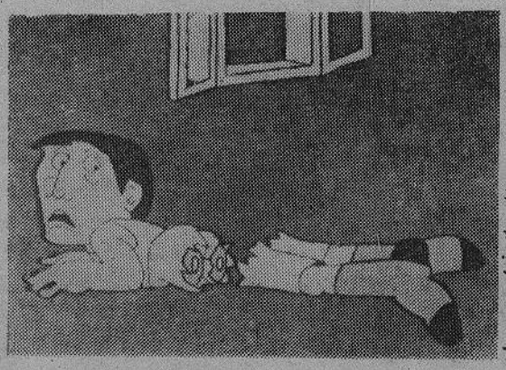

■ دست چپ : صحنه‌ای از فیلم « رویای شبانه»
■ دست راست :نمونه‌ای از سیگارمخصوص چارلی چاپلین !

کمیته‌یی زده‌اند که نخستین اقدامشان بر- گزاری یك جشنواره سینمایی است . بعبارت ، نخستین جشنواره فیلمهای سرخ- پوستی . در این جشنواره که ۱۵ فیلم به نمایش در آمد هدف ،بالا بردن مقام سرخپوستان در سینماست . انسانهایی که به غلط ، و تنها برای پرکردن هیجان روی پرده ، افرادی خونخوار و دائم الخمر نشان داده شده‌اند . همان بی- گناهانی که « جان فورد »صدها بار آنها را در فیلمهایش به خاك و خون کشانید، و آنچنان در منظور خود تعصب و یك- دندگی نشان داد که خودش به گناه خود پی برد و فیلم «پائیز قبیله‌شاین »را بعنوان پذیرش موجودیت آنها بعنوان «انسان » عرضه کرد که سندیست که چگونه سرخپوستان امریکا را در سر زمین خود مورد لعن و نفرین قرار داده‌اند . کشوری نظیر امریکا باتمام پیشرفت های صنعتی خود ، سردمدار نژادپرستی مسلل جهان نیز هست .

***

■ دیداری دست داد با « پالین کیل» منتقد معروف فیلم که کم‌کم داشت جزو آرزوهای برآورده نشدنی در می‌آمد ! برای من که هنوز شیفته نقد فیلم نویسی- نه به شیوه غلط و رایج ایران — هستم دیدار و نشستن پای سخنان این منتقد بر جسته ، یك درس بزرك بود . برای آشنایی با این خانم منتقد که اینك گرد پیری بر تارك او نشسته ولی روحیه جوان وجوان گرای او ، بویژه قدرت جادویی قلم او که هر نقد منفی‌اش میتواند فیلمی را باتمام میلیونها دلاری که صرفش شده بـه خاك سیاه بنشاند . گفتن این نکته ضروریست که وقتی ارزش او را مورد سنجش قرار دهیم متوجه می‌شویم که این نیرو به آسانی بدست نیامده . هر نقدش را به منظور سمبل کردن و سیاه کردن صفحه نشریه‌اش (نیویورکر) و برای آن که‌او را منتقد بخوانند ، نمی‌نویسد . بـرای هر نقد طبق گفته‌خودش‌دست کم سی‌ساعت صرف می‌کند و حتما باید چنین آدمی یا دیوانه باشد (که این خانم دیوانه سینماست) و یا واقعا برای کارش ارزش قائل باشد که در این هم شکی نیست چون از نوشته‌هایش هویداست ، همانگونه که خواننده نقدهایش برای او و نوشته هایش ارزش واحترام قایل است. پالین کیل ، در یك عبارت ، ملکه منتقدان سینمای امریکاست . ملکه‌یی که وجاهت او در دانش ، شخصیت ، قلم و دنیای زیبای نقد فیلم نویسی او نهفته است.

***

□ سیگار «چارلی»هم ببازار آمد. خبر تازه‌یی نیست . یعنی از مغزهرتاجری آنچه که به پول ختم شود ، امکان پذیر است . الویس پرسلی ، هم که در گذشت یادگاری هایی بود که از درودیوار مغازه ها بالا رفت که هنوز تب آن به داغـی خود باقیست . برای یك تاجر حتی مرك هم وسیله‌یی برای در آمد است .

***

■ سینمای فرانسه هم روبه‌ورشکستگی گذاشته . علت : عدم استقبال مردم ازفیلم ها . علت دوم : گرانی بلیط ، وضع پخش ، وبازار گرمی تلویزیون ، اکنون «لوئی مال » با ساختن «کودك قشنك »، کلود للوش (مرددیگر ، شانس دیگر) به سینمای آمریکا ملحق شده‌اند و « کلود شابرول» و «تروفو » هم که از قدیم با پول آمریکائیان فیلم می‌ساختند . گـدار، به تلویزیون فرانسه پیوسته ، ومابقی هم سردرگم به کار خود — اگر کـاری باشد— مشغولند . سال‌قبل ،سینمای‌ایتالیا از وضع اقتصادی مریض خود داد سخن داد، امسال فرانسه . (سینمای ایران هم که از بدو تولد در حال احتضاربوده!) اما هرچقدر سینمای کشورهای اروپایی به رکود دچار میشوند ، سینمای امریکا با توجه‌بمیزان کم فیلمهایش‌نسبت‌به گذشته، از نظر فروش همچنان قوی و سریع درمسیر خود پیش میرود ، چون بحران مقابله با تلویزیون را پشت سرگذاشته و مردم هم از ماندن درخانه و نشستن مقابـل تلویزیون خسته شده‌اند . در نتیجه بحث تازه‌ای نیست که مردم از سینمای کشوری استقبال نمی‌کنند ، چند صباحی که‌گذشت، مکررات تلویزیون آنان را خسته خواهد کرد ، وباز سینماست که آنان را پذیرا خواهد بود .

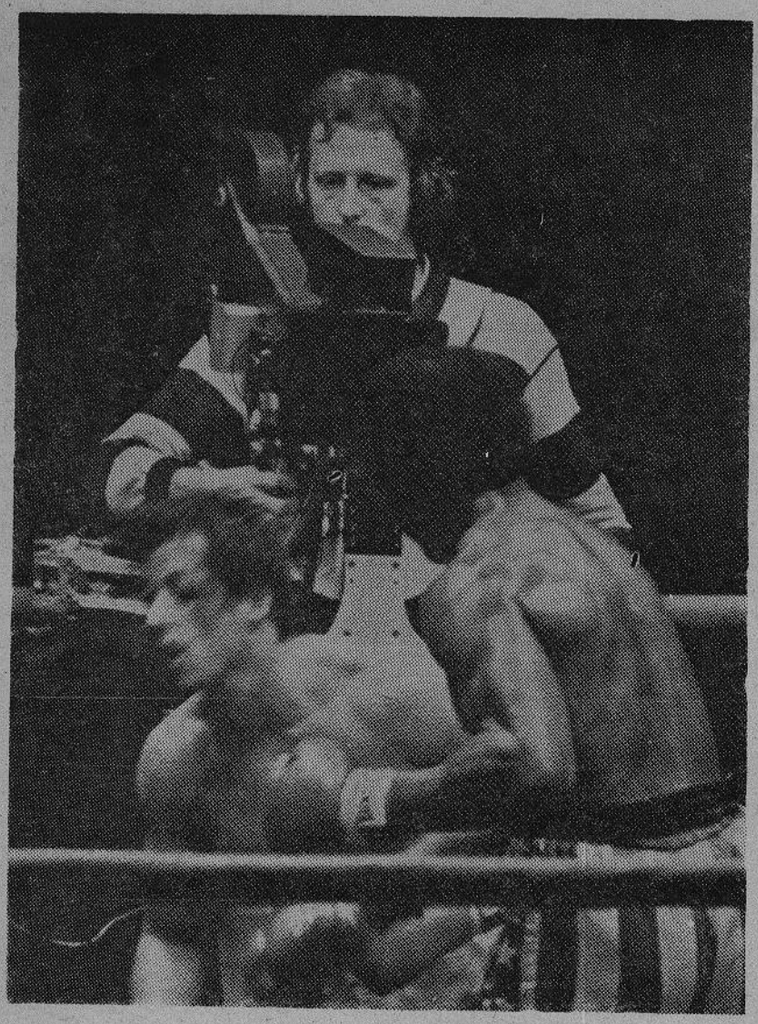

□ گارت براون ، صحنه مسابقه نهائی فیلم «راکی» رابطریقه‌ای جدید فیلمبرداری‌کرده که اکنون رایج شده است ..!

■ سعید صالحی (نماینده ستاره سینما) در کنار « پالین کیل » برجسته‌ترین‌منتقد فیلم آمریکا

■ رابطه مالیات گرفتن از هایده ، وارتباط آن با مالیات گرفتن از مشتمالچی های حمام ..!

□ در سینما موقع طلبی یك هنـر است ، اما گاهی پستی نیز به آن افزوده می‌شود . همین چند سال پیش بود که «لینا ورتمولر» با جنجالی که در دنیا براه انداخت نامش را برزبان‌هرسینمارویی جاری ساخت .فیلمش«گمگشته»از جشنواره تهران جایزه گرفت که بنظر من‌نادرست بود . امسال آخرین فیلمش را کـه برای آمریکایی‌ها ساخته دیدم : پایان دنیا در تختخواب معمولی در یك شب بارانی ، فیلمی که وقاحت ، سفاهت ، زشتی ، بی‌ارزشی ، پوچی ، وهر صفت مشابه دیگر را می‌توان براحتی در آن سراغ گرفت . افرادی که مجنون وار به استقبال شتافتند و در قضاوت عجله کردند باید شرمنده باشند که برای هرظاهـر مرد مفریبی یقه شکاف ندهند که تب داغ عرقش زود در می‌آید .

***

■ وقتی به کسی ۴۰۰ هزار دلاردر سال ، ومقام ریاست‌یك کمپانی بزرك مثل «کلمبیا » را بدهند ، و بعد این بزرگمرد ۴۰ هزار دلار از خزانه کمپانی «کش» برود، اسم این عمل را چه می‌گذارید ؟ دیوید بگلمن ، که بخاطر این مبلغ اینك تحت محاکمه است و این روزها بخاطر این دزدی گاو پیشانی سفید مجامع هالیوود است با کشیدن یك چك ده‌هزار دلاری برای « کلیف رابرتسن » و یك چك پنج هزار دلاری‌برای «مارتین ریت» کارگردان و یك چك سوم بمبلغ ۲۵ هزار دلار برا ی‌یك صاحب رستوران کـه هیچکدام از جیب مبارك نبوده تعجب همه را برانگیخته . چون از یکطرف درآمد مکفی و زیادی که دریافت میکرد او را از این دله دزدی‌ها بی‌نیاز می‌ساخت ، بعدبا انجام آن ، پست مهم و موقعیت خویش‌را

*** چرا بزرگان سینمای آمریکا، به مشاغل غیر سینمائی روی‌خوش نشان داده‌اند ؟**

*** طریقه جدید فیلمبرداری‌فیلم «راکی»، نظر فیلمبردارن‌بزرك جهان را جلب کرده است .**

*** اندر قضیه موقعیت طلبی‌های «لیناورتمولر» و ظاهرفـریبی های این خانم فیلمساز !**

بقیه در صفحه ۳۰

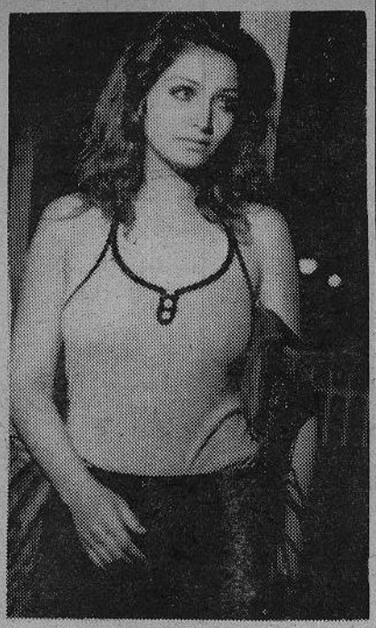

«سپید» در یك مصاحبه داغ داغ داغ ...

* مرا گول زدند و در فیلمها، نیمه سکسی نشانم دادند و بعد هم با عکسهای دروغین و پلاکاتهای تزئینی، برهنه جلوه‌ام دادند...

□

گفتگو از : م . پاریزی

مدتی بود از سپیده فیلمی نداشتیم و همین انگیزه‌ای بود که به سراغ او برویم واز چگونگی فعالیت و عقایدش با خبر بشویم . در برخورد او ل‌از مصاحبه‌کردن روی گردان بود . آنهم با ستاره‌سینما! او دلیل بی مهری‌اش را نسبت به مجله ما ، چنین توجیه می کند که : «من هروقت مجله ستاره سینما را ورق میزنم کلی عصبانی می‌شوم ... »می‌گویم : «باید قبول کرد که‌اگر مجله ازتو انتقاد می‌کند ، باردیگر هم از کارهای خوب تو صحبت می‌کند . از انتقاد نباید‌ناراحت شد ! »آنچنان‌قیافه معصومی بخود می‌گیرد که از نگاه خیره‌اش می‌فهمم که از حرف اولش پشیمان شده است . می‌گویم خوب از گله و گله‌گذاری که بگذریم چرا اینقدر کم کار شده‌ای ؟ می‌گوید .

— من اصولا هنرپیشه کم‌کاری هستم و درسا ل‌بیش از یك یا حداکثر دوفیلم بازی نمی‌کنم . بخصوص الان که سینمای ایران هم در حال رکود است . البته سال گذشته علاوه بر فیلم در سریال تلویزیونی هم بازی داشتم .

□ تلویزیون یا سینما ؟ کدامیك‌رابر دیگری ترجیح میدهی ؟

— سینما ارجح‌تر است !

□چرا ؟

برای اینکه تلویزیون کارش موقتی است تا زمانی‌که هنرپیشه‌ای‌تصویرش‌روی آنتن هست مطرح هست اما بمحض‌اینکه سریال تمام شد او نیز فراموش می‌شود . سینما بیننده کمتری دارد ولی ماندگارتر است . کار در تلویزیون برای من تجربه‌ای بود چون درتلویزیون (ضبط ویوئو) است و صدا برداری سرصحنه‌انجام می‌شود و بهمین دلیل بر خلاف سینماکه می‌توانیم چند برداشت داشته باشیم در تلویزیون کارها یك برداشتی است و بنظر من همین مسئله کار را مشکل تر از سینما می‌کند . من در مقابل دوربین سینما راحت‌تر هستم .

□ کار جدیدی در تلویزیون در دست تهیه داری ؟

— در یك سریال تاریخی بنام «دیوان بلخ» بازی دارم که کارگردان آن آقای منصور پورمند است .

□ با توجه باینکه سینما را به تلویزیون ترجیح میدهی ، چرا اکثر تلویزیونی میکنی ؟

— با اینکه معتقدم تا تصویر هنرپیشه روی آنتن هست محبوبیت دارد اما باین مسئله هم معتقدم که شهرت تلویزیونی یك شهرت کاذب است . بهرحال کاردر تلویزیون برای من یك نوع‌تنوع بحساب می‌آید و هیچ لطمه‌ا ی‌بمن نمیزند .

□ چه نقش‌هائی را بیشتر دوست داری ؟

— فرقی نمی‌کند .

■ ولی اگر نقش منفی یا مثبت باشد خیلی فرق می‌کند !؟

سپیده : بله ولی در فیلم «بیقرار» رل من منفی بود اما هیچ لطمه‌ای بمن نزد . اگر هنرپیشه نقش خود را خوب بازی کند با استقبال بیننده مواجه می‌شود کما اینکه مردم موقع خروج ازسینما پس از دیدن فیلم «بیقرار » برای من به‌به ، وچه چه‌میکردند که خوب بازی کردم .

□ چه فیلمهائی در دست تهیه داری ؟

— یکی «نفس بریده» است که بتازگی آماده نمایش شده است . ودومی «تپه ۳۰۳» است که تازه شروع کرده‌ام .

□ بهترین نقش تو در سینما ، در کدام فیلم است ؟

سپیده : در فیلم «تپه ۳۰۳» من در این فیلم نقش متفاوتی برعهده دارم وفکر می‌کنم این نقش ازنظرمردم، یك نقش منفی است و احتمالا بعضی از بیننده‌های فیلم از من خوششان نخواهد آمد . اما برای یك هنر پیشه فرق نمی‌کند که چه نقشی بازی میکند . هنرپیشه کسی است که در قالب تیپها وکارآکتر های مختلف در می‌آید . شاید نقش من در این فیلم طوری است که بازندگی حقیقی من تفاوت دارد چون من در یك خانواده متعصب زندگی میکنم اما در فیلم دختر بی بند وباری هستم در این فیلم « تز» من این است که :

عطش گرم خود را با عشقبازی سرد حلال ، حرام نکنید .

ودر قالب این کاراکتر سینمائی ، **نجابت از نظر من تفاوت دارد بانجابتی که در اجتماع روی آن قضاوت می‌کنند.**

□ ولی معتقدا ت‌این زن با کلیه ضوابط اجتماعی و دینی و حتی قوانین کشوری مخالفت دارد .

سپیده : درست است ولی اگر حرفی در فیلمی مطرح می‌شود دلیل آن نیست که آن حرف صحیح است !

این یك عقیده است که حتی نویسنده داستان هم آن را قبول ندارد . منهم که در اول گفتم ممکن است بعضی ها از این نقش من زیاد خوششان نیاید !

□ مهمترین عاملی که باعث شداین نقش را بپذیری واحتمالا به انتظار عکس‌العملهای متفاوت بنشینی چیست ؟

سپیده : این نقش تحرك زیادی دارد.

رکود سینمای ایران، رکودی از نوع مثبت است!

اصولا در این فیلم تمام کارآکتر هاپر-تحرك هستند فکر می‌کنم تمام هنرپیشگان این فیلم به استقبال خطر میروند. من در این فیلم حتی چهره‌ام خیلی زشت نشان داده می‌شود هیچ نوع گریمی که من را زیبا کند وجود ندارد.

□ میتوانم نظر تورا در باره فیلم-های سکسی یا بهتر بگویم نقش های‌سکسی بپرسم؟

سپیده: بنظر من اگر کارگردانی با استفاده، از زیبائی ها ی‌زن بتواندمشتری برای فیلمش جاب کند یا هنرپیشه زنی از زیبائی های جنسی خودش بخواهد محبوبیتی برای خود کسب کند: فاصله زیادی بین آن هنرپیشه وآن زن «تن فروش» نیست وباکمال تاسف باید بگویم فاصله آن کارگردان هم با آن «واسطه جنسی» بسیار کوتاه است!

□ پس فکر می‌کنید زنانی که نقش های سکسی بازی‌می‌کنندو کارگردانهائیکه چنین فیلمهائی میسازند واقعا در چنین «شرایطی» هستند؟! پس آقای«فرانسیس فورد کاپولا» فیلمساز سرشناس نیز در گذشته کارش را با فیلمهای سکسی شروع کرد نیز از این دسته است؟

سپیده: من البته سابقه‌ی کارایشان را تا این حد نمیدانستم خوشحالم از اینکه ایشان این ضعف اخلاقی را ترك کرده‌اند و بطرف فیلمهای خوب آمده‌اند ودیگر سکسی نمی‌سازند (باستنادفیلمهای امروزی شان!).

□ اصولا نظر تودرباره سکس چیست؟ منظورم این است سکس‌را تا چه حد در فیلم لازم میدانی؟

سپیده: سکس در سینمابرای من دو مورد دارد. یکی در مورد خودمویکی بطور کلی از نظر خود من سکس گوشه‌ای از زندگی هرانسانی است. مگر نه اینکه تمام موجودات که قرنها زندگی کرده‌و می‌کنند ثمره سکس هستند؟

پس این حقیقی‌ترین‌چیز عالم است. اما سکس در سینما: باید ببینیم یك فیلمساز از ساختن صحنه‌های سکسی چه هدفی دارد؟ آیا هدف او سکس فروشی است یا اینکه صحنه فیلم ایجاب می‌کند که یك واقعه‌ی سکسی نشان داده شود. اگر هدف سکس فروشی باشد که متاسفانه نمی‌توانیم عنوانی بهتر از «سکس فروش»

باین سازندگان و هنرپیشگان بدهیم. ولی اگر واقعا ارائه صحنه سکسی برای نشان دادن واقعیتی باشد بنظر من جزء ملزومات فیلم است و بایستی به بهترین نحو ارائه شود. مثلا در فیلم «قیصر» چند صحنه لخت در اوایل فیلم نشان داده می‌شد که بهیچ وجه قصد «سکس فروشی» در کار نبود و بلکه بیننده را در مسیر هدف اصلی قصه قرار میداد و او را نسبت به یك عده متجاوز خشمگین‌تر میکرد.

□ در اینجا سئوال دیگری در مورد سکس دارم و آنهم در مورد خوت! من‌در یکی از فیلمهایت عکس نیمه لخت را بر سر در سینماها دیدم.

آیا آن عکس‌هم بدون دلیل بود؟

سپیده: در آن فیلم یك صحنه بسیار کوتاه از کنار دریا بود که حتی بخاطر احترام به اجتماع و سن اجتماعی یك مایوی بسیار پوشیده‌ای بتن کرده بودم. اما فیلمساز مربوطه خانمهای عادی را بمن نشان دادند که مایوی دو تکه بتن داشتند و من بعد ازدوروز مقاومت با تلقین کارگردان و اینکه مگر تو با این خانمها تفاوتی داری که میخواهی با این مایوی پوشیده در فیلم ظاهر شوی» و همچنین تائید حرف فیلمساز توسط مردم که در سر صحنه حاضر بودند، حاضر شدم با مایوی دوتکه در فیلم ظاهر شوم، اما فکر نمیکردم کار این صحنه کوتاه طبیعی بصورت عکسهائی که با نقاشی حتی عریان تر از واقعیت مرا نشان داده بودند به سر در سینماها بکشد!

من در این چند فیلمی که بازی کرده‌ام، به چیزهای عجیبی برخورد کرده‌ام که واقعا برایم حیرت آور است! اغلب نام فیلمها، هیچ ارتباطی به سوژه فیلم ندارند. مثلا اسم فیلم «خبیث» است اما در سوژه فیلم هیچگونه خباثتی وجود ندارد. یا عکسی بالا سردر سینما می‌بینی که خانمی با عشوه‌ی مخصوصی در حالتی غیرعادی است، ولی وقتی فیلم را نگاه میکنی می-بینی احیانا صحنه‌ای که‌اینقدراگراندیسمان شده، مربوط به زنی بسیار نجیب است که احتمالا در یکی از صحنه های فیلم براثر زلزله ناگهان از بسترخود بیرون پریده و به در اطاق رفته است. اغلب نقاشان پلاکارد های سینمائی حتی داستان فیلم را هم نمی‌دانند! تهیه کننده مقداری عکس به‌آنها میدهد و نقاش ها طبق سلیقه خود بدون هیچ ضابطه‌ای یك تابلوی نقاشی زیبا به تهیه کننده تحویل میدهند.

• اگر قرار دادهای سینمائی را به بینید، بدون استثناء نام فیلم را باین ترتیب می‌نویسند. مثلا: «نام فیلم: شبهای طولانی بانام دیگری که بعدا برا ی‌آن تهیه می‌شود!» این دلیل عدم نظم صحیح در کار فیلمسازی است اسم فیلم مطابق مسائل روز انتخاب می‌شود، نه براساس محتواوسوژه‌فیلم. توخودحدیث مفصل بخوان از این مجمل! بالطبع من هم گرفتار بسیاری‌ازاین‌بی‌سامانی‌های سینمائی شده‌ام و کاری هم نتوانسته‌ام بکنم.

□ بنظر تو دلیل رکودی که این اواخر گریبانگیر سینمای ما شده است، چیست؟

سپیده: واله خیلی چیز هاست و خیلی‌هم دلایل آن توسط اشخاص ذیصلاح بررسی شده و گفته شده است. اما بنظر من، بزرگترین دلیل آن این است که بسیاری از فیلمسازان ما دیگرنمی‌خواهند فیلمهائی بی‌ارزش بسازند و همین امر باعث می‌شود که مدتی منتظر سناریوی خوب، هنرپیشه خوب و نظایر آن‌بگردند و بیش از سالی یکی دو فیلم روانه بازار نکنند. و اتفاقا اینطوری بهتر است. فیلم کمتر، کیفیت بهتر

از سپیده تشکر میکنم و در پایان مصاحبه نظرش رادرباره ستاره‌سینمامیپرسم. می‌گوید: اگر تمام حرفهائی که من زدم چاپ کردید آنوقت به ستاره سینما ایمان می‌آورم. خوب خانم سپیده حالا ایمان آوردی؟!

*فاصله زیادی بین آن ستارگانی که در فیلمها لخت می‌شوند و زنان تن فروش نیست!

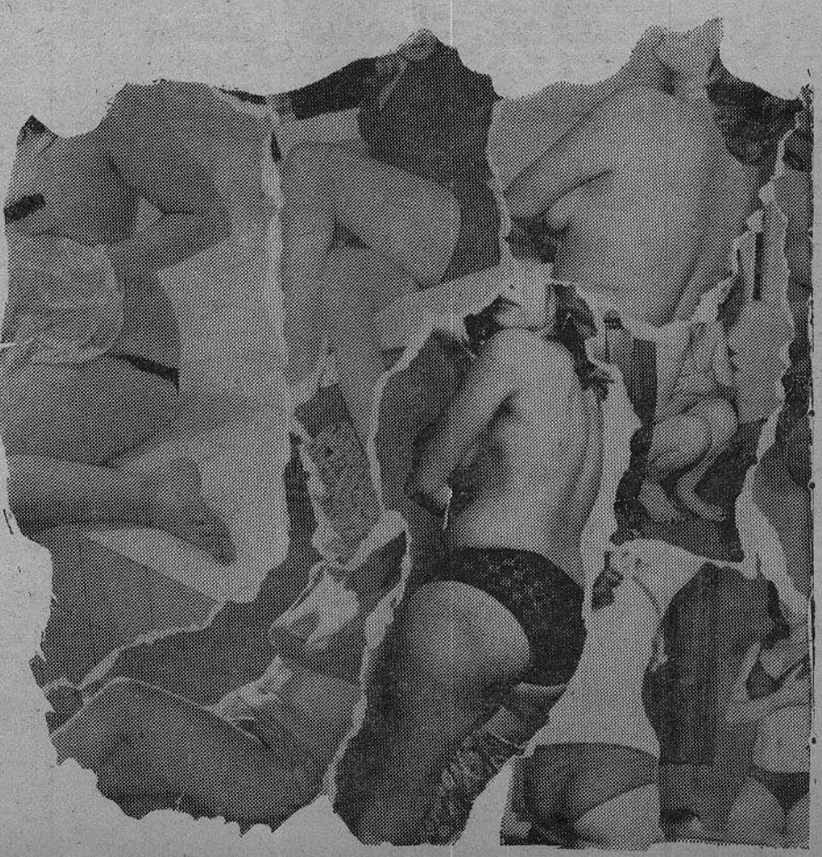

* استقبال بی سابقه خوانندگان ستاره سینما از طرح تازه و ابتکاری .

کلوب عکس هنرمندان

* ستاره سینما عکس‌های امضاءشده اختصاصی هنرمندان محبوب شما را در اختیارتان قرار میدهد.

● طرح تازه ستاره سینما را خوانندگان عزیز تایید نمودند و طی ۲ هفته اخیر که این طرح را اعلام نموده‌ایم، تلفن ها و نامه های رضایت آمیز بی‌شماری داشته‌ایم که از اقدام ستاره سینما در مورد ارسال عکسهای اختصاصی امضاء شده هنرمندان برای خوانندگان مجله ، استقبال نموده‌اند و بخاطر همین توجهی که نسبت به این طرح ما نموده‌اید، تصمیم گرفتیم نام یك هنرمند دیگر را نیز به لیست هنرمندانی که عکسهای امضاء شده‌شان را به خوانندگان ستاره سینما میدهند ، بیافزائیم و این هنرمند کسی نیست بجز شهره آغداشلو بازیگر خوب تئاتر و سینما ... باین ترتیب اکنون عکسهای امضاءشده این هنرمندان در کلوب عکس موجود است: بهروز وثوقی ، شورانگیز طباطبائی ، بتی، ایرج قادری ، داریوش و شهره آغداشلو.

در هفته های آتی ، هنرمندان دیگری هم در «کلوب عکس هنرمندان» شرکت خواهند نمود و ما عکسهای امضاء شده‌شان را برای خوانندگان ستاره سینما پست خواهیم کرد و در واقع اقدامات «کلوب عکس هنرمندان» را گسترده‌تر خواهیم نمود که در آینده و در موقع مقتضی در این باره بحث خواهیم نمود. توجه داشته باشید که عکاسان ستاره سینما عکس‌های هنرمندان مورد نظرتان را چاپ خواهند کرد و هنرمندان مربوطه ، تك‌تك این عکسهای اختصاصی را امضاء کرده و ما این عکسها را در اختیار خوانندگانمان قرار می‌دهیم . برای دریافت هر عکس سیاه و سفید ۲۰ ریال و برای دریافت هر عکس رنگی ۴۰ ریال تمبر باطل نشده بهمراه کوپن مربوطه ضمیمه کرده و برای ما ارسال کنید و همانطوریکه در شماره گذشته نیز متذکر شدیم ، ستاره سینما هیچگونه هدف انتفاعی از این بابت ندارد و برای چاپ هر عکس سیاه‌سفید ۱۵ ریال و برای چاپ هر عکس رنگی ۲۰ ریال بعنوان مخارج به عکاسان

بقیه در صفحه ۳۰

* کوپن کلوب عکس هنرمندان

نام نام خانوادگی

آدرس

خواستار عکس امضاء شده ..... میباشم.

نگاهی دوباره، به رویدادها و آدمهای سینمای ایران در دو دهه‌ی اخیر

.... از بیست و سه سال پیش می‌گفتم — سال ۳۴ — از شروع سالهائی که سینما در اینجا میرفت تا از ردیف نوعی تفریح برای شبهای بیکاری در آید و بطور جدی مطرح شود .

... و در همین سال بود که علاقمندان سینما در تهران موفق شدند بالاخره پس از وعده و وعید بسیار شیوه‌های نمایشی نو وابداعی سینما را نوبر کنند ابتدا «سینما سکوپ» با « صدای استریو فونیك » عرضه شد وبانی اینکار هم سینما رکس بود با یك فیلم جنائی و پلیسی بنام ، جنایت در سیرك یا « حلقه وحشت » که یك فیلم بسیار معمولی بود و تنها امتیازش وسیع و عریض بودن پرده آن بود که در مقابل چشمان تماشاچی گسترده میشد و تا لحظاتی خیره کننده مینمود اما خیلی زود عادی و تماشاچی از فکر آن خارج میشد ودر تعقیب قصه و بازیگران قرار میگرفت.

این فیلم بخصوص یك خاصیت دیگر هم داشت و آن حضور آقای « میکی اسپیلین» به عنوان بازیگر در این فیلم بود — شاید حالا این نام کمی غریب و ناشناس جلوه کند — اما برویچ های قدیمی حتما او را می‌شناسند و لااقل نوشته‌ای از او را خوانده‌اند .

درآن موقع که تلویزیون نبود، خواندن قصه‌های جنائی ، پلیسی سرگرمی خوبی بود و نوشته‌های « میکی اسپیلین » باکار آگاه خصوصیش « مایك هامر » خواهان زیادی داشت . این جنائی نویس از قرار در آمریکا هم شهرت زیادی داشت و ..شاید بهمین خاطر رلی در این فیلم به او داده بودند و او رل واقعی خود را بنام «میکی اسپیلین» بازی و معمای جنایت در سیرك را به سر پنجه تدبیرش باز میکرد .

بهر حال سینما سکوپ که آمد بدنبالش مگاسکوپ ، اولتراسکوپ ،سوپر سکوپ و سایر انواع سکوپ ها هم ردیف شدند که

* حتی فیلمهای موفقی چون «ولگرد» و «غفلت» هم نتوانست جلوی رکود سینمای ایران را بگیرد!

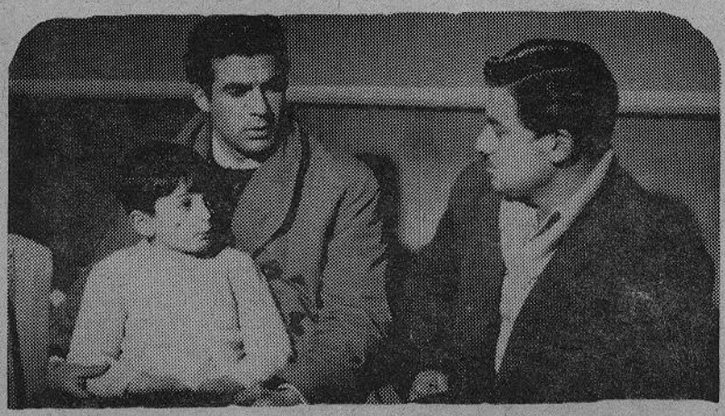

■ تصویری از فیلم معروف وپرفروش «غفلت» ....

در واقع چیزی جز همان سینما سکوپ نبودند و بتدریج سایر سینماها هم به رقابت اقدام به تعویض پرده و آپارات کردند و سینما سکوپی شدند و تا مدتی سرگرمی ما کشف و مقایسه پرده‌های عریض بود و میخواستیم به تفاوتهای آنها پی ببریم و میدانیم که توسل هالیوود به این نوع شیوه‌های نمایشی روی نیازی بود که به تماشاگر داشت ، چون تلویزیون خیلی‌ها را خانه نشین کرده بود و می‌باید به بهانه‌هائی آنها را به سالن سینما می‌کشانیدند.

شیوه «سینما سکوپ» ابتدا فقط در انحصار کمپانی فوکس قرن بیستم بود و سایر کمپانی‌ها برای استفاده از این شیوه و عنوان مجبور بودند حقوق دارنده امتیاز را رعایت کنند . اما بتدریج سایرین برای اینکه متحمل چنین هزینه‌ای نشوند، به این شیوه نامهای دیگری دادند و خود را در استفاده از آن شرکت دادند .

فوکس اولین فیلمی را که به شیوه سینما سکوپ ساخت «خرقه» نام داشت — که این فیلم نیز چند ماه پس از آمدن سینما سکوپ به ایران و درست دو سال که اززمان تهیه‌ی آن می‌گذشت ، در تهران نمایش داده شد — و منتقد مجله‌ی ما — ستاره سینما — پس از دیدن این نوع فیلمها چنین نظر میدهد که :

— طریقه فیلمبرداری «سینماسکوپ» برای این نوع فیلمها (فیلمهای تاریخی) و فیلمهای موزیکال بهترین و مناسب ترین طریقه فیلمبرداریست ووسعت و عظمت‌صحنه های آنرا بهتر نمایش میدهد . از ضبط صدای مخصوص آن در تشدید حالت فیلم نیز نمیتوان صرفنظر کرد .. .

***

... وقتی نگارنده با دریغ و حسرت ازآن سالها میگویم بدون علت نیست‌چون به بایگانی راکدم که مراجعه می‌کنم می‌بینم در همین سال لااقل هر هفته‌یک فیلم‌بر جسته و بزرگ میدیدیم ... فیلم هائی نظیر « رویای شیرین » یا «مهرویان شب » رنه کلر — «ماجرای نیمروز» «از اینجا به ابدیت »فرد زینه من — «کلانتری ۲۱ » «کاری » ویلیام‌وایلر — «باز داشتگاه شماره ۱۷» بیلی وایلدر — «دزد دو چرخه » ویتوریودسیکا — «هفت عروس برای هفت برادر » استانلی دانن — «لایم لایت » چارلی چاپلین — « معجزه در میلان» دسیکا «بیگانگان » جان هیوستن — « مرد سوم » کارول رید «کالسکه زرین » ژان رنوآر — حماقت پیترو جرمی — « آقایان مو طلائی ها را می‌پسندند » هوارد هاکر . که اگر این لیست را همچنان ادامه دهیم‌به درازا خواهد کشید .

علاوه بر اینها که ازسینماهای‌امریکا، ایتالیا و فرانسه انتخاب شده‌اند — با سینمای سایر کشور ها هم بیگانه نبودیم سینماهائی که امروز فقط باید در جشنواره جهانی فیلم تهران سراغشان را گرفت — مثلا ما آن زمان از سینماهای شوروی (اسکندر بیک) اسپانیا (دون ژوان) — خون و روشنائی) مجارستان (یك قطعه زمین) مکزیك (گاو باز شجاع — محله نفرین شده — کاباره مکزیکو) — ژاپن (کودکان هیروشیما و بمب اتم) هم فیلمهائی میدیدیم —که در میان آنها سینمای مکزیك با ستاره‌ای بنام «نینون سویلا» که هم می‌رقصید و هم میخواند خواهان بیشتری داشت .

این سینما علاوه بر این ستاره یک فیلمساز خوب بنام « امیلیوفر نانذز » و یك فیلمبردار ماهر و بزرك بنام «گابریل فیگه روآ» را هم بما معرفی نمود — که یاد همه آنها بخیر ...

□

... چندی است که‌سینمای‌ایران دچار بحران و بیکاری شده و دست اندرکاران بارها با مقامات دولتی به تدبیر نشستند و تا آنجا که میدانیم هنوز به نتایج مثبت وسازنده‌ای نرسیده‌اند . صاحبان سینما چنان وانمود می‌کنند که راه نجاتی نیست و حیات سینمای ایران‌به حساس‌ترین لحظه‌ی خود رسیده و هردم بیم آن میرود که از پای در آید — شاید بعضی‌ها آنرا باور کنند ..

.... اما چنین بحرانی‌درطول‌عمراین سینما بی‌سابقه نیست و هر چندگاه یك‌بار سینمای فارسی گرفتار آن میشود — بی‌آنکه بخواهیم در باره علت و علل آن کنجکاوی کنیم — از اولین رکود سینمای فارسی یادی می‌کنیم که درنیمه سال ۳٤ گریبان صاحبان این سینما را گرفت — اما آنها در آن موقع بر — خلاف امروز تریبون و پایگاه‌های زیادی در اختیار نداشتند تا بوسیله‌ی آنها بتوانند مشکلات خود را مطرح سازند و تا آنجا که بیاد داریم ستاره سینما تنها نشریه‌ای بود که به دفاع‌از صنعت سینمای فارسی برخاست وطی سلسله‌مقالاتی مشکلات آنرا مطرح ساخت — بهتر است قسمتهائی از آن رامرور کنیم :

...با نمایش فیلم فارسی «آخرین‌شب» آخرین پرده نمایش غم انگیزی که«صنعت سینمای ایران » خوانده میشد ، بپایان غیر قابل اجتناب خود نزدیکتر گردید . چندسالی بود که پدیده‌ای بنام صنعت ملی سینمای ایران در میان سایر شئون زندگی ما خودنمائی میکرد و کسانیکه واقعا غرور ملی و عشق بوطن داشتند از ته قلب شاد بودند که بالاخره ماهم درایران دارای یك وسیله بیان هنری شده‌ایم که‌امروزه دردنیای مترقی بعنوان قوی‌ترین ووسیع‌ترین وسیله آموزش و پرورش و تفریح شناخته میشود لیکن اکنون دیگر این نمایش مضحك و رقت آور آخرین مراحل خود را پیموده و تقریبا شبیه محتضری است که با مرك دست و پنجه نرم‌میکند اما بخوبی از فنای نزدیك خود آگاه میباشد ... صنعت سینمای ایران در حال احتضار است ، در حال خفقان است در حال فنا و نابودی است بجرات میتوان گفت که دیگر تمام فعالیت های سینمائی روی این زمینه متوقف شده است .آقای دکتر کوشان ، پدر سینمای ایران ، در استودیوی خود را بسته و به ساختمان سینما و خرید و فروش فیلمهای خارجی پرداخته است .... بوجود آورندگان فیلمهای «ولگرد» و «غفلت» که‌باعث‌تحول اساسی در صنعت سینمای بومی ما شدند بکلی دست روی دست گذارده و نگران آینده هستند . استودیوی دیانا فیلم که بیش از همه موفقیت داشت، تنها یك فیلم جلوی دوربین دارد و ازفیلمهای بعدی خبری نیست ... .و بالاخره از بقیه استودیوها نیز انتظاری‌نمیتوان‌داشت. فقط یکی دو استودیو مثل عصر طلائی هنوز کار خود را رها نکرده‌اند . آقای میثاقیه مدیر استودیو کاراوان فیلم نیز با اینکه چندصد هزار تومان وسایل مدرن فیلمبرداری خریده معهذا آنها رادر گوشه انبار برای‌روز مبادا ذخیره کرده است و خودش میگوید که دیگر دست‌بکار تهیه فیلم فارسی نخواهد زد .

چرا اینطور شده ؟ بچه دلیل فیلم های فارسی که روز بروز در کشورهای همجوار با استقبال شدید روبرو میشوند باین وضع تاسف انگیزه دچار شده‌اند ؟ جواب این سئوالات و خیلی پرسش های دیگر را در دو پاسخ اصلی زیر میتوان خلاصه کرد : اول اینکه دولت بجای کمك مالی و معنوی همه گونه کار — شکنی واشکال و مانع در کار فیلمبرداری بوجود می‌آورد و ثانیا خود استودیوها با بی‌توجهی خاصی فیلمهای بی سروته تهیه می‌کنند . در مورد عوارض چهل درصد فیلمهای فارسی تا آنجا که قدرت ما اجازه میداد و تا حدی که استودیوها زورشان رسیده با شهردار سابق مبارزه کرده‌اند تکیه کلام ما در این مبارزه کمك هائی بود که دولتهای خارجی به صنعت سینمای خود می‌کنند . چنانکه دولت آلمان با کمال سخاوت نیم میلیون

بقیه درصفحه۳۱

* چرا دکتر اسماعیل کوشان ، استودیوی پارس فیلم را تعطیل نمود و به خرید و فروش فیلمهای خارجی پرداخت ؟

* ماجرای کناره گیری مهدی میثاقیه از سینمای ایران ، چیست ؟

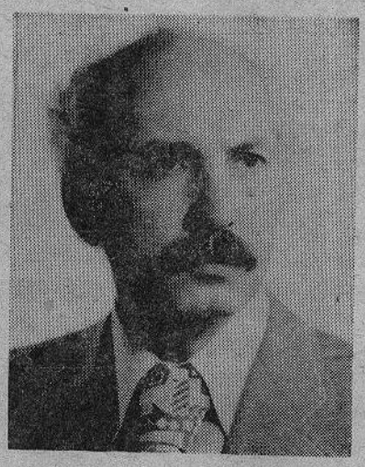

■ مهدی میثاقیه

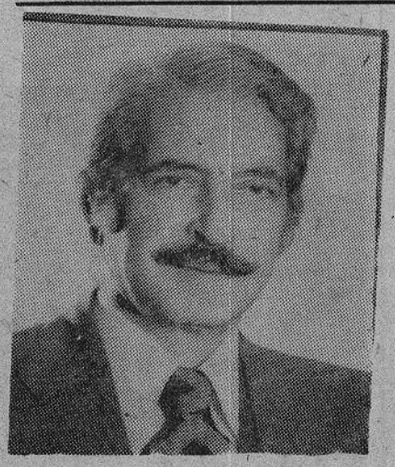

□ دکتر اسماعیل کوشان

* پرونده‌ی یك فیلمساز * کاوشی در سینمای فیلمسازان « امید » ...

سیاره کوچک سینما

راکی زنش را طلاق داد!

* سیلوستر استالونه زنش را برای یك زندگی جدید ترك کرد ...

■ سیلوستر استالونه که هم اکنون در فیلم « کوچه بهشت» بازی می‌کند یك هنرپیشه میلیونر است . همبازی او در این فیلم «جویس اینگالز » است.همسر او « ساشاجین » پس از ٤ سال زندگی مشترك از او جدا می‌شود .

تنها ثمره ازدواج این دو پسری‌است بنام «سیژمون بلاد» که هردو نگران آینده او هستند .

سیلوستر تنها هنرپیشه‌ای است که علیرغم کم کاری هیچوقت از یاد علاقه‌مندانش نخواهد رفت وهم‌اکنون‌درآمریکا واروپا علاقمندان پروپا قرصی برای‌خود دست و پا کرده است. بعد از فیلم «راکی» که باعث محبوبیت فوق‌العاده‌او شد هم اکنون فیلم دیگری بنام «راکی۲» ساخته می‌شود . او معتقد است که این فیلم نمی‌تواند مانند اولین «راکی» باموفقیت «گیشه» روبرو شود .

اززن‌اتمی چه خبر؟

■شایع است که بجای «لیندسی واگنر» بازیگر سریال زن اتمی قراربود ابتدا فارافاست بازی کند و بهمین دلیل لی‌میجرز تا کنون با لیندسی واگنر هم صحبت نشده است . امالی‌میجرزمی‌گوید: «این شایعه است‌و بهیچوجه حقیقت ندارد زیرا موقعیکه لیندسی‌قراردادش‌را امضاء میکرد من بی نهایت خوشحال بودم چون ده در صد درآمد او از این سریال بمن تعلق میگرفت . »

راز طلاق این ستاره تلویزیونی چه بود؟

■«سوزان سامرز » در مجموعه‌ای تلویزیونی باز ی‌می‌کند بنام «شرکت سه نفری » . او در این مجموعه بنقش زنی بنام « کریستی » ظاهر می‌شود . شرکت او در این مجموعه نه بخاطر زیبائی صورت و نه به سبب زیبائی اندام است بلکه فقط بخاطر «نام »خود اوست .

۹ سال پیش سوزان شوهرش را در پك بازی نمایشی که او هم بعنوان مدل در آن ظاهر شده بود ــ دید . واین دیدار به ازدواج انجامید . سوزان که هرهفته در تلویزیون ا . بی . سی برنامه دارد می‌گوید :

ــ « درمن یك حالت‌سکسی‌وجوددارد که اغلب مردم آن را جدی نمیگیرند.»

سوزان قبل از اینکه هنرپیشه شود ناشر کتاب بود . در سال ۱۹۷۳اولین‌کتاب شعر «سوزان » به چاپ رسید که نام‌آن «مرالمس کن » بود . موفقیت این‌کتاب به حدی بود که دومین کتاب او را با نام «دوباره مرالمس کن »به دست چاپ سپرد . هم اکنون نیز کتابی زیر چاپ دارد بانام : «بعضی ها بیشتراز دیگران زندگی می‌کنند . »

سوزان پسر یازده ساله‌ای‌بنام«بروس» دارد که سخت عاشق اوست . سوزان این پسر را قبل از ازدواج با «آلن هامل» از شوهر اولش داشت . آلن تیز یك دختر بنام لسلی ــ ١٦ ساله ویك پسر به‌نام استفن ١٣ ساله دارد آن دو سخت بهم علاقه دارند .

«سامرز» علت جدائی خود را از شوهراولش بخاطر اخباری میداند که روزنامه‌ها مبنی بر کشیدن یك چك صد دلاری بی‌محل توسط او به غلط انتشار داده بودند . این امر باعث ناراحتی شوهر اول او میگردد و حکم طلاق صادر می‌شود .

قضیه باب هوپ و جنگ ویتنام و ریچارد نیکسون چیست؟

■ باب هوپ کمدین معروف اعلام کرده است که در هیچیك از شوهای تلویزیونی درباره ویتنام و رئیس جمهور اسبق آمریکا ریچارد نیکسون صحبت نخواهد کرد . این آگهی برای‌کسانی است که باب هوپ را به شوهای خود دعوت میکردند تا فقط در باره این‌دو موضوع صحبت کند . او در مورد مسائل ویتنام و نیکسون حساسیت خاصی پیدا کرده است که اصلا مایل نیست حتی یك کلمه دیگر در باره آنها حرف بزند .

بنای یاد بودی برای لورل وهاردی ساخته می‌شود

■ طرفداران لورل‌وهاردی‌بزرگترین زوج کمدی سینما در صدد هستند تا بر سر قبر «هاردی » بنای یادبود با شکوهی بسازند . سازمان مسئول ساختن این بنا از کلیه اعضای خود خواسته است تا برای تکمیل این بنا که «بنای یاد بود لورل و هاردی» نام دارد کمکهای نقدی خود را پرداخت نمایند .

الی مك گراو و دایان کیتون بر سر عشق وارن بیتی باهم میجنگند!

*** وارن بیتی پس ازپشت سر گذاشتن جنجالهای عشقی با جولی گریستی ولسلی کارون، اکنون با معشوقه وودی آلن و همسر سابق استیومك کوئین، روابط عاشقانه برقرار کرده است!**

■ در نظر اول چنین استنباط می‌شود که بین «وودی آلن» و «استیومك کوئین» و «وارن‌بیتی» تفاوتهائی‌وجود دارد اما بین این سه‌مرد یك نقطه مشترکی وجود دارد. این وجه اشتراك «زن» است. و هر جا که زنی مورد توجه قرار گیرد می‌توان «وارن بیتی» را نا دیده گرفت؟ بهیچوجه! زیرا امروزه وارن بیتی پایش را از گلیمش درازتر کرده است و با یك دست بیش از چند هندوانه را بلند می‌کند.!!

بدین معنی که در همان لحظه‌ای‌که با معشوقه‌ی سابق وودی آلن «دایان کیتون» قرار دارد با همسرسابق «استیومك کوئین» یعنی «الی مك گراو» نیز قرار گذاشته است. واین دوزن اگر میخواهند از عشق «وارن» برخوردار شوند بایستی با این «دله‌بازی» های‌حضرت آقا بسازند چون این اخلاق ایشان است‌و هیچ کارش هم نمی‌شود کرد.

از نظر فیزیکی «وودی آلن» و «وارن بیتی» را بهیچوجه نمی‌توان‌با هم مقایسه کرد ضمن اینکه «وارن» بهمان اندازه «وودی» آداب دان و اهل‌معاشرت است.

یکی از علل دوستی دراز مدت وودی و دایان (که هنوز هم بعنوان دو دوست نزدیك با هم رفت و آمد دارند) برمبنی علائق روحی است. دایان هنرپیشه فیلم هائی چون «در جستجوی آقای گودبار» و «آنی هال» زنی است فوق‌العاده با هوش ـ به نرمی صحبت می‌کند، خجالتی است و به هر چیزی که به کارآکتر سینمائی‌اش مربوط شود علاقمند است.

اما «وارن»؟ برخلاف ظاهر زیبائی که دارد، مردی است که ترجیح میدهد درباره فلسفه رفتن به «دیسکو» ساعتها بحث کند. بزرگترین ماجرای عشقی او با جولی کریستی و «لسلی کارون» بوده است. و کسیکه در عشق با اوثابت قدم‌تر از همه بود «میشل فیلیپ» بود. و حالا با نو زن جنجالی است یکی «دایان» ویکی «الی».

این دو در بسیاری از جهات بهم‌شبیه هستند. اما هیچکدام تازه کار نیستند. هر دو به خوبی میدانند که یك هنرپیشه آنهم هنرپیشه‌ای به خوش قیافه بودن وارن بیتی ـ مرد ایده آلی نیست.

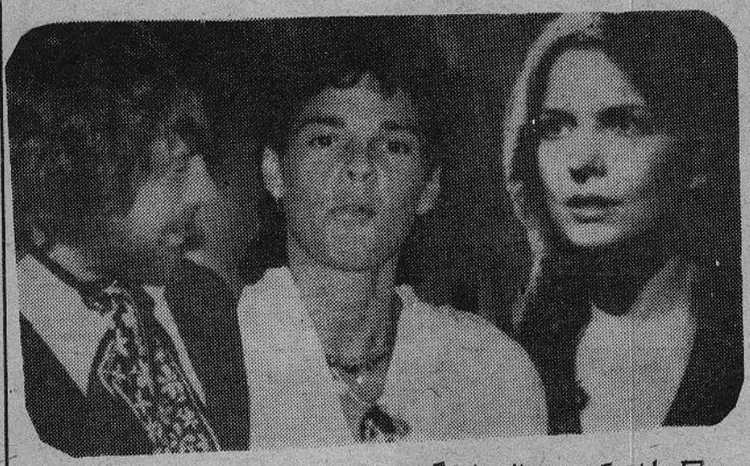

□ دایان کیتون و الی مك گراودر کنار عشق مشترکشان: وارن بیتی!

اما با اینهمه هر دو نفر زندگی خود را دست خوش تغییراتی کرده‌اند که‌متاسفانه معلوم نیست عاقبت به چیزی که در جستجویش هستند خواهند رسید یا خیر؟

اگر «الی» و «دایان» جدا بخواهند تصمیم بگیرند ـ آیا «وارن» همان‌مردی است که آنها بدنبالش بوده‌اند؟ بله.

زیرا آنها می‌دانند که «وارن» تهیه کننده با استعدادی‌است و هردو نفر ترجیح میدهند با چنین کسی «دوست» باشند تا با یك مرد بطور دائم وفا دار بمانند. از طرفی هیچیك از آنها نه «الی مك‌گرا» و نه «دایان کیتون» تصمیم ازدواج کردن ندارند هردو طالب روابط آزاد با «وارن» هستند. واین همان چیزی است که «وارن بیتی» طالب آن است.

■ دایان کیتون □ وارن بیتی ■ الی مك گراو

سریال تازه‌مك میلان

راك هودسن در یك سریال ۱۰ ساعته تلویزیونی بنام «چرخها» بازی میکند. داستان این مینی سریال برمبنای یکی از پرفروش‌ترین کتابهای «آرتور هیلی» است که در «دیترویت» فیلمبرداری می‌شود. در این سریال برعلیه غول صنعت که در این شهر سابقه‌ی طولانی دارد اقامه دعوی شده است «راك‌هودسن» بنقش‌مهندس «آدام ترنتون» ظاهر می‌شود و «لی‌رمیك» هنرپیشه فیلم «طالع نحس» نیز در کنار اوست که نقش همسر او را ایفا می‌کند.

«رالف بلامی» نقش پدر زن او را دارد که یك کارخانه دار بزرك است. در صحنه‌ای از این سریال «راك» بایستی ضربه‌ای بصورت «لی رمیك» برند «راك» می‌گوید:

ـ «لی رمیك یکی از هنر پیشه‌های مورد علاقه من است و همین علاقه آنقدر روی من تاثیر دارد، که صحنه کتك زدن او را باوجود تمرینات زیادی که‌کرده

بودیم بارها خراب کردم. چون یك‌نیروئی که فکر می‌کنم همان علاقه واحترام من به اوست مرا از زدن باز میداشت. این روزها نقش‌های منفی زیاد است و من بعضی از آنها را نپذیرفته‌ام تا بازی کنم حالا نظر مردم روی من چه خواهد بود آینده نشان خواهد داد.

نکته‌هائی از هنرپیشگان بین‌المللی

■ هنری وینکلر می‌گوید: «هنرپیشه بودن خیلی سخت تر از هنرپیشه‌شدن‌است.»

□ فرد آستر معتقد است: «رقصیدن من در فیلمها یك حرفه بود و خوشحالم که دوران آن به سررسیده است.»

■ الیزابت تیلور می‌گوید: «من هیچوقت روی صحنه از کار خودم راضی نیستم از صدای خودم در فیلمها خوشم نمیاید. بازی خودم را هم‌بهیچوجه دوست ندارم.»

□ گلدی هاون اظهار میدارد: فرق بین من و یك برقی در این است که خوشبختی او در آن است که در دنیائی زندگی می‌کند که آزاد است و من اسیر دنیای رقابت‌ها هستم.»

■ ناتالی وود می‌گوید: «کار کردن بمراتب از بیکاری آسان تر است. کارکردن مثل دوران بچگی است. وقتی کار میکنی بتو می‌گویند چه موقع غذا بخور ـ چه لباسی بپوش ـ چه حرفی بزن و خلاصه در هر زمانی چه کاری انجام بده.»

□ دبی رینولدز. می‌گوید: «موفقیت هم می‌تواند باعث سقوط شود و هم می‌تواند شخصیت ممتازی را نصیب انسان کند.»

■ عمر شریف معتقد است. «باربارا استرایسند که در اول به چشم من بسیار زشت بود بتدریج مرا عاشق استعداد خود کرد و هم اکنون به شخصیت او نیز احترام زیادی می‌گذارم.»

■ فارافاست می‌گوید: «من‌وقتی در دبیرستان تحصیل میکردم کمی بی‌استعداد بودم بازیکنان فوتبال مرتبا بدنبال دخترانی بودند که سینه‌های برجسته‌ای داشتند و من متاسفانه از این خصوصیت برخوردار نبودم ـ متوجه‌منظور من شدید؟»

تنها، صداست که میماند

* «پریسا»، یگانه بودن و یگانه ماندن.؟

□ از «پریسا» گفتن شیرین است و از او شنیدن. شیرین و سرشار از جذبه های پنهان و پیدا، همچنان که جادوی صدایش در لحظاتی پر از راز و رمز بدل می‌نشیند و ترنمی‌نوازشگونه بر زخمه‌های احساس هر شنونده‌ی صاحب عاطفه دارد. اینگونه شیفته‌وار از جذبه‌های سحرانگیز صدای یك بانوی خواننده گفتن، شاید گمان یك داوری تعصب آمیز و علقه‌ی دوستانه راپیش آورد. که بهر حال در ماهیت این شیفتگی و تعلق خاطر صادقانه از سوی نگارنده تردیدی نیست. اما وابستگی و ارتباط نزدیکی در کار نمی‌تواند باشد، چرا که «پریسا» همان اندازه به من نزدیك و وابسته است که به شما و هر شنونده دیگر رادیو و تلویزیون شایدتفاوت در میزان دریافت و سبك‌سلیقه ها باشد که نگارنده را اینسان پر از شوق و شور در جاری زلال یك نهر سیال از ذره‌های موسیقی با خود میبرد.

«پریسا» بانوی بی‌تردید موسیقی اصیل ایرانی و یگانه از نقطه نظر ارزشهای هنری و بداعت و خلاقیتش در هم آمیزی کلام و موسیقی و بهره‌داشتن از آوائی گرم و دل‌انگیز، اینروزها بر قلب هر دوستدار صاحب ذوق موسیقی اصیل ایرانی حکومت میکند. جذابیت چهره و حرکاتدل نشین این بانوی آوازه خوان، بدون اغراق غایت حسنی است که همراه با موج جادوئی صدایش، آمیزش «حسن و ملاحت» راتداعی می‌کند، که نقش مجسمی است از ظرافت اندیشی حافظ شیراز. با آنکه دیر آمده‌ای بود، زودتر از حد تصور به‌اوج دست یافت. و با آنکه آسمان آواز این دیار از ستاره‌های ریز و درشت پوشیده بود وبا آنکه موسیقی اصیل ایرانی در زمینه بهره داشتن از آوازه خوانان زن براستی پربار بوده و هست و علیرغم چهره‌های درخشان موجود و زنان هنرمند دنیای موسیقی اصیل ایرانی مثل مرضیه، دلکش، الهه، حمیرا، هایده که هر یك محبوبیت وارزش‌فوق‌العاده‌ای در نزد طرفداران موسیقی ایرانی دارند، همیشه جای خالی‌یك‌بانوی آوازه خوان حس می‌شد. کسی که «قمری» باشددر کنار ستارگان این آسمان گسترده. «قمر»ی که‌سالها پیش‌خاموش‌شده‌بود، اینك، از شرق پرستاره طلوع دوباره‌ای داشت. و باطلوع «پریسا» همه دست در کاران این رشته از هنر، طلوع دوباره«قمر» را باور کردند. و پریسا در همان اوایل و ابتدا ی‌ورود به جرگه‌ی آواز خوانان زن ایرانی، درخششی دور از انتظار داشت. یگانه آمد و همچنان یگانه ماند. جذبه‌های پیدا و نهان در زیروبم صدای افسون کننده «پریسا»، خیل تازه‌ای از دوستداران موسیقی را متوجه‌ارزشهای والاو سحرانگیز موسیقی اصیل ایرانی کرد. شگفتی در این بود که حتی گروه بی شماری از طبقات مختلف نسل جوان که پیشتر از این شیفته و فریفته موسیقی خارجی‌و یا آهنگهای در هم جوش خارجی وایرانی و سبکهای تند و ریتمیك بودند و هرگز تصور و پندار واقع بینانه و درستی از موسیقی اصیل ایرانی بذهنشان خطور نمی‌کرد. یکباره به سوی موسیقی ناب ایرانی جلب شدند. وگروه‌بی‌شماری از جوانان عاشق موسیقی، در میان امواج احساس برانگیز آوای یك بانوی آوازه خوان تمایلی شدید و عمیق به‌لحظه های پر حس و حال موسیقی اصیل ایرانی، از خود نشان دادند. و درجلب و جذب این خیل عظیم و سرشار از احساس و عاطفه، جادوی شورانگیز صدای «پریسا» نقش با اهمیت‌و بی چون و چرائی دارد. و زیاد گوئی نیست اینکه مدعی شویم که «پریسا» حق کتمان ناپذیری به گردن موسیقی اصیل ایرانی دارد. و براستی که صدای اثیری و گیرای این بانوی هنرمند، خونی گرم و سیال در رگ و پی موسیقی سنتی این دیار جاری ساخت که پیش از او تنها تعداد معدودی از بزرگان آواز ایرانی، چنین کرده بودند. «قمر» در گذشته های دور، «بنان» و شهیدی و محمودی خوانساری و شجریان در این دور و نزدیکها.

* نقش توده مردم در گزینش «هنرمند»!

□ میزان شناخت و قدرت تشخیص توده مردم در گزینش صاحبان خلاقیت وارزشهای هنری، در تمامی ادوار و اعصار، اهمیتی سرنوشت ساز داشته است. تائید و پذیرش یك هنرمند از سوی قشر وسیعی از مردم یك جامعه درهمه حال میتواند دوام و بقای‌ارزشهای‌موجود در کارهر هنرمند را تضمین نماید.

معهذا کج سلیقگی‌های گاه وبیگاه و گرایش ظاهری به ارزشهای کاذب از جانب مردمان هر دیار، میتواند خدشه و خللی در اهمیت نقش ایشان بعنوان عوامل تایید کننده برتری و اصالتهای هنری، وارد سازد. با این همه، همیشه در اکثر موارد و مواقع این مردمان طبقات گوناگون جامعه هستند که‌پایداری و دوام هنرمندان واقعی را جامه تحقق می‌پوشانند.

بقیه در صفحه ۳۰

* گروهی از خوانندگان، جوانان را با موسیقی‌ناب‌ایرانی آشتی دادند اما «پریسا» گروهی را عاشق موسیقی اصیل ایرانی کرد!

* همه گفتند: «قمر» دوباره طلوع کرده است.

* پریسا گروه بی شماری ازنسل جوان را به‌موسیقی‌اصیل‌ایرانی متوجه ساخت

از شمشیر آویخته بر دیوار باید ترسید، خون را می‌شناسد

از صبح سه شنبه ششم تیر ماه
در سینماهای ممتاز و چهار ستاره

کاپری - ریولی امپایر

فیلمی از
مسعود کیمیائی

سنگ سفر

سعید راد • فرزانه تائیدی • رضا فاضلی • حسین گیل
امرالله صابری • حمید طاعتی
و اکبر کیا
با هنرمندی: جعفر والی • علی محزون
و بازی: گیتی

مدیر فیلمبرداری:
هوشنگ بهارلو
موسیقی متن:
مجید انتظامی • اسمعیل ماهان
تهیه، سناریو و کارگردانی
مسعود کیمیائی
داستانی بر اساس قصه بهزاد فراهانی

● تصویر برداری فوق العاده است و نحوه رسیدن به نقطه اوج در تمام صحنه‌های خارجی فیلم بسیار عالی و تحسین‌برانگیز بازسازی شده است.
جان گیبت ـ " مجله سایت‌اند ساید "

● آنهائی از حقیقت، تحسین به یک چنین جسارتی، کارگردانی بغایت عالیست هنرپیشه گانش (بازی) نمیکنند ..... پرتکوانند.
آن میشل بعوند "روزنامه نیویورک"

● فیلم سنگ سنگ شعریاست که بافریاد خوانده‌شده. کیمیائی یک شاعر است.
هنگ و ربا " مجله ویرایشی "

● کارگردانی فوق العاده، فیلمبرداری زیبا و استادانه و بازیهای خوب
آبزرور " مجله موی مارکتیسک "

● مشاهدم کنفیلم سنگ سنگ برای دوره سابقه‌فستیوال کان ۱۹۷۸ حاضر نشدفیلم با اینکه ظاهرا" یک‌نقطه داخلی و محلی را بررسی میکند بصورت یک سینمای گویا میتواند درسطح جهانی مطرح باشد. " بولتن مجله فیلم فرانسه "۱۹۷۸/۷/۲۹

● یک اثرمهم باندازه شاهکار، با یک ارزش بسیارفوق انسانی و اجتماعی دیدروچهای "رقص‌فستیوال‌فیلمهای‌مولن‌رمو"

* نکته‌هائی ناخوانده‌در باره‌زندگی خصوصی و هنری :

فارافاست ولی میجرز

فارا و لی دو قطب غیر همنام که همدیگر را جذب می کنند!

* این زوج خوشبخت ، هیچ شباهت اخلاقی با هم ندارند ، جز اینکه هردو خیلی‌مرموزند!

* برنامه فشرده کاری ، اجازه‌نمیدهد که این زوج سرشناس سینما و تلویزیون ، زیادیکدیگر را ملاقات کنند !

■ بدون شك لی‌میجرز یکی ازمبالغه‌آمیز ترین هنرپیشگان هالیوود است. طبیعتا کم حرف است واز مصاحبه کردن فرار می‌کند . علیرغم شخصیت واقعی‌اش که گوشه گیر است یکی از سرشناس ترین هنرپیشگان است . از بین عده زیادی از دوستدارانش تعداد انگشت شماری را برای دوستی و مصاحبت برگزیده است. در هالیوود نیز تعداد معدودی می‌توانندادعا کنند که به زندگی خصوصی‌او راه‌یافته‌اند. وتازه این عده فقط می‌توانند بگویند که لی میجرز یکی از بهترین‌دوستان ماست. سالهاست که هیچکس جز فارافاست از نزدیك‌بالی میجرز دم‌خور نبوده است . البته تا حدی می‌توان از جی‌برنشتاین صاحب‌شرکتهای روابط عمومی هالیوود نیز نام برد که روابط دوستانه‌و نزدیکی با لی میجرز دارد . برنشتاین علاوه بر انجام کارهای اجتماعی لی ، بیشتر وقت خود را با لی وفارا می‌گذراند و از هر کس دیگر به زندگی خصوصی این دو نفر بیشتر آگاهی دارد . بهمین دلیل دعوت مجله فتوپلی را برای‌گفتن حقایقی درباره زندگی این دو نفر پذیرفت و مطالبی گفت که خلاصه آن را در زیر میخوانید :

— «لی هنر پیشه بزرگی است .فوق‌العاده خجالتی است . او از جمعیت گریزان است نه آنکه اعتماد بنفس ندارد بلکه نمیخواهد در میان انبوهی ازجمعیت ظاهر شود بزرگترین دلیل آن این است که از گپ زدن لذت نمی‌برد .

شاید برای عده بسیاری از مردم شهر ساده باشد که به‌آنهابگوئید:چه‌میکنی؟تازه چه خبر ؟ اما لی از این مسائل گریزان است ! بنابر این سعی می‌کند بین خودش واین مردم دیواری بکشد بدین معنی که به پارتی‌ها نمیرود و هر جا که عده زیادی دور هم جمع باشندظاهر نمی‌شود.»

وقتی از برنشتاین پرسیده می‌شود که چرا «لی میجرز» از مصاحبه کردن گریزان است ؟ می‌گوید :

— « بنظر من «لی» فکر می‌کند مصاحبه یك نوع تجاوز به حریم زندگی خصوصی افراد است . واو از این تجاوز خاطره بدی دارد . حرفهای او همیشه تحریف شده است . فکر نمی‌کنم درباره این موضوع احساس خوبی داشته باشد . او چیزی را که نتواند به خوبی انجام دهد دوست ندارد . بیشتر ورزش ها را به خوبی انجام میدهد .

یکی از سرگرمی های اصلی او ورزش است . او تنیس بازی می‌کند به کلف و ماهیگیری نیز علاقه دارد و به آنها هم می‌پردازد . در نزدیکی مرز ایالت‌آریزونا و نوادا جائی تهیه کرده است که بیشتر اوقات خود را در آنجا میگذراند . اگر بخواهیم عشقهای او را در زندگی‌به‌ترتیب اهمیت بازگو کنیم باید بگوئیم عشق اول او « فارا فاست » هست . عشق دوم او بازیگری است و عشق سوم او ورزش .

بعضی اوقات فارا بااو به ماهیگیری میرود . و گاهی نیز با هم‌تنیس‌بازی‌می‌کنند . بنظر لی محل سکونت آنها «قصر » آنهاست !

برنامه فشرده کار اجازه نمی‌دهد که این زوج زیاد یکدیگر را ملاقات کنند. وقتی لی کار می‌کند ، فارا نیز سخت مشغول است . آنها ساعت ٦ صبح از خواب برمیخیزند . شاید هم کمی زودتر . بعد در سرمیز شام همدیگر را می‌بینند چون بلافاصله بعد از شام بایستی خود را آماده کنند تا زود بخوابند و خود را برای فردائی پرکار آماده کنند. تنها تعطیلات آخر هفته هست‌که آنها می‌توانند بیش هم باشند . و آنها سعی می‌کنند تمام ساعات این دو روز را با هم بگذرانند . با هم تنیس بازی می‌کنند یا اگر لی گلف بازی می‌کند فارا تنیس می‌کند اما زمانی که فیلمبرداری داشته باشند این تعطیلات نیز برای آنها وقتی باقی نمیگذارد .

«فاراولی» دوقطب مخالف همدیگرند و این یك تعادل خوبی را ایجاد می‌کند. آنها بهم شباهتی ندارند جز اینکه هردو نفر خیلی مرموز هستند .

برنشتاین در باره فارافاست اضافه می‌کند :

— «چند روز پیش با فارا یك‌مکالمه تلفنی داشتم . فارا کمی بر آشفته بود و بامن تند صحبت کرد . وقتی تلفن قطع شد به معاونم گفتم او دوباره تلفن خواهد کرد . چند لحظه بعد او دوباره تلفن کرد و از تند صحبت کردنش عذر خواهی‌کرد این عمل او ناشی از خستگی زیاد از حد اوست ».

برنشتاین با آگاهی کاملی که از زندگی این زوج دارد ، معتقد است که عشق عمیقی بین فارا ولی وجود دارد .او در اینمورد میگوید :

— «بنظر من لی بیشتر ازهر پسری که دوست دخترش را دوست دارد ، عاشق فارا — هست . او دیوانه وار فارا رامی‌پرستد . وفارا نیز عاشق لی است . علت اینکه روی این مسئله پا فشاری و تاکید می‌کنم این است که اکثر آمریکائی ها فکر می‌کنند وقتی یك زوج جوان و زیبا باشند حتما با دردسرهائی در زندگی خود مواجه خواهند شد . اما در زندگی لی وفارا هیچگونه مشکلی نیست . آنها در ایجاد رابطه خانوادگی کاملا موفق بوده‌اند .»

برنشتاین در مورد اثبات ادعای خود مبنی‌بر علاقه شدید لی و فارا مثالی میزند او می‌گوید :

— « وقتی سریال فرشتگان چارلی‌با شرکت فارافاست از تلویزیون پخش‌میشد، من به دیدار این دو رفتم . سریال راس ساعت ۱۰ پخش میشد . موقعیکه من به آنجا رسیدم‌آنها داشتند فوتبال دستی بازی میکردند وساعت ۹ و ربع بود . بازی آنها از ۸٫۵ تا ۹٫۵ بود . لی بمحض دیدن من گفت متاسفم که‌باید ترا تنها بگذارم چون ساعت ۱۰ باید سریال فارا را ببینم . و من پس از یکساعت‌رانندگی دوباره بخانه برگشتم . البته این تقصیرمن بود که دیر آمده بودم روز بعد لی بمن تلفن کرد و عذر خواست . »

برنشتاین در مورد عشق فارا به لی نیز مثالی دارد :

— « یکشب فارا کارش را زودتر تمام کرد و عازم خانه‌بود تا برای لی شام بپزد . از من سئوال کرد که مایلم شام را با آنها صرف‌کنم . و بازی فوتبال دستی او ولی را ببینم ؟ فارا باین دلیل میخواست بخانه برود و برای لی شام تهیه کند چون می‌دانست لی از این عمل فوق‌العاده خوشحال می‌شود .

ضمنا اینرا هم بگویم که فارا تمام قرار دادهای‌سینمائی‌اش را با مشورت لی‌میجرز منعقد می‌کند . ».

برنشتاین ادامه میدهد :

—« یکشب عده زیادی را به خانه‌ام دعوت کرده بودم ولی میجرز طبق معمول که هر۱۰ روز یکبار به خانه‌ام می‌آید تا از سونا استفاده کند نیز آن شب آنجا بود وقتی از سونا بیرون آمد دید عده زیادی در حال آمدن به خانه من هستند. او به در عقب رفت و مدت ۱۵ دقیقه در زد و در آن سرمای کشنده معطل شد تا من صدای‌در زدن او را شنیدم وقتی در را باز کردم گفتم چرا از در جلو نیامدی توی اتاق ؟ واو گفت من باین مهمانی دعوت نشده بودم . باو گفتم خوب حالا دعوت شدی بیا تو . و او گفت نه. او خجالت می‌کشید در جمع مهمانان حاضر شود . او بی‌اندازه گوشه گیراست. بخصوص از کسانی‌که نمی‌توانند موقعیت‌او را درك کنند گریزان است . لی علاوه

بقیه در صفحه ۳۱

* فارا فاست تمام‌قراردادهایش‌را بامشورت لی میجرز منعقد می‌کند

* لی میجرز به فارافاست ، حتی بیشتر از حرفه بازیگری‌اش و نیز ورزش ، عشق میورزد !

خلاصه کامل داستان

تابستان برفی شرح حال دختری است باسم شهرزاد . من دفتر خاطرات او را گرفتم شهرزاد در خاطرات خودنوشته‌است.

— پانزده ساله بودم که مادرم عفت‌السلطان مرد پس از فوت مادرم برادرم مسعود به لندن رفت و پدرم با خاله‌ام اشرف‌السلطان که یك پسر بزرك باسم محمود داشت ازدواج کرد .

در طول سال تحصیلی که بمدرسه میرفتم فهمیدم که آقای ادیب‌زاده معلم ادبیاتمان عاشق من شده است . زن آقای ادیب زاده به او خیانت میکرد و بهمین دلیل ادیب‌زاده یکبار خودکشی کرد وبعد از خودکشی همسر خود را طلاق‌دادوبادختر دیگری ازدواج کرد . من‌بوسیله‌همشاگردیم مریم با خسرو که برادر او بود آشناشدم و کار این آشنائی بازدواج انجامید.

هنوز یکماه از ازدواج ما نگذشته بود که پدرم پیشنهاد کرد همراه آنهابشمال برویم. در شمال ویلای شخصی باسم حاج باقر در اختیار ما بود یکشب که من لب دریا رفته بودم هوس شنا کردم‌ولخت‌شدم. در همین موقع پسر خاله‌ام‌محموددرتاریکی مرا درآغوش گرفت و بزور بمن تجاوز کرد . من از ترس اینکه مبادا خسرو خانواده‌اش ازاین ماجرا آگاه شوندسکوت کردم و هنگامیکه‌بتهران‌برگشتم‌دردستشوئی خانه با تیغ صورت تراشی رك دستم را زدم وخودکشی کردم .

وقتی از بیمارستان مرخص شدم بخانه پدرم رفتم و یکهفته بعد پدر و مادر خسرو به پسرشان فشار آوردند تا مراطلاق بدهد. پس از اینکه از خسروجدا شدم‌پدرم مرا همراه خود به لندن برد تابرادرم‌مسعود را ملاقات کنم در لندن مسعودمرا بادوست دخترش الیزا که همکلاسی‌اش بود آشنا کرد . پدرم هنگام بازگشت بتهران، مرا نزد برادرم مسعود گذاشت‌تادر لندن‌اعصابم تسکین یابد . وقتی که پس از بدرقه پدر سوار یك تاکسی بسوی میدان پیکادلی میامدیم ، ناگهان راننده ما را بیك جنگل مصنوعی برد ومن دیدم که یك اتومبیل با سه سر نشین دیگر ما را تعقیب میکنند. آنها مسعود را کتك زدند و مراهمراه‌خود به‌یك کلبه مخروبه آوردند وبدست پیر زنی باسم کلثوم سپردند مرد راننده که اسمش چارلی بود ، شب هنگام‌با یك‌چراغ فانوس بسراغم آمد .

میدانستم که چارلی‌میخواهدبمن تجاوز کند، از اینرو با سنك محکم‌بسرش کوبیدم و همراه کلثوم‌ازداخل کلبه‌مخروبه فرار کردیم . اما قبل از اینکه موفق به فرار بشویم از دور نور اتومبیل برماتابید و اتومبیل مزبور در کنار ما توقف کرد. داخل اتومبیل یاران چارلی بودند . جیمز وتونی مرا داخل اتومبیل انداختندوبطرف کلبه مخروبه آوردند . وقتی آنهادیدند چارلی زخمی است خوشحال شدند وجیمز با اسلحه چارلی را کشت تا من نصیب‌آنها شوم .

اما در همان لحظات بین جیمز و تونی درگیری پیش آمد وتونی چارلی را از پا در آورد . بعد تونی مراهمراه‌خودش به‌لندن آورد ودرخانه‌اش از من‌نگهداری نمود . او در یك موقعیت مناسب به من سیگاری که در آن هروئین ریخته بوداد وبعد بمن تجاوز نمود سپس روز بعد همراه مرد قد کوتاهی که عرب بودوبرای‌خریدن من آمده بود بخانه برگشت و دست وپای مرا بستند و داخل کیسه‌نهادندودرصندوق عقب اتومبیل جای دادند .

اینك ادامه این ماجرای جنجالی .

«۳۱»

لحظاتی بعد موتور لنج به ساحل رسید و از حرکت باز ایستاد . من از سرنوشت نامعلومی که در انتظارم بود وحشت‌داشتم. واقعا اگر میدانستم که چه آینده‌ای در انتظارم است ، باز خیالم راحت بود . اما از این جهت که معلوم نبود چه برسرم خواهد آمد نگران بودم .

عبدالله با قد کوتاه و خپله‌اش ، و صورت سیاه چرده‌اش با پیر مردی که در حدود هفتاد سال داشت و صاحب موتورلنج بود صحبت کرد و بعد بمن اشاره نمود که سوار شوم .

من در حالیکه سرو صورت خود را کاملا بادستمال پیچیده بودم تااز گزند گرمای سوزان خلیج در امان بمانم ، با کمك عبداله سوار موتور لنج شدم .

پیرمردی که صاحب موتور لنج بود از فرط پیری گوئی با مرك فاصله چندانی نداشت . نگاهی بمن کرد و لبخندی زد . لبخند او مثل زهر بود که در حلقوم آدم ریخته باشند . انگار او میدانست که دارند مرا بکجا میبرند . دندانهای پیر مرد سیاه شده بود و بیشتر به آدمهای ما قبل تاریخ میمانست تا یك انسان امروزی .

عبداله مرا بگوشه‌ای هدایت کرد و گفت :

— بشین .

پیر مرد نگاهی بخورشید که حرارت سوزانش برما میریخت انداخت و گفت :

— راه درازی در پیش‌داریم .امیدوارم بسلامت برسیم .

این حرف بیشتر مرا بفکرفروبرد . من تابحال در دریا سفر نکرده بودم .

پیر مرد موتور لنج را روشن کرد و موتور لنج با غرش وحشناکی سینه آبهای خلیج فارس را شکافت و بحرکت درآمد.

دریا ساکت و آرام بود . نور خورشید در آبهای خلیج فارس انعکاس شکننده‌ای داشت و برخورد نور خورشید باآب دریا قدرت نگاه کردن را از آدم میگرفت . پس از طی مسافتی ، احساس کردم که دارم از گرما خفه میشوم . به عبداله گفتم:

— من دارم از گرما میمیرم .

عبداله گفت :

— کمی تحمل کن .

گفتم :

— تمام بدنم درد میکند ..

گفت :

—برای چی ؟

گفتم :

— مثل اینکه احتیاج به هروئین دارم.

عبداله خنده‌ای کرد و گفت :

ناراحت نباش . فکر همه چیز رو کردم ، برات آوردم . سپس عبداله دست در لیفه شلوارش کرد و یك کاغذ کوچك را که لوله شده بود در آورد و آنرا باز کرد و بدستم داد . م ن با ولع مواد مخدر را به بینی‌ام نزدیك کردم و آنرا کشیدم.

عبداله وپیر مرد ذل زده بودند و مرا نگاه می‌کردند . پیر مرد سری جنباند و گفت :

— ای بیچاره ، توهم که به بلا دچار شده‌ای . من به گفته اووقعی‌ننهادم .همین‌قدر که احساس راحتی ولذت میکردم خوشحال بودم . رخوت و سستی خوشایندی در تمام بدنم دوید . عبداله در کنارم‌نشست و گفت :

— حالت خوب شد .

مثل آدمهائی که یك بطر مشروب خورده باشند با لحن کشدار و سستی گفتم:

— آره ، خوب شدم .

عبداله‌خنده‌ای کرد و گفت :

— اگر اربابم ترا ببیند خیلی‌خوشحال میشود بمن پاداش خوبی میدهد .

من خوب حس میکردم که‌دارم به چه سرنوشت هولناکی سوق داده میشوم . اما قدرت هیچ عکس‌العملی را از خود نداشتم. از جابرخاستم و لبه موتور لنج ایستادم . تا چشم کار میکرد دریا بود و آب‌بود و سکوت .. .

گه‌گاه یکدسته مرغ دریائی با قیل و قال فراوان از بالای سرمایااز فاصله‌ای دورترحرکت‌میکردند و من به آزادی آنها حسرت میخوردم . وقتی خوب باطرافم نگاه کردم‌دیدم بجز آب‌هیچ‌چیز دیگری دیده نمیشود . از هر طرف که مینگریستم دریا وافق بهم چسبیده بودند و من می‌انگاشتم که در دنیای دیگری سیر میکنم .

عبداله گفت :

— در آبهای خلیج فارس هیچکس شنا نمیکند ، چون پراز کوسه است ... درضمن آب این دریا شور است و تمام بدن را میسوزاند . وقتی این حرف را از دهان عبداله شنیدم ترسیدم. زیرا من‌ازکوسه‌خیلی می‌ترسیدم . دریك لحظه با خودم مجسم کردم که اگر موتور لنج چپ شود ما اسیر کوسه ها خواهیم شد . از تصور این فکر لرزه خفیفی بدنم را فرا گرفت .

عبدالله که بمن نگاه میکرد گفت:

— ترسیدی ؟

گفتم :

— خواهش میکنم دیگر راجع به اینجور چیزها حرف نزن . پس از این جمله دوباره ساکت شدیم . پیرمردی که موتور لنج را هدایت میکرد گفت که سال گذشته شریکش در دریا غرق شد و کوسه‌ها سراو را از بدنش قطع کردند .

پیر مرد با لذت وافری این ماجرا را تعریف میکرد . هر چند میدانستم که بین دنیای من واو فاصله زیاد ی است و هیچ انتظار نداشتم که او هم مثل من فکر کند

طرفهای بعد از ظهر بود که نسیم ملایمی شروع بوزیدن کرد . من دستمال را از روی صورتم باز کردم و نفس عمیقی کشیدم.

پیر مرد از جا برخاست و نگاهی به آسمان انداخت و گفت :

ـ اگر اشتباه نکنم، تا چند لحظه دیگر طوفان میشود .

من گوشهایم را تیز کردم تا بفهمم او به عبداله چه میگوید . عبداله وقتی این حرف را شنید رنگش پرید و گفت :

ـ یعنی منظورت اینست که خطر ما را تهدید میکند ؟

پیرمرد دستهایش را به آسمان بلند کرد و گفت :

ـ باید بخدا توکل کرد .

موتور لنج با سرعت برروی دریا حرکت میکرد. عبداله بافق چشم دوخته بود .

پیرمرد گفت تا دو ساعت دیگر به بحرین میرسیم . اگر اتفاقی نیفتد شانس آورده‌ایم . من چنان ترسیده بودم که مثل موش درگوشه‌ای خزیده بودم . وتکان نمی‌خوردم عبداله لب موتور لنج ایستاد و زمزمه کرد :

ـ ابرهای سیاه‌دارند میایند .

پیر مرد به دریا تف انداخت وگفت:

ـ لعنت باین شانس . تو این فصل سال هیچوقت دریا توفانی نمیشد . انگار ما را جادو کرده‌اند .

من فکر کردم شاید خداوند میخواهد باین وسیله مرا از بین ببرد تا از شر این زندگی لعنتی و نکبت بار رهایی پیدا کنم .

طولی نکشید که نسیم ملایمی که روی دریا شناور بود به‌باد سخت وسهمگینی مبدل شد . نور شدید خورشید زیر پوشش ابرهای سیاه پنهان شد و غبار وحشتناکی آسمان را پوشاند . من از جایم بلند شدم واز پیر مرد پرسیدم :

ـ حالا چه میشود ؟

پیر مرد گفت :

ـ دعا بخوان .

این حرف بیشتر مرا وحشت زده کرد. پیر مرد رنگ بصورت نداشت عبداله‌مرتب بمن و پیرمرد نگاه میکرد . گوئی خودش هم بسختی ترسیده‌بود . ناگهان صدای غرش گوش خراش آسمان در پهنه وسیع گسترده دریا پیچید و برق شدیدی در سینه آب نشست . من از ترس فریاد کشیدم و دست عبداله را چسبیدم . عبداله گفت :

مقاومت کن ... ترس فایده‌ای ندارد.

گفتم :

ـ من تاحال اینجور چیزها راندیدم، می‌ترسم .

گفت :

ـ تقدیر هر چه باشد همان است.

کم‌کم توفان شدیدی شروع بوزیدن کرد و آب دریا آنچنان بهیجان آمد که احساس کردم موتور لنج مثل پر کاهی روی آب باینسو و آنسو میرود . من چنان‌ترسیده‌بودم که شروع بگریه کردم . عبداله که‌عصبانی شده بود گفت :

ـ چرا گریه میکنی دختر ...مواظب باش دستت را از لب موتور لنج رها نکنی ، وگرنه با یك حرکت طعمه کوسه ها میشوی .

تاریکی عظیمی سطح دریا را پوشانده بود . موجهای بلند و سهمگینی از دور بسوی ما میامدند . صدای رعد و برق و توفان آنچنان ما را حیران زده کرده بود که قدرت هیچگونه فکری را نداشتیم در آن لحظات من همه چیز را فراموش کرده‌بودم . میدانستم که هرکس بفکر نجات است . ما تا مرك بیش از یك قدم فاصله نداشتم . وقتی موجهای سنگینی بسوی ما میامدند ، من حیوانهای دریائی را میدیدم که چگونه اسیر فریاد دریا شده‌اند و آرامشان بهم ریخته است.

ناگهان دریا توفانی شد و موجهای خشمگین بسوی ما آمدند ... .من از ترس داشتم غالب تهی میکردم..صدای غرش آسمان و برقی که دردریامی نشست ، آنچنان منظره‌وحشتناك و غم‌انگیزی بوجود آورده بود که هیچوقت آنرا فراموش نمیکنم وقتی دریا آرام شد دیدم پیر مردی که موتور لنج را هدایت میکرد اسیر کوسه‌ها شده است ...

دراین افکار بودم که عبداله فریاد کشید :

ـ مواظب باشید .

متعاقب جمله او موج بلندی به موتور لنج اصابت کردو من محکم به ته موتور لنج پرتاب شدم . آب تمام موتور لنج را پرکرد . من از ترس اینکه مبادا به دریا سقوط کنم محکم ستون موتور را چسبیدم . وقتی موج از روی ما گذشت چشم باز کردم و جیغ کشیدم. نگاه کردم دیدم عبداله کف موتورلنج افتاده ، اما از پیرمرد خبری نیست .فریاد کشیدم :

ـ پیرمرد کجاست.

عبداله بلند شد . ولی تعادلش را براثر تکان های شدید موتور لنج نمی‌توانست کنترل کند . عبداله همه جا را نگاه کرد و بعد ناگهان نگاهش بروی موجی افتاد و فریاد کشید : او ناهاش..

من بلافاصله بسوئی که عبداله به آن اشاره کرده بود نگریستم و با چشمانی وحشت زده جسد پیرمرد را دیدم که در یك چشم بهم زدن از روی موج به زیر آب رفت و دیگر اثری از او نیافتم .

فریاد کشیدم :

ـ عبداله او را نجات بده .

عبداله خودش را بمن رساند و فریاد کشید .

ـ آرام باش دختر .... مگردیوانه شده‌ای ؟

من در حالیکه می‌ترسیدم مبادا به سرنوشت پیرمرد دچار شوم با شدت شروع به گریستن کردم و کف موتور لنج دراز کشیدم تا مبادا براثر اصابت موج به دریا پرتاب‌شوم

در همین هنگام از شدت توفان کاسته شد و رگبار شدیدی شروع به باریدن کرد . عبداله سربلند کرد و گفت :

ـ داریم از خطر دور میشویم . بعد از رگبار توفان آرام میشود .

رگبار آنچنان شدید و بیسابقه بود که حس کردم تمام‌بدنم را دارند گلوله باران میکنند . سرمای عجیبی در همه بدنم جاری بود . حالت خفقان داشتم . حس میکردم در این دنیای بزرك مادر پرتگاهی گرفتار شده‌ایم که صدایمان بگوش هیچ انسانی نمیرسد .... ترس و بازهم‌ترس .. این تنها چیزی بود که می‌توانستم از آن لحظات شوم در خاطر خود نقش بزنم و برای همیشه بیاد داشته باشم هر وقت این لحظات شوم و دردناك را بیاد میاورم ، بدنم چنان متشنج میشود که حس میکنم دوباره اسیر آن توفان مهیب و آن صحنه وحشتناك شده‌ام .

اینهمه وحشت و دلهره بیش ازیکربع ساعت نپائید . اما همین دقایق برای بهم ریختن یکدنیا کافی بود . درست مثل زمین لرزه که در عرض چند ثانیه شهری را ویران میکند و به خرابه‌ای مبدل میسازد .

کم کم دریا از حرکت ایستاد ،توفان بند آمد ، رگبار بصورت باران ریز و

بقیه در صفحه ۳۰

سناریونویسی

ترجمه و تنظیم از : پاریزی

*** با مطالعه سلسله مطالب سناریونویسی ، بازیر و بم سناریونویسی آشنا می‌شوید و معلومات سینمائی خود را گسترده‌تر می‌سازید .**

■ فیلمنامه نویس بارها وبارهاروی سناریوی خود کار می‌کند . در پایان هیچکس نمی‌تواند باو بیاموزد که‌چگونه داستانش را تمام کند بهتر است . این خود اوست که با کنترل کردن نوشته هایش و با تمرین‌ومهارت‌زیاد(همانطور که در اولین قسمت این سری مقالات گفتیم) می‌تواند عیوب خود را برطرف کند . برای این کار نوشته‌خودراهمانطور که در شماره قبل یادآور شدم به شات های مختلف تقسیم می‌کند و سه قاعده کلی «زمان — توازن و صرفه جوئی» را روی آنها تمرین می‌کند . این سه قاعده او را مجبور می‌کند تادر قواره خاصی بنوشتن بپردازد واز بیهوده نویسی پرهیز کند . واز مطالب و عقاید غیر قابل قبول دوری جوید .

اینگمار برگمن فیلمسازوسناریونویس معروف در یکی از مصاحبه‌هایش اخیرا اظهار داشته بود که من سناریو هایم را برای حدود ٤ ساعت می‌نویسم وبهنگام فیلمبرداری آنقدر آنها را حك واصلاح می‌کنم تابه صدو چند دقیقه تبدیل شود. این آقای برگمن است که چنین کاری می‌کند والا هیچ فیلمساز عاقل دیگری‌به چنین کاری دست نمیزند .

صحیحترین روش در نوشتن سناریوآن است که آنچه کارگردان میخواهد انجام دهد صرف نظر از دیالوك ها و حرکات دوربین همگی در سناریوی دکوپاژ شده ذکر شود . البته امکان‌داردبرحسب‌موقعیت مکانی و زمانی کارگردان جزئی دست کاری در دکوپاژ خود انجام دهد اما این تغییرات همانگونه که ذکر شد جزئی است ودر راه بهتر شدن نتیجه کار صورت میگیرد .

موزیك و صدا

■ یك سناریو نویس بر خلاف آنچه از اسمش پیداست تنها با نوشتن کار ندارد و بصرف اینکه یك نویسنده خوبی است نمی‌توان گفت سناریست خوبی هم هست . زیرا سناریست یك نویسنده خوبی است که علاوه بر نویسندگی به فنون و باصطلاح فوت و فن سینما نیز وارد است. بهمین منظور در این هفته قدری درباره موزیك و صدا ، صحبت می‌کنیم تا دوستان عزیزی که مایلند سناریو نویسی را دنبال کنند باین مسئله نیز آشنائی پیدا کنند.

اولین چیزی که یك سناریست باید در مورد موزیك بداند «مناسبت» موزیك است برای صحنه‌های مورد نظر .

مثلا به صحنه زیر که کاملا اشتباه است توجه کنید :

صحنه ٥ — داخلی —
لانك شا ت: محسن باعده‌ای از دوستانش در مقابل یکی از کاباره‌های لاله‌زار ایستاده‌اند و ...

یك آهنك اصیل ایرانی با ریتم سنگین

در اینجا دقت کرده‌اید که اشتباه از چیست ؟ شاید به خودی خود این صحنه اشتباه نیست امابعلت برداشتی که ما اصولا از کاباره داریم و بعلت برداشتی که بخصوص از کاباره‌های لاله زار داریم با دیدن این صحنه انتظار داریم آهنگهای‌شاد بندری یا خوانندگان باصطلاح کوچه و بازاری بگوش ما برسد باین دلیل موزیك صحنه فوق بهیچوجه صحیح انتخاب نشده است . پس یك سناریست باین مسایل‌بایستی آگاهی داشته باشد که در صحنه‌ای بجای موزیك جاز از موسیقی کلاسیك استفاده نکند ویا بر عکس بجای موسیقی کلاسیك به سراغ موزیك جاز نرود . سالها پیش فیلمی دیدم از «جین فوندا» که متاسفانه نام آن را فراموش کرده‌ام در صحنه‌ای از فیلم که داستان به هندوستان مربوط میشد یك صدای جالب «سیتار» شنیده میشد که واقعا آدم را به فکر وامی‌داشت که الان در هندوستان است . این موزیك هندی برای بهتر القاء کردن مطلب به بیننده و قرار دادن او در محیط انتخاب‌شده‌بود.

بقیه در صفحه ۳۰

هنرمندان بخوانندگان ستاره‌سینما «یادگاری» میدهند

اینهفته :

طوطی سلیمی : یکدستگاه ساعت کامپیوتری

● این هفته‌نوبت به طوطی سلیمی‌رسیده است . طوطی چند سالی است‌که به بازیگری روآورده و تاکنون درفیلم‌های متعددی ، نقشهائی در خور توجه بر عهده داشته است . طوطی بتازگی‌بازی در فیلم «تکیه برباد» را بپایان رسانیده است و خود را برای بازی درفیلمهائی تازه آماده می‌کند. بهر حال طوطی یکدستگاه‌ساعت کامپیوتری برای‌یکی از خوانندگان ستاره سینما در نظر گرفته است.اگرمی‌خواهید در قرعه‌کشی‌دریافت هدیه‌طوطی سلیمی شرکت‌کنید، کوپن مربوطه را پرکنید و به آدرس‌صندوق پستی ۱۹٤۷ ارسال نمائید . فراموش نکنید که بهمراه کوپن خود،۳ ریال تمبرباطل‌نشده نیز ارسال‌نمائید.

کوپن‌هدیه طوطی‌سلیمی

نام ..... نام خانوادگی .....

ساکن ..... شغل .....

آدرس .....

*** برنده هدیه : آیلین**

● در سه شماره‌قبل ستاره‌سینما، هدیه‌ای‌را از جانب آیلین برای طرفدارانش، اعلام نمودیم. کوپن های زیادی برای‌دریافت هدیه آیلین به دستمان رسید. کوپن ها را قرعه‌کشی کردیم و دوشیزه‌شهناز دستاورد از بوشهر برنده هدیه آیلین گردید .هدیه این خواننده عزیزدر دفتر ستاره سینما موجود است. برای دریافت آن با ما تماس بگیرند تا ترتیب‌تحویل این هدیه را بایشان بدهیم.

مسابقات

جدول اطلاعات سینمائی

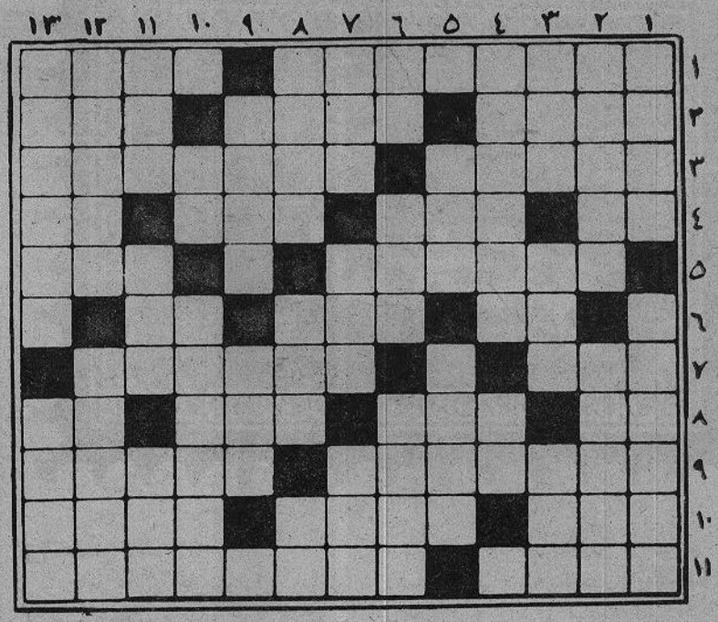

***افقی .**

۱ـ فیلمی با شرکت استیومك کوئین ـ نام هنرپیشه فیلم رینگو فیلم تپانچه طلائی ۲ ـ نام ستاره فیلم در لطافت صبح ولی در هم ـ اولیش بوی ماندگی است و دومیش نام ستاره فیلم سوئینگر ـ اتاق پشت به آفتاب ۳ ـ نام هنرپیشه اکمیك فیلم جنجال در فروشگاه ـ نام یکی از سینماهای معروف تهران ٤ـ حرف ندا ـ نام هنرپیشه فیلم سلطان و من ـ اسب اضافه ـ حرف نفی ٥ـ نام فامیل هنرپیشه فیلم دکتر نو ،حرفی اضافه دارد ـ نام فامیل هنرپیشه فیلم برای پیروزی ٦ ـ ضمیری است ـ همه هنرپیشه‌ها دارند ! ـ میوه و ثمر ۷ ـ گاهی با غرور نشیند ـ هنرپیشه فیلم الدورادو ۸ ـ طایفه معروف ایران ـ از پول های قدیمی ـ نام فامیل ستاره فیلم های جیمز باند ـ دریا ۹ ـ ستاره فیلم آخرین پل ـ نام فامیل ستاره فیلم آن زن ۱۰ـ نام فامیل ستاره فیلم شکوه علفزار ـ نوعی طریقه فیلمبرداری ـ نام ستاره فیلم سی‌سی ۱۱ ـ نام فامیل ستاره فیلم غروبیها ـ ستاره فیلم مادام ایکس.

***عمودی .**

۱ ـ فیلمی با شرکت موریس شوالیه ـ هنرپیشه فیلم آپارتمان ۲ ـ «انتقام ...» فیلمی با شرکت جك پالانس ـ «ریو ...» فیلمی با شرکت دین مارتین ۳ ـ از گاز های فرار ـ اینهم فعلیست ـ از لباسهای کم مصرف ٤ ـ نام ستاره فیلم جوانان زیر آفتاب نام فامیل ستاره فیلم میعادگاه تابستانی ٥ـ تنظیمش از کارهای حساس فیلمبرداریست ـ جای نمایش فیلم در تابستان ٦ ـ دوتایش فیلمی است با شرکت سوفیالورن ـ نام فامیل کارگردان فیلم پل رودخانه کوای ـ « .... ..اتاق خواب » فیلمی با شرکت راك هودسن ۷ ـ نام هنرپیشه فیلم آخرین غروب هنر پیشه معروف هندی ـ پرچم باشد ۸ ـ نام هنرپیشه فقید فیلم باغ شیطان ـ خزنده خوش خط و خال ـ نام فامیل کارگردان فیلم بانی و کلاید ۹ ـ نام فامیل هنرپیشه فیلم جری کاتن ـ نام آدامز هنرپیشه آمریکائی ۱۰ ـ ارزدنی‌ها ـ نام فامیل هنرپیشه فقید فیلم ساعات نا امیدی ۱۱ ـ نام ستاره فیلم خون و گل سرخ ـ نام فامیل راج ستاره هندی ـ حرفی از نام هنرپیشه فیلم غول رودس کم دارد ۱۲ ـ نام ستاره فیلم رسوا ـ نام فامیل هنرپیشه فیلم بلیارد باز ۱۳ ـ نام فامیل هنرپیشه فیلم مارکوپولو ـ نوردهنده ودرخشان.

* چشمها !

این چشمها متعلق به چه هنرمندانی است ؟ نامشان را برای ما بنویسید و ۳ ریال تمبر باطل نشده ضمیمه جوابتان برای ما بفرستید تادر قرعه کشی مربوط به‌این مسابقه شرکت داده شوید .

* ستاره شناسی

□ آیا می‌دانید که نام این ستارگان چیست و آخرین فیلمی که از آنهادرتهران نمایش داده شده است ، چیست ؟ جواب خود را بهمراه ۳ ریال تمبر باطل نشده به آدرس صندوق پستی ۱۹٤۷ارسال نمائید. شاید بحکم قرعه برنده شوید . جایزه این مسابقه سه ماه آبونمان ستاره سینماست.

* برندگان مسابقات شماره ۲۳٥

برنده حل جدول معلومات سینمائی:
ـ آقای علی اکبر رضائی (تهران)

برنده مسابقه چهره‌ای با گریم .
ـ دوشیزه رعنا طبائی

سانس خنده

* این بچه‌ها ..!

نیمه‌های شب پسر بچه فریادکنان مادرش را صدا زد و او را از خواب بیدار کرد . وقتی مادرش پرسید :

ـ چیه ، چیکار داری ؟

گفت :

ـ هیچی مامان جون ... .تشنمه ،یك لیوان آب بمن بده.....

مادر لیوان آبی باو داد و دوباره خوابید .. چند دقیقه بعد باز صدای پسرك بلند شد و مادرش را بیدار کرد ....مادر با بیحوصلگی گفت:

ـ دیگه چی میخوای ؟

پسرك جوابداد :

ـ هیچی مامان جون ... آب بمن دادی ، یادم رفته بود تشکر کنم !

* نگرانی عجیب ؟

اینهم یك جوك از ستار خواننده‌ای که جزو گروه خوانندگان روز قرار دارد . ستار می‌گوید :

مردی نزد روانشناسی رفته و با نگرانی گفت :

ـ آقای دکتر ... من مدتی است حالت عجیبی پیدا کرده‌ام .. یعنی وقتی که زنم حرف میزند حس میکنم که از حرف زدن او خوشم می‌آید ... آیا بنظر شما گرفتار بیماری روحی وخیمی نشده‌ام !!

فال ...

سرنوشت شما در هفته آینده

فروردین

تا وقتی به احساسات خود اطمینان ندارید هیچ تصمیم جدی نگیرید با اراده قوی که در شما وجود دارد امکان پیشرفت فراوان براینان وجود دارد.

اردیبهشت

در زمینه اجتماعی موقعیتهای مناسبی برای پیشرفت وترقی در اختیارتان قرار میگیرد از افرادیکه زیاد پر احساس نیستند انتظار محبت رخوش اخلاقی نداشته باشید.

خرداد

در زمینه شغلی کمبود اعتماد به نفس مانع پیشرفت و ترقی شما میگردد. ومحبت دوستان را همیشه بخاطر داشته باشید تا متهم به بیوفائی نشوید.

تیر

گاهی اوقات نسبت به همه چیز وهمه کس بد بین میشوید و گاه امیدوار و خوش‌بین. بهر حال تا وقتی به احساسات خود اطمینان ندارید هیچ تصمیم جدی نگیرید.

مرداد

در زمینه شغلی از حمایت کسی بر خوردار میشوید ولی شانس هم باعث میشود نفع مالی نصیبتا نشود در زمینه کارهای تجارتی ولخرجی تعادل بودجه شما رادرهم میریزد.

شهریور

بزودی همه به لیاقت وکاردانی شما پی میبرند. در زندگی خانوادگی شما آرامش کامل برقرار میشود ولی دوستان از شما انتظار محبت بیشتری دارند.

مهر

موقعیت خود را به دقت بررسی کرده هدف اصلی خود را با امید بیشتری دنبال کنید. گرفتاری های عشقی به‌تدریج بر طرف میگردد.

آبان

مسئولیتهای مناسبی در اختیارتان قرار میگیرد برای رفع کدورتها شما پیش‌قدم شوید. بیشتر مراقب سلامتیتان باشید.

آذر

برای رسیدن به هدف خوددست‌ازهیچ مبارزه‌ای برندارید در کنار افراد خانواده احساس آرامش بیشتری می‌کنید.

دی

برخلاف آنچه که می‌پندارید تنهائی همیشه هم قابل تحمل ودلپذیر نیست ازهم اکنون مقدمات یك سفر جالب رتدارك ببینید.

بهمن

موقعیت از هر نظر به نفع شماست. به آنچه که در انتظارش بودید خواهید رسید. در مورد برنامه‌ای که طرح کرده‌اید بیشتر فکر کنید.

اسفند

از آنچه که در اختیارتان هست‌بهره برداری کنید واز پروراندن آرزوهای محال خود داری کنید گوشه گیری را کنار بگذارید وبیشتر بجوشید.

□ **محسن .....**

نامه شما را به شورانگیز طباطبائی دادیم. پاسخش برعهده خود ایشان

□ **مسعود آوین — تهران**

عکس رنگی شهرزاد آرمانی را همین شماره روی جلد چاپ کرده‌ایم.

□ **عبدالمجید صفایی — تهران**

جدول شما فقط دارای ستون‌های‌افقی است وچون فاقد ستون های عمودی است، نمی‌توانیم آنرا چاپ‌کنیم.

□ **محمد قادر — قم**

عکس شما بدستمان رسید. نوشته‌اید که ۱۸ سال دارید و عاشق هنرپیشگی‌هستید و تحصیلاتتان نیمه کاره مانده و ما ترتیب بازی‌تان را در یك فیلم بدهیم! چنین کاری از دستمان بر نمی‌آید وطبق معمول جوابهائی که به جوانانی در سن و سال شما می‌دهیم این است که‌ازادامه‌تحصیلاتتان غافل شوید واگردر آینده‌خواستیدهنرپیشه شوید، با آمادگی کامل به‌این حرفه رو آورید.

□ **عظیم عبدالهی هندخاله — تهران**

ما جدولی را چاپ خواهیم کرد که دارای ستون های افقی و عمودی باشد و ضمنا روی کاغذ بی خط وبامرکب کشیده شده باشد. در انتظار نامه های بعدی‌تان هستیم.

□ **فرهاد خسرو زاده**

۱ — نخیر این آقای کریمی سردبیر قبلی ستاره سینما، آن آقای کریمی مترجم کتاب جامعه شناسی نیستند.

۲ چاپ عکسهای خوانندگان وطنی

زلزله دوم در تلویزیون

■ «زلزله دوم» ساخته افشین شرکت براساس داستان «تیله شکسته» اثر سیمین دانشور تهیه شده است. فیلم نمایشگر تنهائی آدمها و رسوخ به ذات آن چیزی است که در پس یك فاجعه‌انسان را به زندگی‌می‌چسباند.

قصه فیلم از وقایع تلخ زلزله «بوئین زهرا» الهام گرفته شده که‌نویسنده آن سیمین دانشور است و این اولین بار است که یکی از آثار سیمین دانشور به فیلم در میاید.

فیلمبرداری فیلم در همان محل‌های وقوع حادثه یعنی‌روستاهای«بوئین‌زهرا» بطریق رنگی توسط«رضا جلالی» انجام شده و اولین فیلم داستانی بلند است که ضبط صدای آن سر صحنه توسط اسلام غیابی صورت گرفته است و تدوین فیلم را شیرین وحیدی انجام داده و موسیقی متن فیلم را شیدا قره چه داغی عهده دار بوده است.

از بازیگران فیلم میتوان آذر فخر— اکبر زنجانپور — محمودهاشمی— شیده— ایرج انور محمود بهرامی — کهن و مهرداد نقوی را نام برد.

این فیلم برای نمایش از سیمای ایران ساخته شده است.

* واینهم دستپخت خوانندگان ستاره سینما :

* مونتاژ از: کوروش آزادی

بخواست عده زیادی از خوانندگان‌مجله صورت می‌گیرد . مجله مایك مجله هنری است و ایرادی ندارد که علاوه برچاپ عکس دست اندرکاران سینما، از دست اندرکاران موسیقی هم عکس و مطلب داشته باشیم باز هم برایمان نامه‌بنویسید.

□ **راشد مدنی**

مطلب کاملی در باره فخرالدین (جونیت‌آرکین) تدارك دیده‌ایم که‌بزودی چاپ خواهیم کرد .

□ **اکبر شهاب آزاد**

جدول شما قابل استفاده است، ولی فقط یك عیب دارد و آنهم اینکه جدول ارسالی‌تان را باید روی کاغذ بی‌خط وبا مرکب می‌کشیدید که نکشیدید !

□ **علی اکبر فتحی — رشت**

۱ — موردی ندارد که عکس رنگی کارگردانی را چاپ‌کنیم .روی جلدمجله، در واقع نوعی «ویترین» برای‌مجله‌بحساب می‌آید و طبق روال معمول مجلات هنری، به چاپ عکسهای خوانندگان وهنرپیشگان محبوب ، اختصاص دارد.

درباره سایر مطالبی هم که اظهار داشته‌اید ، مطمئن باشید که نظریاتتان را رعایت خواهیم نمود . باامید موفقیت‌روز افزون‌تان ، در انتظار نامه‌های دیگرتان هستیم .

■ **غلامرضا — الف**

چاپ عکسها ی‌مورد نظر شما را از یاد نخواهیم برد . موفق باشید .

■ **علی فریدونی — تهران**

سلام شما را به فروزان رساندیم. عکس رنگی او را هم چاپ خواهیم کرد .

■ **محسن نوروزی — تهران**

نامه شما را به آیلین ویگن دادیم.

□ **حبیب میرزاد — شیراز**

نامه شما را خواندیم واز نظریاتتان پیرامون سینمای ایران و فیلمهایش بااطلاع گردیدیم . باز هم برای مانامه بنویسید.

■ **محمود خباز**

شما درباره مطلبی اکه ما پیرامون سکسی شدن گوگوش درفیلمهانوشته بودیم اظهار نظر کرده‌اید و تمامی اظهار نظرتان را مطالعه نمودیم . آن مطلب که ما چاپ کردیم ، نظریه شخص یك نویسنده بود و ستاره سینما در کمال بیطرفی به انعکاس آن در مجله پرداخت . بهرحال نامه شما را به گوگوش دادیم تا مطالعه کند .

■ **علی نصرتی**

۱ — حسین گیل دیگر حاضر به ایفای رلهای منفی در فیلمها نیست‌اوبر— خلاف گذشته که در کارآکترهای منفی ظاهر می‌گردید ، اکنون از جمله ایفاگران رلهای مثبت فیلمهای ایرانی است .

۲ — منوچهر وثوق قبل از اینکه به سینما روی آورد ، کارمند تلویزیون نبوده است !

■ **حمید شریفی — خرمشهر**

از نامه گرم و صمیمانه‌تان‌تشکر می— کنیم . درباره فیلمهای هندی نیز مطالب تازه‌ای چنانچه بدستمان برسد ، چاپ خواهیم کرد .

■ **یدالله یوسفی رامندی**

جدول شما فاقد ستون عمودی بود و فقط دارای ستون افقی بود . برای اینکه جدول ارسالی‌تان قابل چاپ در صفحه مسابقات باشد . جدولی برای ما بفرستید که هم دارای ستون افقی‌باشد وهم‌عمودی. ضمنا شکل جدول خود را روی کاغذ بی خط رسم کنید .

■ **محمود قریشی — شهسوار**

۱ — از اشتباهی که از بابت ارسال مجله برای شما پیش آمده است ، پوزش می‌طلبیم . آدرس دقیقتان را برایمان بنویسید تا مجله در خواستی تان را برایتان پست کنیم .

۲ — هر هنرمندی حق دارد عقایدش را در باره سایر هنرپیشگان ، بطور صریح و بی پرده مطرح نماید و بهمچنین بهروز وثوقی که آن مصاحبه مورد نظر شما ،در باره سعید راد اظهار عقیده کرده بود .

۳ — در فیلم «سفر سنك» سعید راد ، رضا فاضلی ، گیتی ، فرزانه تاییدی ، جعفر والی ، امرالله صابری ... .و حسین گیل هریك رلی عمده را بر عهده دارند و هریك نیز در ارائه کارشان ، تلاش زیادی بخرج داده‌اند . قضاوت‌درباره‌اینکه کدامشان بهتر بازی کرده‌اند ، برعهده مردم است و منتقدین ،نه پاسخگوی سراپاتقصیر !

■ **داود خاکی — تهران**

■ فیلموگرافی ارسالی‌تان را در موقع مقتضی در صفحات پاسخگو چاپ خواهیم کرد . بازهم برای ما نامه بنویسید .

■ **صفر کلانتری — نقده**

مطمئن باشید که عکس رنگی نوری کسرائی را هم بهنگام نمایش یکی از فیلم هایش چاپ خواهیم نمود . ازابرازعلاقه‌تان نسبت به ستاره سینما نیز سپاسگزاریم.

■ **محمود معمار نژاد**

مانیز با عقاید شما در مواردی که بحث کرده‌اید ، موافقیم . امیدواریم سینمای ایران بتواند در یك معیار جهانی مطرح شود .

ازمیان نوشته‌های شما...

*** نامه یکی از خوانندگان‌ستاره سینما در باره گوگوش: طرفداران گوگوش ، از سکسی‌شدنش در فیلمها ناراحت‌نیستند و این کاراورا باقتضای‌حرفه‌اش‌غیر طبیعی نمی‌دانند .**

پرونده گوگوش هرگز بسته نخواهد شد!

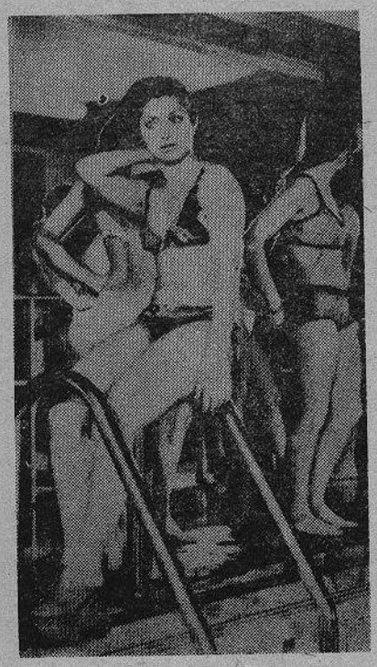

بنده آنقدر گرفتار مشغله‌های فراوان هستم که بقول معروف ، وقت سرخاراندن ندارم و حتی از نوشتن یك نامه کوتاه‌به نزدیك‌ترین کسانم ، امتناع می‌ورزم ولی با مطالعه مطلبی در چند شماره پیش‌مجله که مربوط به گوگوش بود دریغم آمد که بی تفاوت بگذرم گویی که مسئولیت مستقیمی از این بابت در خود احساس می‌کردم بنده از آن نویسنده محترم که متاسفانه نمی‌دانم به چه علت‌اسمشان پای مطلبشان نیست ، سخت در حیرتم که چگونه زندگی هنری و زندگی گوگوش را در گذشته بهانه انتقاد از او قرار داده است .

ولی اکنون تنها روی سخنم باخانم است ، همان خانم محترمی که از روی دلسوزی بحال کامبیز معصوم،چوب شماتت خود را برداشته و خصمانه بجنك گوگوش رفته‌اند بدون اینکه از بسیاری مطالب آگاه باشند .

خانم محترم ، لخت شدن گوگوش جلو دوربین شما را ناراحت کرده و گویا خیلی هم ناراحت کرده ! پس برای آگاه نمودن ذهن شما به چند مطلب اشاره می‌کنم . من با گوگوش بزرك شده‌ام . از آن هنگام که کامبیز مونسش بود او را می‌شناختم و در جریان زندگی هنریش بوده و هستم و تا آنجا که شخصا بیاد دارم ،بیش از دو سه فیلم تقریبا سکسی نداشته که سکسی ترینشان آخرین فیلم او «در امتداد شب» است. یکی دو فیلم اول که گریز کوچکی به سکس داشت به اقتضای داستان بود و می‌بایستی باشد و شما بدانید که یك هنرمند چند شخصیت دارد وزندگی خصوصیش با زندگی هنری جداست و در فیلم باید حتی‌الامکان تابع دستور کار — گردان باشد . و اما در مورد «درامتداد شب » شخصا معتقدم که گوگوش مقداری زیاده رو ی‌کرده ولی اینهم عذری موجه دارد که او را تبرعه می‌نماید . دراینجا پای رقمی معادل سه میلیون تومان دستمزد بمیان کشیده می‌شود .

امیدوارم نگوئید که هرکس جای گوگوش بود ، این پیشنهاد را رد می— کرد. بخصوص آنکه توجه کنیم به رقم مالیاتی که گوگوش بایدبپردازد ودستمزد این فیلم ، قسمتی ازاین مالیات را ، می‌تواند تامین کند .

جوابی در مورد سئوال دیگرتان : گوگوش اجباری نداشت کامبیز را نزد خود نگهدارد می‌توانست او را به قربانی بسپارد و در نتیجه آزادتر باشد !

ولی او اینکار را نکرد زیرا خود از کودکی طعم محبت ، آغوش گرم و لذت کودك بودن را نچشیده‌وهمواره‌در استثمار بوده و حتی بزرك هم که شده ، ازخیلی محبتهای همسالانش محروم بوده است.

از اینرو نخواست تا کامبیز هم سر— نوشتی مشابه خود او بیابد و یا توجه به همه این رخم زبانها، سر پرستی اورا به عهده گرفت و تا آنجا که اطلاع دارم قسمتی از زندگیش را مصروف‌آتیه کامبیز و خوشبختی او کرده است .

کامبیز این قدرت اندیشه را دارد نابتواند مادر هنرپیشه را با مادرخواننده از هم تفکیك کند و موقعیت مادرش‌را درك نماید . پس شما چرا اینهمه بی‌جهت منه به خشخاش می‌گذارید .

خانم عزیز ، هنرمندی چون گوگوش متعلق به خودش نیست . او متعلق به من است و هزاران هزار منی که از صمیم قلب و با تمام وجود به اواحترام میگذاریم وهنرش‌رامیستائیم. دردنیای هنر بخصوص سینما ، ستارگان فراوانی هستند که‌دو شخصیت متضاد دارند . در خانه مادری مهربان و همسری باوفا هستند ، ولی ضمن کار هنری ، مطیع کارگردان هستند وبازی در فیلمهای سکسی . پس‌بچه های این ستارگان باید بگویند که چرا

بقیه در صفحه۳۱

کتابخانه شخصی حبیب حیاتیان
تأسیس: ۶۲۰

ستاره سینما

دارنده امتیاز : پ ــ گالستیان
شماره ۲۳۹ (دوره جدید) مسلسل ۱۰۴۵
سال بیست و پنجم ــ ۳۰ ریال
نشانی: چهار راه دروازه‌دولت ــ ابتدای روزولت
شماره ۳ ــ آپارتمان ۱۰ تلفن: ۸۳۹۹۷۱
صندوق پستی ۱۹۴۷
تصاویر رنگی و افست از: مهر ایران تلفن ۳۶۲۲۱۳
چاپ تصاویر رنگی ومتن از: چاپ مازگرافیك
گراورهای متن از : گراورسازی امروز تلفن ۳۱۷۷۶۳
تلفن: ۸۳۶۴۶۰ و ۸۳۶۴۵۰

★★★★★★★★★★★★★★★★★★★★

بعد از «سینما»ی ایران، اینك نوبت «سینماها»ی ایران..!؟

● هم اکنون ... در این لحظه از تاریخ که «رستاخیز» سازنده و جهش سریع یك ملت بسوی تمدن درخشان و پربار ، تحسین و تعجب جهانیان و در پاره‌ای مـوارد کینه و حسادت دشمنان این سرزمین را برانگیخته است. ودرگیرو در پیروزیهای شگفت انگیز سیاسی و اقتصادی که ایران را درشمار کشور های قدرتمند اقتصادی و صاحب نفوذ جهان قرار داده است و در زمانه‌ای که بالندگی و غرور در تمامی سطوح پیشرفته‌ی اقتصادی ، صنعتی و سیاسی، قلب ملتی را سرشار از احساس شادمانه آزادگی و تحرك کرده است، نبض یك پدیده فرهنگی ، هنری و اجتماعی در گرماگرم این شور و جنبش همه جانبه از حرکت باز می‌ایستند . چرا...!؟

چگونه است که عاملی سخت با اهمیت و سازنده مثل «سینما» اینگونه مورد کم لطفی و بی‌توجهی قرار می‌گیرد ؟ آیا مسئولین امور و صاحبان مسئولیت های هنری و فرهنگی این مرز و بوم ، تردید و شبهه‌ای در ماهیت ارزشمند این پدیده شگرف عصر جدید دارند!؟

براستی کدامین یك از عوامل اجتماعی ، سطوح دربرگیرنده و تحت تسلط سینما را دارا هستند ؟ پدیده‌ای که به تنهائی واجد ارزشهای اجتماعی فوق‌العاده‌ای در سطوح متفاوت فرهنگی هنری ، اقتصادی و گاه حتی‌سیاسی‌میتواند باشد. در وضعیتی که خصوصیات محدود کننده زبان فارسی ، سدی استوار پیش روی گسترش و اشاعه ارزشهای فرهنگی ، ادبی و خصایص قومی ما ایجاد کرده است ، سینما به‌دلیل نحوه بیان یگانه و خصوصیت انتزاعی‌موجوددرآن وبرخورداری‌اش از یکنوع زبان بین‌المللی قابل تعمیم ، قادر است تمامی تجلیات ارزشمند فرهنگی ، علمی ، ادبی و خصایص غرور آمیز قومی ما را به استعانت از یك زبان‌گسترده تصویری به‌جهانیان بازشناساند. یعنی همه آن ارزشهائی که هر ملت متحرك وپویا، خواهان اشاعه و تعمیم همه جانبه آن است. حتی کشور های طراز اول جهان نیز اشاعه و نشر خصوصیات قومی و ملی خود را بهر نحوی از انحاء خواستار هستند. بهانه های لازم برای رسیدن به این هدف ، هرگز شکل معین و قالب مشخصی ندارد . حتی پدیده‌ای مثل ورزش در اشکال متفاوت و گونه گونش یك دستاویز با ارزش برای نیل باین هدف محسوب میشود . حال آنکه عوامل با اهمیتی مثل سینما و تئاتر و ادبیـات فی‌نفسه در خدمت این هدف هستند.

اهمیت این شناسائی بخصوص بـرای ملتی چون ما که محدودیت هائی‌از نقطه نظرزبان یگانه مادری داریم ، دو چندان میشود . روی همیـن اصل ، عامل سینما مهمترین دستاورد این ملت برای مطرح شدن مستقیم در عرصه های جهانی میتوانست باشد. بخصوص که بازده اقتصادی و ماهیت تجارتی عامل سینما در عین اشاعه فرهنگ ملی و ارزشهای قومی ، سود سرشاری اگر دربر نداشته باشد ، حداقل سرمایه مصروفه را باز میگرداند . در حالی که‌رسیدن باین هدف ازطریق ــ مثلا ورزش ــ همیشه مخارج و هزینه هـای گزافی دربر دارد. بااین تفاصیل آیا میتوان مدعی شد که مسئولین‌امور شناختی از اهمیت نقش سینما ندارند!؟

قدر مسلم اینست که نقش یا اهمیت عامل «سینما» بر هیچکدام از مصادر امور مملکتـی پوشیده نیست . چرا که در غیر اینصورت ، تحمل مخارج گزاف و هزینه های سرشاری که همه‌ساله در جهت برپائی و عرضه‌ی جشنواره‌ها و فستیوال های گوناگون سینمائی ، مصرف میشود ، دور از عقل و منطق می‌بود . پس آگاهی و وقوف بـه ارزشهای کتمان ناپذیر «سینما» از لزومات چنین خاصه خرجیهائی‌ست . با احتساب این حقایق ، رودر روی واقعیت هائی قرار می گیریم که در طی این چند سال اخیر در قالب سئوال های بدون جوابی باقی مانده‌اند . سئوال هائی که بدون تردید می‌بایست جوابی در خور داشته باشند . چرا که موجودیت هر سئول به جواب همان سئوال وابسته است ، حال آنکه در این چند ساله اخیر ، عده‌ای از مسئولین امور در وزارت فرهنگ و هنر، از جواب دادن طفره میروند و یا شاید کاسه‌ای زیر نیم کاسه باشد که سکوت را ترجیح داده‌اند!

با وصف این ، درگیرودار جریانات اخیر مربوط به وضع سینما و نمایش فیلم در این دیار، یکبار دیگر سئوال های‌مربوط به‌چگونگی نابودی صنعت سینمای ایرانی را مطرح میکنیم ، شاید که در طول این یکی دو سال گذشته ، مرجع بـا حسن نیت و صاحب صلاحیتی در بطن این‌دستگاه عریض و طویل ، متولد شده باشد . یعنی کسی که بهرحال یك جواب منطقی و اقناع کننده در چنته داشته باشد.

وزارت فرهنگ و هنر با وجود وظیفه‌ای که در قبال صنعت سینمای ملی دارد و علیرغم یاری های سازنده‌ای که در این زمینه میتوانست داشته باشد ، در جریان بحران سینمای ایرانی در مقام یك ناظر بی‌طرف ــ و حتی بی‌تفاوت !ــ نشست و نشست تا این صنعت متحرك و سازنده از درون متلاشی شود . چرا!؟ در اینکه همه عوامل دست درکار سینمای حرفه‌ای ایران واجدارزشهای لازم نبوده‌اند ، تردیدی نیست.و دراینکه درتمامی سطوح مختلف اجتماعی، برتری ها همیشه همراه بابعضی‌ضعف ونقائص‌است، همشکی نبایدداشت.چرا که یك واقعیت‌است.مع‌الوصف دربطن همین صنعت سازنده فرهنگی و اقتصادی که بهمت جمعـی علاقه‌مند و در یك بخش خصوصی به حیات خویش ادامه می‌داد ، درخششهائی‌درسطح جهانی‌موجودیت یافت و فیلمسازان صاحب نامی که از درون‌همین اجتماع به اصطلاح خصوصی برخاستند ، در طی چند سال متناوب نام ایران ، فرهنگ و ادب‌و خلق و خوی ایرانی و در نهایت قدرت خلاقه انسان هنرمند ایرانی را به‌جهانیان شناساند. این شناسائی و تایید از سوی هنرشناسان بزرگ دنیای خارج ، چنان ارزش واهمیتی داشت که بامخارج حیرت انگیز و سرسام آور تبلیغاتی نیز نمی‌شد، چنین موقعیتی ارزشمند برای هنرمند ایرانی‌فراهم آورد. از سوی دیگر تهیه کنندگان و سرمایه‌ــ گزاران بخش خصوصی صنعت فیلم ایران ، منباب فراهم ساختن امکانات لازم و کسب سرمایه مورد نیاز برای درخشش های بعدی ، نیازمند فعالیتی تاجر منشانه نیزبودند. بهمین دلیل هر تهیه‌کننده فیلم ایرانی که از هیچ طریق و جهتی یاری و کمك نمی‌شد ، مجبور به ساختن فیلمهائـی در سطح بازار های داخلی بود فیلمهائی که ضمن داشتن جنبه های تفننی برای تماشاگر ، سرمایه لازم برای ساختن فیلمهای مطرح جهانـی را تامین نماید . یك نگاه به سال های بارور ۴۰ تا ۵۰ نشانگر فعالیت گسترده و وسیع سازندگـان فیلم ایرانی است که در سال نزدیك به صد فیلم ایرانی ساخته و عرضه می‌شد . درگیرودار این فعالیت چشم‌گیر امکان ساخته شدن فیلمهای برتر و ارزشمند بسیار زیاد بود و می‌بینیم که از حدود

بقیه در صفحه ۳۲

بازتاب

شاهپور منصف

● تعطیل شدن تنها گروه سینمائی پایتخت که فیلمهای اکران اول ایرانی را نمایش می‌ــ دادند ، زنگ خطر تازه‌ای بود برای این سینما، چندی قبل گفتند و نوشتند که سینمای ایران مرده است که نمرده بود... ولی اکنون مثل اینکه عملا مرگ سینمای خودمان را پیش‌رو داریم...

یکی از ۲ گروه نمایش دهنده فیلمهـای ایرانی ، از چندی قبل ، بطور پراکنده ، فیلمهای تکراری را نمایش می‌دهد و گروه دیگر نیز از هفته گذشته ، از اکران محصولات تازه سینمای ایران ، خودداری نمود.می‌رسیم به مسئله ضوابطی که در کار است و گروه‌های نمایش دهنده فیلم ایرانی را بنمایش فیلمهای تکراری و یا فیلمهای خارجی ، راغب‌تر می‌سازند !

بحث در این باره بسیار است و ما در این هفته ، صفحه‌تی از ستاره سینما را به بحث پیرامون این مسئله و نیز تهدید تعطیل عمومی سینماها، اختصاص داده‌ایم.

ضمنا میز گردی تشکیل داده‌ایم با شرکت: علی عباسی ، بهروز وثوقی ، محمد متوسلانی ، سعید مطلبی و شهره آغداشلو در بـاره سینمای ایران که ظرف هفته های آینده ، به چاپ آن، مبادرت خواهیم ورزید و مسلما روشنگر بسیاری از موارد خواهد بود . ما بحث پیرامون سینمای ایران و مشکلاتش را دنبال خواهیم کرد ، حتی اگر امیدمان به رفع این مشکلات ، در مـرز ناامیدی باشد...

کلوب عکس ـ بقیه

ستاره سینما میدهیم و ۵ ریال باقی‌مانده‌از تمبر ارسالی شما را هم صرف تهیه پاکت و خرج تمبر برای ارسال عکس‌به‌آدرس خوانندگان مجله می‌کنیم و ضمنا برای‌قسمت کلوب عکس هنرمندان، مسئول بخصوصی تعیین نموده‌ایم تا به امور مربوط به این عکسها رسیدگی ودراسرع وقت عکسها رابرای خواستاران ارسال نماید . در اینجا نکاتی رایادآورمی‌شویم که باید به آنها توجه نمائید: برای‌دریافت هرعکس، یك کوپن‌ضمیمه‌تمبر تعیین شده برای ما ارسال کنید در این کوپن مشخصات خود را بطورخوانا و کامل بنویسید . در قسمت بالای کوپن قید نمائید که عکس سیاه سفیدمی‌خواهید یا رنگی . روی پاکتی که تمبر و کوپن را بوسیله آن می‌فرستید، حتما قید نمائید : مربوط به « کلوب عکس هنرمندان».

کوپن خود را باین آدرس پست کنید : صندوق پستی ۱۹۴۷ . ستاره سینما.

در اینجا خاطرنشان‌می‌سازیم که‌دو عکسهای داریوش و شورانگیز وقادری‌را چاپ وبنی را چاپ می‌کند.

گروه هنری گلها جشنها و میهمانیهای شمارا
بامحبوب ترین خوانندگان ممتاز درسراسرکشور برگذارمیکند
اول جاده قدیم شمیران خیابان حقوقی کوچه غفاری شماره ۱۴۹ ☎ تلفن: ۷۵۲۲۳۶

پریسا ـ بقیه

همچنانکه تعیین سرنوشت و مردود انگاشتن نقش مدعیان عادی از هنر وتهی از ارزشهای اصیل بعهده ایشان است . خلاصه کلام ، پسند و قدرت شناخت مردم هر اجتماع در ارزشیابی و دریافت اصالتهای هنری در عین اهمیت نقش تعیین کننده‌اش ، هرازگاه میتواند به مسیری غیر واقعی و دوراز اصالت سوق داده شود . این کج سلیقگی در بیشتر موارد معلول دلایل ظاهر فریب وریاکارانه‌ای است که تحت تاثیر تبلیغات پرزرقو برق و فریبنده وسایل ارتباط جمعی در اطراف مدعیان بی هنر درزمینه های گوناگون هنری بوجود می‌آید .

گرایش و توجه به مظاهر مبلغانه و سفسطه آمیز ظاهر فریب ، اگر چه پدید آورنده اشتهار و محبوبیتی کاذب و زودگذر میتواند باشد ، مع‌الوصف‌درهمه حال ، گذشت زمان بعنوان یك قاضی بی طرف ، نقش اساسی خود را در تعیین و میزان بندی ارزشها ی‌هنری بعهده می‌گیرد . و با گذشت زمان ، اصالتها دوام سراینده‌ای می‌یابند و تظاهرات فریبنده و سطحی به ورطه‌ی فراموشی در می‌غلتند . این‌واقعیت نه تنها در زمینه خاص هنر موسیقی ، بلکه در تمامی موارد مربوط به عوالم هنری معمول میگردد . با توجه به همین حقایق غیر قابل‌انکار از هم اکنون میتوان سرنوشت و انجام راه بسیاری از فعالین زمینه‌های مختلف هنری این دیار را ، پیش نظر مجسم کرد . همچنان که در گذشته‌هاشاهد یك چنین فعل و انفعالاتی بوده‌ایم‌و اکنون می‌بینیم که تنها تعداد معدود وانگشت شماری از هنرمندان واقعی بعد از عبور از صافی زمان ، توانسته‌اند نام و آوازه خود را همچنان محفوظ داشته باشند .

در میان هنرمندان نسل حاضر نیز شاهد چنین تغییروتبدیلاتی خواهیم بودو گذشت زمان ، ماسك ظاهر فریب بسیاری از صورتکهای کنونی را کنار خواهد زد و در نهایت آنهائی باقی خواهند ماند که بدور از هر گونه تظاهر و خود پسندی ابلهانه ، ارزشهای وجودی خود را بعنوان یك هنرمند آشکار کنند . و «پریسا» به گمان ما یکی از این معدود چهره‌های هنری محبوب و دریاد ماندنی این دیار است که بعد از گذشتن از صافی زمانه ، در سالهای بسیار دور دیگر ، همچنان چهره‌ای محبوب و دوست داشتنی خواهد بود ، با صدائی جادوئی و مسحور کننده که از سد سهمگین وسترك «زمان» ، گذری آسان خواهد داشت واگر این حقیقت رادریابیم که «تنها صداست که جاودانه میماند !» «پریسا» صدائی‌ست که میماند وبی‌گمان یگانه .!

سناریو نویسی ـ بقیه

که بسیار هم بجا بود .

موزیك آنقدر موثر است که باشنیدن آن می‌توان کاملا درك کرد داستان در چه محیطی اتفاق می‌افتد . مثلا بایك موزیك جاز بسیار قوی می‌توان حدس زد که محیط یك دانسینك شلوغ است یا با انتخاب موزیك حادثه‌ای بیننده را در انتظار وقوع یك حادثه می‌نشانیم واو هر لحظه منتظر است یك اتفاق عجیبی بیفتد حالا فکر کنیداگر به جای‌موزیك‌حادثه‌ای برای یك صحنه تعقیب وفرار یك موزیك ملایم انتخاب کنیم چقدر صحنه مضحك می‌شود .

صدا نیز باندازه موزیك مهم است . صدای گوینده فیلم یا حرفهای هنرپیشه‌ها (بخصوص در ایران که از صدای اصلی هنرپیشه استفاده نمی‌شود) بایستی باصحنه مطابقت داشته باشد .

در اینمورد قبلا باختصار اشاره‌کرده‌ام، مثلا : در صحنه‌ای از فیلم که تماشاچی را به اوج هیجان کشانده‌ایم یك‌کلمه حرف خنده‌آور ممکن است بیش از اندازه تماشاچی را به خندیدن وادارد‌اما‌از‌اهمیت آن صحنه میکاهد دلیل خندیدن زیاده از حد تماشاچی هم همین است که انتظار شنیدن چنین جمله بیجائی رادر آن لحظه ندارد . بنابرآین در انتخاب دیالوك ها بایستی دقت کرد . در انتخاب گوینده نیز باید دقت زیاد بکار برد ...

ادامه دارد

یادداشتهای دوردست (بقیه)

نیز از دست داد که باز ارزش‌چنین‌ریسکی را نداشت . این نشان می‌دهد که مثال «گرك‌زاده گرك شود اگر چه باآدمی بزرك شود » چندان عاری از حقیقت نیست!

***

□ فیلم «راکی» را اگر دیده باشید، صحنه مسابقه بکس آنرابطریقه‌جدیدی‌فیلم برداری کرده بودند که حمل دوربین روی یك پایه متحرك است که‌نامش «استیدی کم» است . مخترع این وسیله انقلابی که کارتراولینك را انجام می‌دهد ، بی‌آنکه به ریل و یا وسیله مشابه دیگری نیاز باشد . «گارت براون» نامدارد که امسال بخاطر اختراعش «اسکار » ویژه‌یی نیز دریافت کرد . با این وسیله که دوربین در بالا قرار می‌گیرد و صفحه تلویزیون مانندی در پائین ، که عمل روزنه دوربین را انجام میدهد ، میتوان مشکل‌ترین حرکت‌هارا براحتی‌فیلمبرداری کرد : راه رفتن ، بالا رفتن از پله‌ها ، دویدن ، اسب‌سواری .... و آنچه که سابقا تراولینك انجام میداد . ضربان قلب سینما همچنان جوانانه در طپش فتح موقعیت های بهتر است .

***

■ سینما همیشه‌حرفه‌یی‌نامشخص‌بوده، هستند کسانی که زمانی در اوج بودند واینك بکار و شکل دیگری اشتغال دارند والبته تنوع این مشاغل دوم بحدی ست که اگر بگویم «پال نیومن» بهمراه چهار سناتور امریکایی، بعنوان‌نمایندگان‌امریکا در سازمان ملل انتخاب شده ، نباید تعجبی برانگیزد . هر چند پیش از این «شرلی تمپل» ستاره معروف دهه سی نیز به سیاست روی آورد و زمانی نیز سفیر کبیر امریکا در یکی از کشورهای افریقا بود . یا «رانالدریگن » که سالها سمت فرماندار ایالت کالیفرنیا را بعهده‌داشت.

پال نیومن ، البته هوا خواهان خود را کاملا از دست نداده‌ولی دیگریك بازیگر داغ روز هم نیست واز آنجا که فعالیت ها ی‌اجتماعی و جنبی او ـ جدا از سینما ـ دامنه‌یی گسترده داشته ، طبعا در این وانفسای بازی در فیلمها ،توانسته با پیوستن به جرگه سیاستمداران مقام و موقعیت تازه‌یی برای خود دست و پا کند. زمانی بود که بازیگران بازنشسته سینمای امریکا جذب تلویزیون می‌شدند . اینك مشاغل دیگر نیز توجه آنان را بخود جلب کرده‌است .

اینهم سرانجام سیری ساختن یك‌عمر فعالیت در سینما ! □ تمام.

بقیه ـ تابستان برفی

ملایمی تبدیل شد و ابرها غرش کنان‌از روی سرما گذشتند و آسمان صاف و آبی بربالای سرمان هویدا شد .

من نفس براحتی کشیدم و خدا را شکر کردم که از این حادثه جان سالم بدر بردیم .

عبداله که خیس آب بود ، لباسهایش را در آورد و گفت :

ـ بیچاره پیرمرد عمرش سرآمده بود. پیرمرد ، مرد دریا بود و ازبچگی روی موتور لنج کار میکرد . او همیشه میگفت که بالاخره روزی جانش را در همین راه از دست خواهد داد ... گوئی او سرنوشت خود را خوب میدانست .

عبداله بطرف من آمد ، سرم را روی سینه‌اش گرفت و گفت :

ـ توشانس آوردی که زنده ماندی. درسال بیش از یکی دوبار این دریا توفانی نمیشود ، و اگر توفان بگیردنجات غیر ممکن است من زنده بودن خودمان را بحساب شانس تو میگذارم .

دردل آرزو کردم که : ایکاش مرده بودم . آخر کدام شانس .... کدام زندگی . ..کدام خوشبختی

عبداله خودش پشت موتور لنج قرار گرفت و دوباره موتور لنج با سرعت بسیار بحرکت در آمد این بار دریا نیلگون و زیبا بود و دیگر از آن چهره گریه و بی رحم این پهندشت آبی خبری نبود .

نمیدانم چه موقع بود که از دور چشمم بساحل افتاد . مثل غریقی که وسیله‌ای برای نجات پیدا کرده باشدفریاد کشیدم :

ـ رسیدیم .

ادامه‌دارد

مرکز توجه ـ بقیه

و عناصر تشکیل دهنده یك سینمای پذیرفتنی و سرشار از جذبه ، در یك سیر منطقی و بدون نزول ، مسیری مشخص و یکنواخت را می‌پیمایند . بازیها در حدی چشم گیر و جذاب جریان می‌یابد ، بخصوص بازی جذاب شهره آغداشلو بیشتر جلب توجه می‌کند و تحسینی همراه با تعجب از وجود کودك خردسال و رهبری کننده‌اش ـ که باید خود کارگردان باشد !؟ ـ فیلمبرداری یکدست و زیبای علیرضا زرین دست با گزینش زوایای منطقی و مجذوب کننده از برتریهای بدون تردید این گزارش تصویری است و بعد آگاهی در انتخاب میزانسن‌ها که در حدی دور از انتظار و دقیق انجام شده .

فصل پایانی فیلم در وضعیتی که آغاز دوباره‌ای از حوادث و ماجراهای معمول و روزمره پیش بینی میشود ، جذاب و خوب است . پایان یك شب پراضطراب و طلوع یك روز که میتواند آبستن حوادث و ماجرا های تازه در مسیر این نوع از زندگی خانوادگی باشد.

«گزارش» بهر جهت این تاثیر سازنده را داشت‌که هرگاه نام « کیارستمی » در جریان تهیه یك فیلم در میان باشد ، با شکیبائی و شوق در انتظار نمایش فیلم او خواهیم بود و دیگر اینکه با گزارش ، باور میکنیم که سینمای ایرانی هم میتواند سینمائی سرشار از جاذبه باشد ، حداقل آدمهایش را که داریم ..!

گروه‌هنری گلها

شما را که ازصدای‌خوبی برخوردار هستید بهمکاری دعوت می‌نماید .

تلفن ۷۵۲۴۳۶

پرونده گوگوش ـ بقیه

مادرشان جلودوربین لخت شده است ؟ آن ستاره هنرمند ، در خانه مادر است ، همسر است و ... ولی‌موقع کار یك ستاره است و به اقتضای حرفه‌اش ، تابع کارگردان و نقشی که بازی می‌کند .

گوگوش یك ستاره درخشان در هنر سینما و آواز است و من متاسفم از اینکه حتی خود او نیز استعداد بزرگش را آنطور که باید کشف نکرده است !

شما خانم عزیز نگران آینده کامبیز نباشید ، زیرا او هنگامی که بزرگشد ، با شخصیت واندیشه‌ای‌که از هم اکنون دراو می‌بینم ، خود به حقایق پی خواهد برد و آنچه را حق‌است در انشایش خواهد نوشت.

آنکه گوگوش را می‌خواهدواز صمیم قلب می‌خواهد ، فیلم سکسی او را هم پذیرا میشود وبه حساب هنرش میگذارد. دلیل زنده‌اش هم فیلم «درامتداد شب» است که پرفروشترین فیلم تاریخ سینمای ایران بوده‌است والبته به برکت وجود گوگوش سکسی ! در خاتمه‌اجازه‌بفرمائید بعنوان فرزند با شما مادر گرامی حرفی بزنم : ستاره گوگوش افول نخواهد کرد و تا هنگامیکه خود بخواهد ، پایدار ودرخشان خواهد ماند و حتی دنیا ، هنرش را با رغبت پذیرا خواهد شد .

بااحترام ـ اکبر قرسائی (اصفهان)

بقیه‌ـ نگاهی

مارك جهت کمك به صنعت سینمای کشور خود اختصاص داده و دولت‌فرانسه نیز برای تهیه کنندگان فیلم اعتبار مالی در بانك باز کرده است. در ایتالیااصولا از فیلمها عوارضی دریافت نمیشود ودر بعضی از کشورهای اروپائی دولت حتی‌به سازندگان فیلمهای خوب جوایز نقدی هم میدهد . اینها برای چیست ؟ برای اینکه صنعت سینمای بومی نضج و دوام بگیرد و قدرت مقاومت دربرابرمحصولات خارجی داشته باشد ...

اولین علت عدم پیشرفت فیلمهای فارسی همانا مالیات سنگینی است که بر آنها بسته‌اند و ناچار یك تهیه کننده بدون اینکه بجوانب هنری محصول‌خود بیاندیشد در وهله اول تمام فکرش‌متوجه این نکته میشود که نکاتمورد علاقه و پسند مردم عادی مثل رقص‌عربی، آوازهای بی‌معنی ، عشق های بچگانه و صحنه‌های خلاف عفت عمومی را در فیلم خود زیادتر کند و ناچار فیلمهائی بوجود می‌آید که تاکنون در ایران نمایش داده شده است .... آقای میثاقیه مدیر استودیو کاروان فیلم هنگامیکه سروصدای لغو عوارض چهل درصد بلند شده بود در آلمان با سه نفر متخصص فیلمبرداری قرار داد بست که بایران آمده و ضمن تهیه فیلم شاگردانی نیز زیر دست خود تربیت کنند ، متاسفانه وقتی معلوم شد که این شایعات اساسی ندارند قرار داد آنها بهم خورد ما هنوز باتمام‌اظهار نظرهائی که از جانب بعضی‌اشخاص‌میشود معتقدیم که صنعت سینمای ملی را باید زنده نگهداشت و آنرا روبه‌تکامل بردمنتها نه با کوبیدن بیجا و ایجاد مانع ومشکل بلکه با نقشه صحیح و انتقاد ارشاد کننده ....

□ ادامه دارد ..

فارافاست ـ بقیه

بر فارا ساعاتی از زندگی خود را نیز وقف بستگان خود می‌کند . چند روز پیش او را دیدم که تازه از کمپانی یونیورسال باز می‌گشت و بعد از کار خسته کننده روزانه اولین کاری که کرد شروع به نوشتن نامه برای برادرش‌که در ایران زندگی می‌کند کرد . شما چند نفر را سراغ دارید که بنشینند و با همه گرفتاریهائی که دارند برای فامیل خود نامه بنویسند ؟ اما لی اینکار را می‌کند .

بعضی از مواقع لی از لاك خودبیرون می‌آید و کارهای عجیب و غریبی‌می‌کند. مدتها پیش بمن تلفن کرد و گفت می‌خواهم به بیمارستان کودکان بروم آیا با من میائی ؟ در همین موقع بچه‌ای را دیدم که روی صندلی چرخ دار نشسته بود . با هم به بیمارستان رفتیم و لی به تك تك اطاقها سرزد و با بچه‌هاصحبت کرد . واین بچه‌ها احساس می‌کردند در طبقه هفتم بهشت‌زندگی‌می‌کنند . او بدون هیچ دلیل خاصی ازبیمارستان‌بازدیدکرد. انجام این عمل صرفا بخاطر آن بود که دلش خواسته بود . پس از باز دید بی‌نهایت احساس خوشحالی میکرد . »

برنشتاین خصوصیات لی میجرز را در این جملات خلاصه می‌کند :

ـ « او دوست خوبی است . سخت کوش است . هنرپیشه‌ای خوب و متفاوت است .

• عاشق زندگی است که خودش در آن باشد نه آن زندگی که بوسیله دیگران گوشه‌ای از آن اشغال شود . این است واقعیت مردی‌که در پشت پرده یك سوپر استار مخفی شده است ... ».

اختاپوس عظیم و هیولاوار بازوهای بلند و پر قدرت خود را برای گرفتن طعمه‌ازاعماق آبهای پر تلاطم اقیانوس ببالامی‌آورد.. ودر آن لحظه است که وحشت و دلهره وهیجان و حادثه دست بدست‌هم داده‌وبزرگترین‌وپر ماجراترین فیلم خارق‌العاده سینمابوجود می‌آید .

برنامه امشب سینماهای ممتاز وچهار ستاره ✿✿✿✿

سانترال ـ پارامونت

بعد از سینما ـ بقیه

هفتاد هشتاد فیلم ساخته شده حداقل ده پانزده فیلم پرارزش و درمعیار های جهانی پدید می‌آمد. اما عمر این شور و شوق فزاینده بسی کوتاه بود، چرا که یکباره مسئله‌ی تورم اقتصادی در تمامی زمینه‌ها و سطوح زندگی پیش آمد. البته وجود یك همچو تورمی در مسیر حرکتهای روبتوسعه هر کشور صاحب قدرت اقتصادی امری محتوم و ناگزیر است، اما چرا همه سنگینی بار این تورم بردوش صنعت سینمای ایرانی افتاد!؟

در حالتی که تمامی نرخ ها و دستمزدها در مسیر این دیگرگونی تورمی تا چندین برابر افزایش نشان می‌داد و تهیه یك فیلم متوسط با یك کادر مشخص و معین تا سه برابر گرانتر تمام میشد، سینما تنها کالائی بودکه در جریان این رشد تورمی، همچنان قیمت ثابتی داشت. حال آنکه در یك معیار عادلانه و منطقی، بهای فروش این کالا نیز می‌باید، مطابق با مخارج افزایش یافته، تا سه برابر فزونی میگرفت. در حالیکه دست در کاران سینما و تهیه کنندگان فیلم ایرانی برای سرپا ماندن وادامه فعالیت، توقعی بسیار کمتر از این نیز داشتند. با این‌وجود نرخ همه اجناس و کالا های مصرفی و حتی دستمزد ها تا چندین برابر افزایش داشت، جز کالای سینما! چرا؟ آیا تعمدی در کار بوده و هست!؟

عدم رهبری صحیح و فقدان مدیریتی آگاه وواقف بارزشهای صنعت سینما، بحران سینمای ایرانی را تشدید کرد. تا آنجا که همه دست در کاران این رشته از صنعت ظریف فرهنگی، برای گریز از ورشکستگی و نابودی عطای فیلمسازی را به لقایش بخشیدند! همه جریانات پرجنب و جوش سینمائی که میرفت از ایران نامی معتبر و بلاد آوازه در زمینه هنر سینما بیافریند، بشکلی مایوسانه متوقف گشت. گردانندگان برنامه جوایز «سپاس» که بدون هیچ‌چشم داشت مادی وانتفاعی تلاش های صمیمانه‌ای برای تعالی سینمای ملی بکار برده و در طی شش دوره برگزاری مراسم، میلیونها نفر از مردم‌این سرزمین رامتوجه‌سینمای خوب و متعالی ایرانی گردانیده بودند درگیرودار یك تغییر و تحول مایوس کننده و عدم همراهی و پشتیبانی از سوی مسئولین امور، از فعالیت باز ایستادند. ورود بی رویه فیلمهای مبتذل و بی‌ارزش خارجی اکران سینما های نمایش دهنده فیلم ایرانی را کم‌کم بخود اختصاص داد و از این طریق و با نمایش بدون ضابطه فیلمهای مهوع سکسی و جنائی و کاراته‌ای، فکر وروح و فرهنگ تماشاگر ایرانی دچار تزلزل گردید. واز یکسوی «تلویزیون» با ارائه سریال ها ی‌متبذل و سطح پایین ایرانی و فرنگی مزید بر علت شد و در عین حال که خود تلویزیون چون رقیبی سرسخت پایه های بنای سینمای ایرانی را متزلزل میکرد، از جانب دیگر با نمایش فیلمها وسریال های آبکی و سطحی، بار دیگر توجه و تمرکز فکری تماشاگر ایرانی را که معطوف به سینمای خوب و با ارزش شده بود به آسان پسندی وابتذال سوق داد. وبدین طریق تمامی این عوامل دست بدست هم داده و آنچنان عرصه را به سینما و تهیه کننده فیلم ایرانی تنگ کرد که ازابتدای سال گذشته شاهد زیانهای هنگفت و شکستهای مداوم سینمای ایرانی و ورشکستگی فکری و مالی عوامل دست در کار آن بودیم. فرهنگ و هنر میلیونها تومان سرمایه را که می‌بایست در جهت پیشرفت و تعالی سینمای ایرانی بکار می‌انداخت، مصروف خاصه خرجی هائی از نوع تهیه فیلم مشترك کرد که سهم عوامل ایرانی در موجودیت یافتن این فیلمها، چیزی کمتر از «هیچ» بود، چند فیلم پرخرج و نامربوط به خصایص قومی و ارزشهای اخلاقی ایرانی، نتیجه این دست و دلبازیها بود که از بیت‌المال ملت، پیش پای چند هنرپیشه اسم ورسم دار خارجی ریخته شد. در حالی‌که تکلیف این فیلمهای‌پرخرج که با سرمایه صرف شده برای هریك از آنها بیست فیلم خوب ایرانی میشد ساخت، هنوز هم روشن نیست.

گروه‌های نمایش دهنده فیلم ایرانی یکی بعد از دیگری بدلیل فقدان فیلم ایرانی از هم پاشید و تهیه کنندگان ایرانی بدلیل عدم قدرت مقابله با دم ودستگاه عریض وطویل فرهنگ و هنر وبی‌توجهی مسئولان این وزارتخانه به‌خواست های منطقی ایشان، از پای در آمدند و نهایت اینکه سینمای ایرانی در لحظه‌ی‌شکوفائی و در موقعیتی که میرفت شهرت و اعتباری در سطح بین‌المللی کسب نماید، در پیله بی‌توجهی وبی‌تکیه‌گاهی به مرگی فرمایشی مرد!

حالا بعد از مرگ صنعت سینمای ایرانی گویا نوبت مرگ سینماهاست؟ وانگار مهره‌ها را بگونه‌ای چیده‌اند که یکباره پدیده‌ای بنام سینما و فیلم از این دیار پربگشاید. خواست‌های منطقی صاحبان سینماها و عدم توجه به این نیاز های محتوم از جانب مسئولین امر، این فرضیه را پیش آورده است که آیا براستی، میخواهند برای همیشه موجودیت عاملی بنام «سینما» را به ورطه‌ی فراموشی سوق دهند!؟

صاحبان سینماها، خواهان افزایش بهای بلیت سینما هستند. این درخواست در نگاه اول و ازیك دید گاه متعصبانه و ظاهری، غیر منطقی بنظر خواهد رسید. حال آنکه با یك نگرش دقیق و موشکافانه و با در نظر گرفتن تمامی شرایط و جوانب مسئله، رودرروی حقایقی قرار خواهیم گرفت که حقانیت و منطقی بودن خواست های صاحبان سینماها را به ثبوت میرساند. با توجه‌به افزایش بها وگرانی حاصل از رشد اقتصادی که در همه سطوح اجتماعی بوجود آمده است، عدالت ایجاب میکرد که نرخ بلیت سینما نیز مشمول این افزایش بها گردد. حال آنکه در وضعیتی که انواع متفاوت کالا های تجارتی در طی ده‌ساله اخیر تا سه برابر افزایش قیمت داشته‌اند، کالای سینما، تنها حدودبیست در صدافزایش داشته است. و این در حالتی است که همه عناصر تشکیل‌دهنده این کالای تجارتی و حتی عوامل انسانی دست در کار این حرفه، حداقل تا سه برابر چند سال گذشته هزینه‌ساز هستند. بهمین دلیل یك تومان افزایش بهای بلیت نمی‌تواند مشکلات مربوط به ضرر و زیان سینماها را جبران نماید. خاصه در موقعیتی که تنها یك سوم از این بهای اضافی سهم صاحبان سینماست. با توجه بهمین مشکلات اساسی صاحبان سینماهای تهران و شهرستانها در یك نشست اضطراری درخواست های خود را مبنی بر افزایش عادلانه نرخ بلیت سینماها اعلام داشتند و در صورت عدم توجه باین خواسته‌ها، چاره‌ای جز تعطیل سینماها نخواهند داشت. از طرفی مسئولان وزارت فرهنگ وهنر، عقیده صریح خود را مبنی بر مخالفت‌کامل با افزایش نرخ‌بهای بلیت اعلام داشت. وبدین طریق گویا که بعد از «مرگ» صنعت سینمای ایران، اینك مقدمات از میان برداشتن سینماها را فراهم ساخته‌اند و این یعنی پایان کار «سینما» در این دیار ...!

گزارش ـ زندگی ـ بقیه

حفظ کند.

لحظه‌های زندگی مردم در «گزارش» سرشار از کشمکش های بی ارزش و رنج آلوده است. بهمین شکل،فیلم نیزلحظه‌هایش سرشار از ظرافت و دقت درتصویر این کشمکشهاست و در کل، این فیلم کیارستمی، تنها یك گزارش است.

در اینجا گفتنی است‌که با سواد وزیرکی‌و تجربه وامکانات می‌شود فیلم های موفق و تجاری و فستیوالی ساخت و با صداقت و حساسیت می‌توان «گزارش» ساخت. با ایمان، عشق و آگاهی می‌توان یك‌اثر حقیقی هنری خلق کرد و این چشم‌اندازی است که اکنون می‌توان کیارستمی را در آغاز راهش دید.

راهی که در سینمای ما چند تن آغازش کردند و اینك کیارستمی نیزدر این راه گام‌بر میدارد.

گپ ـ بقیه

همه مورد قبول واقع شد ورضایت من‌برای بازی در این نمایشنامه جلب شد.

روزی که بازی در این نمایشنامه‌به من پیشنهاد شد، می‌دانستم که بانمایشنامه ضعیفی روبرو هستم ولی عملا ودر جریان مراحل بروی سن آمدن نمایشنامه، باین نکته واقف شدم که کاردر خور توجهی عرضه نخواهد شد واما در مورد بازی خودم در این نمایشنامه باید بگویم که خودم هم قبول دارم که بازی بدی ارائه داده‌ام (بدلیل آنکه امکانش را نیافتم!)، ولی قبول ندارم که‌بدترین بازی از آن من بوده است! شناخت من‌از تئاتر وبازیگری روی سن، بیشتر ازخیلی های دیگر است ودلم ازاین می‌سوزد که ضعفهای فاحش کنار گذاشته شده و به‌کار من در این نمایشنامه حمله ـ و نه انتقاد ـ گردیده است!».

سهرابی در باره اینکه می‌گویند بازیگران «موضوع جدی نیست» دستمزد هایی هنگفتی دریافت داشته‌اند گفت:

قرار بود که «موضوع جدی نیست» در تئاتر شهر بروی سن بیاید که مشتری بیشتری دارد، ولی این امر میسر نشد و سپس قرار شد که تلویزیون، این‌نمایشنامه رابخرد و بمعرض نمایش در آورد، ولی قیمت پیشنهادی تلویزیون، چنگی بدل نمی‌زد واکنون این نمایشنامه در انجمن ایران و آمریکا بروی سن آمده است و البته مردم استقبال خوبی از آن بعمل آورده‌اند، ولی این استقبال کفاف‌مخارج هنگفتی را که باید تامین شود، نداده‌است ودر واقع، ضرر مادی نصیب ما می‌شود. در اینجا بایستی از بهروز وثوقی و شهره آغداشلو یاد کنم. بهروز با حسن نیتی که برای ارائه کارش در تئاتر داشت، در این نمایشنامه بازی کرد و واقعا زحمت کشید والحق که هنرمندی‌اش را ثابت کرد و من خوشحالم که در کنار او دراین نمایشنامه بازی کرده‌ام و صراحتا بگویم که همبازی شدن با او برای‌من‌جاذبه‌زیادی داشت. همینطور شهره آغداشلو که او نیز با نهایت صمیمیت دراین‌نمایشنامه کارکرده است.».

تسلیت

□ مصیبت وارده را بجنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمایم.
بازار فیلم

گروه هنری گلها

تهیه فیلم
ایمنی
مستند
سینمائی
عکس
اسلاید
موزیک

اول جاده قدیم شمیران خیابان حقوقی
کوچه غفاری پلاک ۱۴۹ تلفن ۷۵۲۴۳۶

چرا سینما - بقیه

از اعضای انجمن دلایل و انگیزه‌های این گردهم آئی را شرح دادند . انوری رئیس انجمن سینماداران ضمن اشاره به پاره‌ای از مشکلات و مصائب موجود در حرفه سینما داری ، رو ی‌این مسئله تاکید داشت که باوجود طرح تنظیمی وزارت فرهنك و هنر که طی آن بهای بلیت سینماهای ممتاز ۸۰ ریال ، سینماهای درجه یك ۶۰ریال سینماهای درجه دو ۵۰ وسینماهای‌درجه‌سه ۴۰ ریال تعیین گردیده بود، وطبق دستور نخست‌وزیر قرار بود که این طرح درسه ماهه اول سال جاری بتصویب برسد، معهذا تاکنون نیز این طرح‌همچنان یك «طرح» باقی مانده و ضمانت اجرائی نیافته است. حال آنکه صاحبان سینماها طی چند سال اخیر بطور مداوم متحمل ضرر وزیان های غیر قابل جبرانی شده ومیشوند . درپایان «انوری» نتیجه گرفت که باوضع موجود ودر صورت عدم توافق مسئولین مربوطه‌با افزایش نرخ بلیت سینماها ، چاره‌ای جز تعطیل سینماها نخواهد بود .

«مهدی میثاقیه» تهیه کننده سینمای ایران و صاحب سینما «کاپری» نیز عقاید و نظراتی داشت که حاصل این نظریات جانبداری و تایید کامل گفته های انوری بود . میثاقیه در ضمن‌اشاره‌به‌مسئله‌حساسیت دولت در امر سرمایه گذاری داخلی ، این سئوال را مطرح ساخت که چرا دولت بهای اجناس و کالای تحت کنترلش را افزایش میدهد بی آنکه سخنی از تورم در میان باشد ، در حالیکه وقتی سینماداران ضرر میدهند ودرخواست افزایش بهای بلیت سینما را بصورتی عادلانه ومتناسب با گرانی بوجود آمده در همه سطوح،دارند، مسئله پیش‌گیری از تورم عنوان میشود ؟ مثل اینکه سینما داران ودست درکاران‌این حرفه موظف هستند که تمامی سنگینی بار تورم را به تنهائی بدوش بکشند !

در پایان این اظهارات میثاقیه‌صریحا از همکاران خود خواست که‌برای‌جلوگیری از ضررو زیانهای بیشتر ، ودر صورت‌عدم توافق مقامات مسئول با افزایش بهای‌بلیت سینماها ، در اولین فرصت موجود سینماها را تعطیل کنند، تا حداقل جلوی ضرر و زیانهای بعدی گرفته شود . بعداز سخنان میثاقیه ، «رقابی» صاحب سینما کسری در جریان این جلسه به آتش سوزی اخیرسینما کسری اشاره کرد . رقابی در عین تاثر شدیدش از جریان مرك دو انسان‌که در اثر این آتش سوزی‌بوقوع‌پیوسته‌است، به‌عواملی اشاره کرد که موجبات نابودی صنعت سینمای ایرانی را فراهم‌ساختند. رقابی» گفت : «دستگاههای دولتی‌باوجودامکانات وسیع و همه جانبه شان که میتوانست در سرنوشت صنعت سینمای ایران‌وتعالی‌وترقی آن، سهم عمده‌ای داشته باشد، استعالتی نکردند . در حالتی که صنعت سینمای ایران در بحران شدید و تهدید کننده‌ای‌به ورطه‌ی سقوط کشانیده می‌شد ، دستگاه های دولتی بدون کمترین تلاش و کوشش یاری دهنده‌ای به انتظار نابودی صنعت فیلم ایرانی نشستند . واینك این جریان‌در خصوص وضعیت نمایش فیلم و موقعیت حرفه سینما داری ادامه یافته است وگویا باید که بعداز نابودی‌صنعت‌سینمای‌ایرانی، شاهد از میان رفتن ورکود کامل پدیده سینما دراین سرزمین باشیم .

اما مهمترین لطمه دراین میان به جماعت تماشاگر وارد میشود. چرا که «سینما» بعنوان تنها وسیله‌تفریح‌وسرگرمی قشر وسیعی از مردم اجتماع‌ما، علاوه بر ارزشهای سرگرم کننده و تفننی‌اش جنبه های فرهنگی و سازنده‌ای هم دارد . بهتر حال باید به انتظار حاصل کار بود .اما تا چه وقت ...!؟»

* واکنش فرهنگ و هنر در جلسه دوم انجمن سینماداران بررسی شد

با واکنش سریعی که از سوی مقامات وزارت فرهنك و هنر ، مبنی بر مخالفت قطعی با افزایش نرخ بلیت روی داد ، اعضای انجمن تشکیل یك‌جلسه فوری‌دیگر را لازم دیدند . این جلسه در ساعت ۵بعد از ظهر روز یکشنبه گذشته در محل انجمن سینماداران ترتیب یافت . طی این‌نشست ، اعضای انجمن با اطلاع از واکنش فرهنك و هنر و عدم توافق با موضوع‌افزایش‌بهای بلیت سینماها که از سوی مقامات این وزارت خانه عنوان گردیده بود، تصمیم نهائی خود را اتخاذ کردند . براساس این اخذ رای همگانی ، انجمن سینماداران تهران و شهرستانها مصم گردیدند که در تاریخ یازدهم تیرماه سال جاری، بدلیل پیش‌گیری از ضرر وزیان های حاصله از ادامه فعالیت در حرفه سینماداری، همه سینماهای تهران و شهرستانها را تعطیل نمایند . وبدین‌ترتیب موضوع بسته شدن سینماها از تاریخ فوق بمرحله اجرا در خواهد آمد. در حالیکه تاثیر مستقیم این بحران دامنگیر جماعت تماشاگر سینما خواهد شد . چرا که قشر وسیع وعظیمی‌از مردم این دیار . سینما را تنها وسیله‌تفریح وسرگرمی خود میدانند ومعلوم نیست که‌با تعطیل شدن سینماها ، چه وسیله وزمینه‌ای برای سرگرمی و تفنن این قشر وسیع اجتماعی بوجود خواهد آمد .

قدر مسلم اینست که جماعت تماشاگر سینما با افزایش بهای بلیت سینماها در یك حالت میتواند توافق داشته باشد و آن در موقعیتی است که صاحبان سینماها در مقابل افزایش بها ونرخ اضافی بلیت سینماها ، فیلمهای درخورتوجه‌وارزشمندی را عرضه نمایند. در این وضعیت تماشاگر سینما که با پرداخت دوسه تومان پول اضافی شاهد نمایش فیلمهای صاحب آوازه و جدید دنیای سینما خواهد بود، هیچگونه اعتراضی نخواهد داشت .

از سوی دیگر یك نگاه واقع بین و منطقی در رویاروئی با موضوع درگیری صاحبان سینماها و خواستهای ایشان ،این حقیقت را آشکار مینماید که بهر حال صاحبان سینماها در این مورد خواسته های منطقی ومحقانه دارند ، چرا که باگرانی‌و تورمی که در همه سطوح زندگی این اجتماع بوجود آمده است ، حق اینست که کالای سینما نیز در شرایطی عادلانه از افزایش نرخهای همه جانبه ، بهره‌گیرد .

وقتی تمامی مخارج خرید فیلم اداره کردن سینما ودستمزد کارکنان و نمایش فیلمها ، مشمول یك جهش نرخ بمیزان‌تاسه برابر شده است ، بلیت سینما هم باید به تناسب همین افزایشها ، صعود نرخ داشته باشد. یازدهم تیرماه روز غافلگیر کننده‌ای در تاریخ سینمای این سرزمین خواهد بود ..!

نورمن ویزدم در فیلم :
فضولباشی
امشب در سینماهای مدرن و خانوادگی :
شهر قشنگ ـ گلدیس

سینمای ادئون

با آغاز فصل تابستان یك فیلم کمدی شاد برای بینندگان فیلمهای دیدنی، نمایش می‌دهد ...

□ ژاك دوفیلو کمدین محبوب این بار بین دو خوشگل حیله‌گر گرفتار شده ... یکی‌عیال ودیگری کلفت طنازش...وحیله‌گری‌های‌این دو خوشگل‌شمارا‌ازخنده‌روده‌برخواهد کرد

خوشگلای حیله گر

رنگی ـ با شرکت: ژاك‌دوفیلو ـ داگمار لاساندر

تکه تکه تکه تکه

✿ مصاحبه خبرنگار ستاره سینما با «آژداپکان» در ترکیه ...

*من در تهران کنسرت‌های «آنچنانی» نمیدهم و در فیلمی هم بازی نخواهم کرد..!

من برای مسافرت‌هایم به ایران کیسه ندوخته‌ام!

□ «یوسف دانش صدیق» تصویر بردار سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران که با مجله ستاره سینما نیز همکاری دارد هفته گذشته بعد از یك سفر یکماهه به کشور ترکیه به تهران آمد.

او طی اقامتش در این کشور برایمان گزارش‌های دست اولی بهمراه آورده است که یکی از آنها «گفتگوی اختصاصی‌اش با آژداپکان ستاره معروف آواز ترکیه» را در زیر می‌خوانید.

□ وقتی من به دیدن آژداپکان رفتم از محبوبیت غیر منتظره‌اش در ایران خبر نداشتم، البته می‌دانستم که در یکی دو برنامه تلویزیونی درکشورمان شرکت کرده ولی حتی فکرش را نیز نمی‌کردم که فروش کاست ترانه‌هایش در تهران رکورد عظیمی برجا گذاشته است. آژدایکی از سکسی ترین خوانندگان ترك است، وقتی در خانه ویلائی‌اش نیز او را ملاقات می‌کنم بلوز یقه باز بسیارشیکی پوشیده است: می‌گوید:

— بنظر من زن باید همیشه طراوتش را حفظ کند و در همه حال نشان دهد که زن است!

من از زنهائی که کت و شلوار مردانه می‌پوشند و یا موهایشان را بسبك پسرهای تازه بالغ کوتاه می‌کنند اصلا خوشم نمی‌آید.

آژادپکان ادامه می‌دهد:

— برای من خواندن و کار در حکم زندگیست ولی این دلیل نمی‌شود که خودم را با کار زیاد بکشم.

من به خوانندگی عشق می‌ورزم وقتی می‌خوانم احساس می‌کنم که واقعا زنده هستم ولی هیچگاه کار را با تجارت قاطی نمی‌کنم از شب زنده داری و هر شب توی مجالس دودودم‌خواندن‌بخصوص برای دل بعضی ها که در آن حالت از خودشان نیز بیخبرند کاملا متنفرم.

دلم می‌خواهد در یك فضای باز، که هزاران نفر از مردم با شوق زیاد نشسته‌اند کنسرت بدهم و برای مردم بخوانم.

از تلویزیون هم خیلی خوشم می‌آید چون تصویر و صدای خواننده را به محیط گرم و صمیمی خانواده ها می‌برد.

■ خانم آژداپکان از مسافرت اخیرتان به تهران بگوئید، روز نامه‌های ترکیه نوشته‌اندکه از شما استقبال خیلی خوبی بعمل آمده است.

— بله استقبال و میهمان نوازی‌ایرانی ها برایم غیر منتظره بود، اصلا فکرش را نیز نمی‌کردم که چنین بشود. مردم با چنان صمیمیتی با من طرف می‌شدند که گاهی اوقات یادم می‌رفت که در کشور دیگری هستم.

■ گویا این محبت ها باعث شده‌که دوباره خیال سفر به‌کشورما راداشته‌باشید.

— بله ... من تا چند هفته دیگر مجددا سری به تهران می‌زنم. البته برای چند برنامه و ضبط تلویزیونی آقای پرویز قریب افشار.

■ با این‌حساب‌کنسرت‌های‌پردرآمدی خواهید داشت.

— خیر ... من برای اجرای برنامه در تهران کیسه ندوخته‌ام چرا که‌اصولا خواننده‌ای مادی و پول پرست نیستم من دلم می‌خواهد برای دل مردم بخوانم.

■ شما که در سینمای ترکیه فیلمهای زیادی بازی کرده‌اید آیا در تهران نیز جلوی دوربین خواهید رفت؟

— تصمیمی برای بازی در فیلم ندارم، چون این کار را مدتهاست که کنار گذاشته‌ام. بنابر این خیال نمی‌کنم آنندرها در تهران ماندنی باشم که جلوی دوربین نیز بروم. هر چند در سفر قبلی پیشنهادی برای شرکت در یك فیلم سینمائی داشتم.

■ خانم آژداپکان، شما در یك مصاحبه مطبوعاتی همه چیز را در باره زندگیتان به خبرنگاران ایرانی گفته‌اید بنابر این تکرار تمام آن حرفها جذبه‌ای ندارد، امیدواریم که به ایران سفر کنید و حرفهای تازه‌تان را در ایران انعکاس دهیم.

گپ

✿ محسن سهرابی بازیگر نمایشنامه پرسرو صدای «موضوع جدی نیست» میگوید:

بازی در کنار بهروز وثوقی، برای یك هنرپیشه جاذبه دارد!

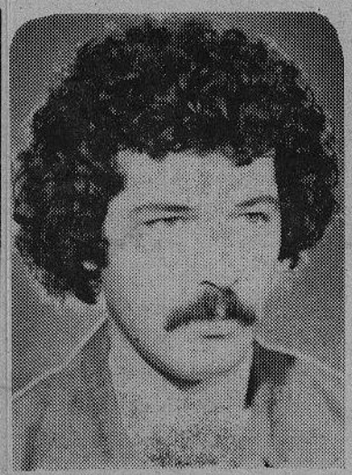

■ محسن سهرابی بازیگر جوان و در عین حال با سابقه‌ایست. اوسالهاپیش باتئاتر کارش را آغاز کرد. سپس به دوبلاژ و گویندگی فیلمها رو آورد و در رادیو تلویزیون نیز فعالیت نمود و آنگاه راهی سینما شد. چند فیلم بازی کردوسپس سکوتی چند ساله داشت و اکنون بازی‌اش رادر نمایشنامه «موضوع جدی نیست» که روی سن است، شاهد هستیم. سهرابی‌در مصاحبه کوتاهی با خبرنگار ستاره سینما اظهار داشت:

— «خیلی دلم می‌خواست که بایك گروه حرفهای و غیر وابسته به مراکز تئاتری، همکاری داشته باشم، وبازی در نمایشنامه موضوع جدی نیست، فرصتی‌بود برای من که به خواسته دلم برسم و بعلاوه من شرایطی رادر مورد دستمزد وترتیب نوشتن اسمم در پلاکات ها پیش کشیدم و

بقیه در صفحه ۳۲

MASOUD مسعود

عکسهای روی جلد و وسط از:
استودیو عکاسی گویا
خیابان ۱۶ متری آمیری جنب سی‌متری‌جی

کارآگاه راکفورد برنده جایزه تلویزیونی «امی» شد

■ جیمز گارنر که در سریال کارآگاه راکفورد بازی جالبی ارائه کرده‌است برنده جایزه تلویزیونی «امی» شد.

«امی» جایزه‌ای است تلویزیونی که همپای جایزه اسکار در سینماست. هر سال به بهترین برنامه‌های تلویزیونی در آمریکا «جایزه امی» اعطا میگردد. امسال همای اقبال برسر جیمز گارنر نشست. در اینجا او را با همسر زیبایش «لوئیز» می‌بینید.

الیزابت تایلور هدیه گرانقیمت ریچارد برتون را میفروشد!

■ این روزها ریچارد برتون هنرپیشه انگلیسی الاصل سینما سخت ناراحت است. و ناراحتی او بخاطر آن است که همسر سابقش الیزابت تیلور تصمیم دارد الماس ۶۹ قیراطی را که ریچارد در سال ۱۹۶۹ به او هدیه کرده است بفروشد. ارزش این الماس بیش از ٤ میلیون دلار (حدود ۲۸ میلیون تومان) برآورد شده‌است.

ریچارد برتون به وکیل الیزابت گفته است که: «این انگشتری الماس در زمان زندگی مشترک من‌والیزابت‌خریداری شده است و قانونا جزء وسایل ولوازم اشتراکی ماست.» این بدین معنی است که پس از فروش انگشتری آقای برتون نیز سهم خود را میخواهد.

اما از طرفی الیزابت بدون توجه باینگونه مسائل در کنار شوهرش «جان وارنر» در «ویر جینا» مشغول پرداخت سهم دولت و فراهم کردن دیگر مقدمات فروش این انگشتری است. اما تازه‌ترین خبر درباره ریچارد برتون اینکه او با «سوزان» همسر فعلی خود در مکزیکو «پورتووالارتا» خانه‌ای خریداری کرده است و این محل ـ همان جائی است‌که

در چند قدم ـ بالاتر از آن منزل الیزابت تایلور قرار دارد. آگاهان امور مالی و عشقی معتقدند برتون باانجام این کار شاید میخواهد «الیزابت» را زیر نظر داشته باشد تا بفهمد چه بلائی سرانگشتری می‌آید و آیا تاکنون بفروش رفته است یانه؟

سینمای خوب و فیلمهای خوب

■ با تغییراتی که در سیستم نمایش فیلمهای ایرانی بعمل آمده و سینماهای لوکس و بالای شهر حاضر بنمایش فیلمهای خوب گردیده‌اند و هم اکنون نیز فیلمهای گزارش کار عباس‌کیارستمی و سفر سنگ کار مسعود کیمیائی، درچنین سینماهائی نمایش داده میشود این فیلمها نیز برای‌نمایش در سینماهای‌ممتازکاندید هستند

«کلاغ» کار بیضائی، «ملکوت» کار هریتاش، ساخت ایران کار امیر نادری، «بن بست» کار پرویز صیاد «برفراز آسمانها» کار محمدعلی فردین «نفس بریده» کار سیروس الوند «شطرنج‌باد» کار اصلانی «زیر چتر باران» کار کاوش «در غربت» کار سهراب شهید ثالث ویکی دو فیلم دیگر که از امتیاز نمایش در سینما های ممتاز برخوردار هستند.

برت رینولدز از خوددفاع می کند

■ شایع است که در فیلمی «برت رینولدز» را بجای «وودی‌آلن» انتخاب کرده‌اند اما «برت» در مورد این شایعه می‌گوید:

ـ «این بهیچوجه صحت ندارد. مسئله از این قرار است که من سناریوی فیلم پایان را که جری بلسون نوشته است از او خریداری واخیرابا کارگردانی آن فیلم «پایان» را به اتمام رساندم. این سناریو را جری بلسون ابتدا برای وودی آلن نوشته بود اما بدلایلی آن را بمن فروخت. کسانیکه این وضع را فهمیده‌اند فکر می‌کنند رل وودی آلن را بمن داده‌اند در حالیکه چنین نیست!

آنجی دیکنسون: پلیس زن

■ آنجی دیکنسون هنرپیشه زیبای فیلم «جیکا» را حتما بخاطر می‌آورید. شاید هم به سختی او را بیادآورید چون مدتهاست از او فیلمی ندیده‌اید. سالها قبل بعنوان شهردار یکی از ایالت های آمریکا انتخاب شد و ظرافت زنانه را با مسئولیت های اداری تلفیق کرد وشهردار موفقی هم بود اما شهردار شدن او را از حرفه اصلی‌اش سینما بدور کرد. اما چندی پیش در سریال تلویزیونی «پلیس زن» بازی کرد که هنوز ساختن این سریال ادامه دارد. در عکس «آنجی دیکنسون» را با همبازی‌اش در سریال «پلیس زن» یعنی دان ریکلز می‌بینید.

فرق زن و سینما

■ معمولا در سینما هر چه بیشتر پول بدهیم، ما را بقسمت لژ هدایت می‌کنند و جای عقب‌تری میدهند، در حالیکه هرچه‌برای‌زن‌پول‌بیشتری بدهیم، جلوتر رفته و در قلب اوجای بهتری اشغال خواهیم کرد.

■ معمولا بلندگوی‌سینمائی‌که از کار میافتد آن سینما دیگر قابل استفاده نیست در حالیکه برعکس بلندگوی زنها هر گاه از کار بیافتد آن زن صورت فرشته‌های آسمان را پیدا خواهد کرد.

■ معمولادر سینما قسمت‌های سکسی فیلمها را سانسور می‌کنند در حالیکه خانمها سعی بیشتری دارند که قسمت های سکسی خودرابیشتر در معرض دید دوستان قرار دهند.

انتقاد... بر فیلم‌ها

از : محسن سنف

* گزارش
هنرپیشگان . شهره آغداشلو ـ کوروش افشار
نویسنده و کارگردان : عباس کیا رستمی
مدیر فیلمبرداری : علیرضا زرین دست
تهیه کننده : بهمن فرمان آراء
تولید شرکت گسترش صنایع سینمائی ایران .

* مرکز توجه در «گزارش» درون هسته مرکزی یك زندگی شهری قرار گرفته است

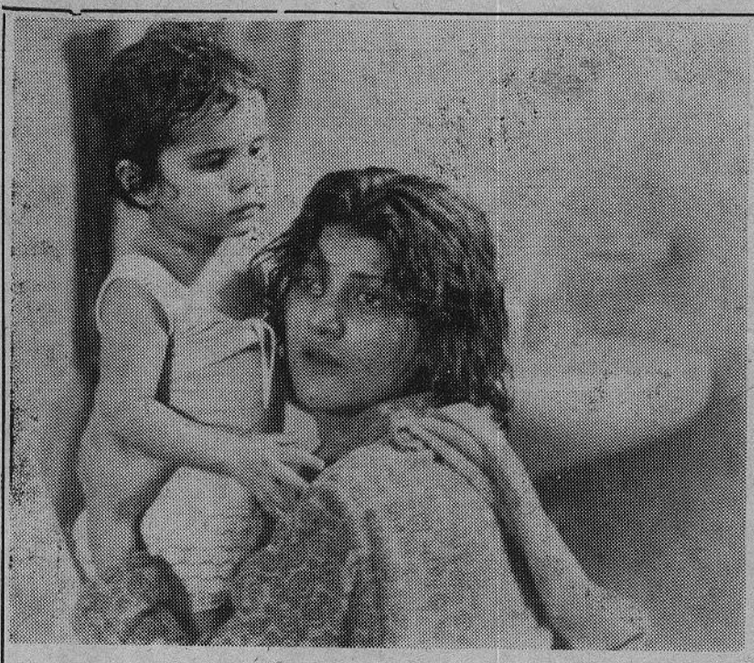

«کیا رستمی» در مقام فیلمنامه‌نویس و کارگردان، لحظه‌های اضطراب آلود و دشواریهای یك زندگی شهری رادر چهار چوب یك تصویر پردازی گزارش‌گونه، بنمایش میگذارد . گزارشی سخت صادقانه و موجز و عاری از هرگونه زیاده گوئی و تشتت که از نقطه نظر ارزشهای بصری و کیفیت تاثیر گزارنده تصاویر ، بسیار جلب توجه میکند. «گزارش» برغم یك جهت گیری مشخص و بی طرف و با وجود تعمد آگاهانه سازنده‌اش در اجتناب از یك جبهه‌گیری جانبی و قضاوت گر ، از سطوح ظاهری حوادث و رابطه‌ها فراتر میرود و در نهایت، سمپاتی و دلبستگی عاطفی تماشاگر را به سرنوشت آدمهای داستان جلب میکند.

از عمده دلایل این علقه و ارتباط احساسی میان ناظر و منظور ، کیفیت ارزشمند روابط آدمها را درفضائی قابل لمس و آشنا میتوان عنوان کرد. نحوه برقراری رابطه میان آدمهای داستان با شناختی دقیق که از هویت مشخص و خلق و خوی هر یك بدست آمده، کیفیتی قابل درك و دریافت پیدا کرده است . و نهایت اینکه، در یك فضای آشنا و ملموس در جریان روابط عاطفی و درگیریهای احساسی آدمهائی قرار می‌گیریم که شناسنامه و هویت انسانی مشخص و معینی را دارا هستند . دلایل اساسی برای موفقیت در پرداخت یك کار سینمائی و همه آن چیزی که در ارزشیابی ها میتواند مد نظر قرار بگیرد، خارج از چهار چوب معیارها و قواعد شناخته شده از عناصر متشکله یك اثر سینمائی نیست. عوامل عمده و با اهمیت در ساختمان بنیادی یك فیلم و تمامیت ارزشهای ممکن در خلاقیت کار سینما، برمبنای چهار قاعده واصل کلی نهاده میشود. فضا سازی و خلق یك آتمسفر قابل انتقال و انطباق با ذهنیات تماشاگر ، حتی در یك موقعیت زمانی و مکانی ابهام انگیز و فانتاستیك که در عین بیگانگی و غرابت دور از ذهنش میتواند جاذبه‌ای احساسی و پرکشش برای تماشاگر داشته باشد . پرداختن به کیفیات روحی و شناخت دقیق آدمهای داستان به استعانت از نوعیت روابط و درگیری‌هائی که در مسیر قصه فیلم پدید می‌آید. همین خصوصیت کلی و با اهمیت ، مرحله‌ای اساسی از بنای ساختمان یك اثر سینمائی محسوب میشود. شناخت آدمها و دریافت انگیزه‌ها در موجودیت یافتن روابط و پی‌آمد درگیریهای احساسی ، در حالیکه دو مرحله و مورد جداگانه وکلی بنظر می‌آید ، در اساس کار، ارتباط و بستگی غیر قابل انکاری دارد . مرحله شناخت آدمها و مورد درك و لمس نوعیت رابطه‌ها، هدفی بظاهر دوگانه در جهت دست یافتن به اساس پیوستگی های نهادی و کیفیت مشخص و مجزای خلق و خوی کاراکتر های مختلف داستان ، بنظر میرسد . حال آنکه وجود یك ارتباط منطقی و لزوم موجودیت هر کدام از این عناصر مشخص کننده درایجاد عنصر متقابل ، ناگزیر و غیر قابل کتمان می‌نماید. دریك نگرش دقیق و موشکافانه ، میتوان به‌یك نوع رابطه و آمیختگی محتوم میان همه عوامل موجودیت دهنده یك اثر سینمائی وقوف یافت .دراین آمیزش بنیادی حتی میتوان به تاثیر متقابل هر یك از عناصر جداگانه و بظاهر منفك فیلم در موجودیت یافتن عوامل مشخص شده دیگر، پی‌برد . روی همین اصل و بدلیل همین ارتباط بنیادی ، ارزشهای نهائی یك اثر سینمائی به کیفیت همه عناصر اساسی و موجودیت دهنده فیلم مربوط میشود و عدم کارآئی و دقت در پرداخت هر کدام از عوامل با اهمیت در ساختمان کلی یك اثر سینمائی ، تزلزلی همه جانبه پیش خواهد آورد.

در گزارش کیارستمی ، ارتباط و انطباقی هوشمندانه میان عناصر درونی و بیرونی اثر حس میشود. وآنچه بیش از همه جلب توجه میکند، ژرف‌نگری و اعتماد بنفسی است که زاویه نگرش به حوادث و آدمهای داستان را از سطوح بیرونی و حواشی وسوسه کننده ظاهری عبور داده و بدرون ـ وحتی مرکز ـ دایره می‌کشاند. تمرکز توجه و انتخاب زاویه‌ای که از مرکز وقلب ماجراها به روابط انسانی و درگیریهای عاطفی می‌پردازد ، درحالی که میتوانست هاله‌ای اغراق آمیز در اطراف حوادث ایجاد کند و دریافت و شناخت خصایص انسانی شخصیتها و کیفیت روابط احساسی میان ایشان را دور از دسترس بنماید ، مع‌الوصف در سیر متداوم و منسجم جریانات جاری در داستان فیلم ، وقفه‌ای در ارتباط تماشاگر با قهرمانان و درگیریهای عاطفی ایشان بوجود نمی‌آید .

«گزارش» واقعیتهای لمس پذیر و آشنائی از اضطراب انسانی را در یك زندگی شهری، درقالب رئالیزمی سرشار از افه های بصری تکان دهنده و جاذبه‌ای سخت تاثیر گزار ، بنمایش میگذارد . رئالیزم در سینمای ایرانی تا کنون چنین تجلی واقع گرایانه و عاری از اغراقی نداشته است . گزارش با آنکه میخواهد در حد یك گزارش تصویری دقیق و موجز و بدون جهت گیری، باقی بماند، از این مرحله فراتر میرود و در لحظاتی چند در کشاکش درگیریها و برخوردها ، به قضاوت می‌نشیند و می‌بینیم که سازندگان فیلم جبهه‌ای مشخص را برای دست‌یابی به‌دلایل و «علت»ها، برمی‌گزینند . اما این جهت گیری‌ها، معدود و در همان حد هم زود گذر و کم رنك بنظر می‌آید . هر دو فصل مربوط به توطئه و اخراج قهرمان داستان از محل کارش ، نشانه‌های کم سوئی از این جبهه‌گیری را در بردارد . اگر چه در جریان فیلم هم واقعیت مربوط به رشوه‌گیری «محمد» صریحا آشکار نمی‌شود، اما با توجه به فضای تیره زندگی زناشوئی او و نیازهای مادی و کمبود هائی که دلایل اصلی بروز اختلاف میان زن و شوهر است، تقاضای رشوه از جانب او، دور از باور هم نمیتواند باشد . حال آنکه در پرداخت کاراکتر مرد نزولخوار و مالیات پرداز ، تصاویر قابل لمسی از یکنوع جبهه‌گیری به‌نفع قهرمان داستان ، حس میشود و این یکی از همان موارد معدودی است که خدشه‌ای آشکار به ماهیت گزارش گونه فیلم و اجتناب از جهت گیری مشخص بر له قهرمان داستان ، وارد میکند . معهذا این چند لحظه زودگذر و جانبداری های اندك ، نمیتواند ارزشهای قابل استناد فیلم را بعنوان یك گزارش دقیق و کامل تصویری از جریان یك زندگی فاجعه آمیز شهری خدشه پذیر نماید.

کیارستمی با شناختی آگاهانه و دقیق ، قهرمانان اصلی داستان خود را بعنوان یك نمونه کامل از بطن زندگی شهری و نماینده‌ای مضطرب از میان این قشر آشنای اجتماعی بر می‌گزیند . تمامی درگیریها و مشکلات موجود در زندگی این زوج جوان و پیش آمد اختلاف نظرهائی که بظاهر جزئی هستند ، در نهایت فاجعه رادر درون خود پرورش میدهند و همین جرقه‌های بظاهر ناچیز در انتهای راه به جهنمی از عدم انطباق و اشتراك میانجامد. درگیریهای محمد و همسرش اعظم که با داشتن یك کودك خردسال در نخستین مراحل سازندگی یك زندگی خانوادگی هستند در همه حال ناشی از نیازهای مادی‌ست. دریك کنکاش دقیق و بی‌جوئی در ماهیت این نوع از اختلاف نظرها، رد آشکاری از کمبودهای مادی بچشم می‌آید. آرزوی خریدن یك خانه قسطی و فرار از عذاب ناشی از درگیری با صاحب‌خانه ، مشغولیات ذهنی زن و شوهر جوان را بوجود آورده است . گذشته از این در همه علت یابی‌ها، دربروز

اختلافات میان زن‌وشوهر، پول واحتیاجات مادی‌همیشه‌یك نقش اساسی را بازی میکند. واین شمای‌واقعی‌وصادقانه‌ای ازنوعیت زندگی شهرنشینی امروز در جامعه مامیتواند باشد. نظایر این درگیریهای جزئی وبظاهر بی‌اهمیت را در رابطه میان همه زن وشوهر های این‌طبقه‌وقشراجتماعی میتوان سراغ گرفت ودر همه حال تکوین فاجعه ومصیبت را میشود به جزئی‌ترین اختلافات خانوادگی نسبت داد. با تصویر دقیق و قابل لمسی که از هسته مرکزی زندگی این زن و شوهر بدست آورده‌ایم، در لحظات‌مربوط به اخراج «محمد» از اداره وبا تصویر سازی ذهنی ازپی آمدهای این مصیبت بزرك، شراکتی عاطفی ودلسوزانه نسبت به موقعیت متزلزل این مرد جوان پیش می‌آید. بار عاطفی ودخالت احساسی تماشاگر در دقایقی نظیر این اگر چه می‌توانست پی‌آمدی پرسوز وگداز واشك انگیز در برداشته باشد مع‌الوصف پرداخت واقع‌گرایانه وسرشار از آگاهی کیارستمی ازاین زخمه‌های احساسی و عاطفی، لحظاتی جذاب و عاری از هرگونه اغراق می‌سازد. ازسوی دیگر حاشیه پردازیها و جریانات فرعی ماجرایی‌آنکه لطمه‌ای به انسجام کلی مسائل اصلی وارد سازند، در عین نقش پیش برنده‌اشان در تداوم بخشیدن به آهنك وریتم یك ضرب فیلم، جذابیتهای خاص خود را دارند که‌در همه حال زائد و نچسب هم بنظر نمی‌رسند. ازجذابترین این فصول فرعی، سکانس دکه مشروب فروشی است که قهرمان داستان بدنبال یك درگیری شدید باهمسرش و نیاز قابل درکش به مفارغت از خویش، بدانجا کشیده میشود. فضای میخانه وآدمهای آشنای آن بگونه‌ای‌ترسیم شده‌اند که بدون کمترین تاکید واغراقی، این تصور برای تماشاگر پیش می‌آید که هر کدام از آدمهای حاضر در این دکه مشروب فروشی، در وضعیت روحی مشابه با قهرمان داستان، واحتیاج بخود فراموشی سرازاین محل در آورده‌اند. اما قهرمان داستان هنوز هم بارشته‌ای پردوام بزندگی بیرونی خود وابسته است. نگاه نگران و مضطرب او از پشت شیشه میخانه به کودك خردسالش، تجسم دقیقی ازاین پیوستگی ست. اگر چه گفت وگوی جماعت حاضر در میخانه هر چند لحظه یکبار او را بدرون جذب میکند، اما این جاذبه‌ها کم دوامتر از آن است که تمایل شدیدی برای گریز در او بوجود آورد. پاسخگوئی های صریح وهجوآمیز صاحب دکه به اظهار نظر های ملاصفتانه آن مهندس، محتوای تخدیرکننده بسیاری از فیلمهای فارسی را بیاد می‌آورد ودلخوشکنکهای بلاهت آمیزی‌که در سطوح مختلف نیم بزرگتری از حجم مغزها را اشغال کرده است.

یکی از مهمترین نشانه‌های ظاهری توفیق یك سینماگر در جلب و جذب همه احساس واندیشه تماشاگر، میزان توجهی است که تصاویر فیلم به نسبت ارزش واهمیت جاری در آن، حواس بیننده را جذب میکند. بعنوان مثال در یك صحنه عمومی (لانك شات) هرگاه توجه و دقت تماشاگر جلب حرکت اساسی صحنه باشد، میتوان تاثیر گذاری تصاویر فیلم و جذابیت حرکات آدمهای داستان را برای تماشاگر، باور داشت. گزارش از چنین خصیصه‌ای برخورداری دارد وچنان‌است‌که حتی در صحنه‌های‌عمومی وباز، همه توجه تماشاگر معطوف بحرکت اصلی صحنه است، بیاد بیاورید صحنه مربوط به بیرون بیمارستان و جریان پتواکشیدن روی کودك را، در این نمای عمومی با آنکه فضای گسترده‌ای برای جلب حواس تماشاگر وجود دارد، اما رابطه با آدمها و اعمال ورفتارشان چنان دوام و قوامی دارد که در این پلان عمومی هم باز نقطه نظر و توجه دقیق تماشاگر به موضوع اصلی و حرکت قهرمان ماجراست، هر چند که این حرکت ـ کشیدن پتو ـ در یك زاویه بسته و در گوشه ناپیدایی از کادر این نما، جلوه‌ای کمرنك دارد. غرض از این اشاره، بدست آوردن میزان‌و معیاری است برای سنجش اندازه و قدرت جذب تصاویر و اعمال آدمها که تماما ناشی از قدرت خلاقه سینماگر در جلب حواس تماشاگر میتواند باشد. توفیق کیارستمی در گزارش، یکی از این موارد نادر و درخور توجه‌در سینمای ایرانی‌است. چرا که این سینماگرهوشمندوصاحب سلیقه در جریان پرداختن به یك سینمای رئالیست و واقع‌گرا، از تمامی عوامل و عناصر موجود به بهترین و هشیارانه ترین شکل و نحو ممکن بهره گرفته است و حاصل اینکه، گزارش یکی از جذابترین فیلم های سینمای برتر ایرانی است که در یك مورد حتی می‌توان این فیلم را نخبه‌ترین اثر سینمای ایرانی بحساب آورد. و براستی که گزارش در رسیدن به تصویر پردازی از عناصر یك سینمای واقع‌گرا در حد یك‌ایجاز، سینمائی موفق و سرشار از افه های رئالیستی وانسانی‌ست. گزارش یك‌نمونه کامل و با ارزش از سینمای واقعیت پرداز ایرانی است که در قلب حقایق و مسائل جاری در محیط، تصویری موجز و دقیق از زندگی یك قشر وسیع اجتماعی بدست میدهد، بی آنکه در این باز سازی اغراق و اغتشاشی وجود داشته باشد. در گزارش تمامی عوامل

□ بقیه در صفحه ۳۱

* در حاشیه سینما ...

در سالن سینمای نمایش دهنده فیلم «گزارش» دوستی سرشار از عشق به سینما، مثل خود ما البته! مارا در منگنه‌ی محضور گذاشت که «بنظر تو، هدف اصلی‌این کالای تجارتی که اسمش را سینما گذاشته‌اید، چی‌هست؟ تو که در باره سینما مینویسی، باید بهتر از من بدانی...» بهر حال این رفیق عزیز ما خیلی بد پیله بود، بناچار اول بعرضشان رساندم که ـ رفیق، اولا که لازم نیست من همه چیز راجع به سینما ـ و خصوصا هدفش! بدانم، «چیز» نوشتن که دلیل «چیز» نمی‌شود! بخصوص اینروز ها که رسم شده، هرکی هرکاری دلش میخواد بکنه! دوم ازاین، حالا که زیاد اصرار داری، میگویم که‌بدانی که می‌دانیم! بااین وجود باز هم «سینما» را دوست‌داریم، باین دلیل که میخواهند، نیازمند این کالای تجارتی باشیم ... و هستیم! و بعد شرح کشافی درخصوص‌تلقی‌ام از سینما، برایش گفتم، که بعله ... هدف‌سینما همان‌هدفی است که خیلی‌ها میخواهند «هدف» باشد. وچه هدف‌خوبی: رفیق عزیز م، سینما خیلی راحت کارهائی رامیکند که از توپ وتفنك ساخته نیست ... عرض میکنم. عادات و حرکات وشیوه زندگی و خصوصا ذهنیات پر از فانتزی و رویا، از طریق داستانهای پر از جاذبه سینمائی وکاراکتر پردازیهای خیال انگیز، بشدت دیگرگون میشوند. وتحت تاثیر همین رویاهای تصویری وانتقال منش، تغییرهویت اساسی در بنیاد شخصیت جماعت تماشاگر بوجود می‌آید. واین یعنی یکجور شستشوی مغزی که ارزشهای فردی و اخلاقی جماعت تماشاگر را دچار تزلزل میکند. وجماعت تماشاگر کسی نیست جز جماعت یك ملت. از این طریق بسیاری از خصایص انسانی وقومی وارزشهای اخلاقی، کیفیت اساسی خود را از دست داده و در مسیر این تغییر و تبدیلات سریع ذهنی، ضدیت های دروئی در تماشاگر که از طریق قهرمانان سمپاتیك و دوست داشتنی سینما، منتقل می‌شود، تزلزلی نهادی در خصوصیتهای قومی و ارزشها و سنت های اخلاقی یك ملت ایجاد میکند. این سینماست رفیق، که در لفافه پرزرق وبرق تجارت‌پیچیده شده و «خود فریبی» و «فرار از حقیقت موجودیت» و رویا بله، «رویا» کالای اصلی این تجارت پررونق هستند. یعنی همان چیزهائی که اینروزها خریدار و طرفدار بسیاری در سراسر دنیا دارد، ما هم از مشتریان این کالای مجذوب کننده هستیم واز شما چه پنهان خیلی هم دوستش داریم. خصوصا نوع غربی‌اش را!..

م ـ س

* گزارش: سینما ـ زندگی

ایرج مطلبی

«گزارش» برای سینمای ما فیلمی است بر خلاف عادات‌معمول.عاداتی که سینما را صرف نظر از بعضی نمونه‌های استثنائی، عموما محدود به قواعد واصولی نموده است که بسیار هم بدیهی‌و مسلم انگاشته می‌شوند. این قواعد واصول از زمانیکه نطفه یك اندیشه سینمائی در ذهن یك نویسنده سینما جان میگیرد، او را محاصره نموده و بعد قالب‌گیری می‌نمایند و بصورت یك‌طرح‌جامع تحویل کارگردان داده می‌شوند. کارگردان نیز آنرا در بسته بندی زیبائی و با مارك مخصوص روانه اکران می‌نماید و بعد یا صدای تشویق‌است از ناحیه توده مردم و یا صدای کف از ناحیه منتقدین واگر زیرك‌تر باشی وبا هوش‌تر هر دو صدا با هم ...

امتیاز گزارش درزنده نگاه داشتن و قربانی نکردن جلوه‌های طبیعی زندگی در سینماست: انتخاب سناریوئی مملو از حوادث و اتفاقات عادی ... صحنه‌های عادی ... بازیهای عادی. صداهای‌عادی. کیارستمی عادات زندگی را انتخاب می‌کند تا دو چار عادات سینما نشود. او زندگی را به این سینمای متداول ترجیح می‌دهد و امتیاز او و نه کارش در همین جاست!

کیا رستمی نه به مردم‌دروغ‌می‌گوید. نه برایشان خیالبافی می‌کند، نه با کشت و کشتار و عصیانهای قلابی، نقش قهرمان را برایشان بازی می‌کند.

کیا رستمی فقط از خودش درس‌می‌گیرد. مکتب او زندگیش است، هر آنچه دیده و تجربه کرده. او با سماجت وحتی گاه گستاخی، سعی‌می‌کندتجربیاتش را از زندگی دور و برش در پیوندی زنده و فعال با افراد و کلیت فیلمش

□ بقیه در صفحه ۳۲

روزنامه ستاره سینما

در محافل هنری

* نگارخانه آزاد :

■ نمایشگاهی از کروکی‌های سیاوش تیموری — از ۳ تیر ماه بمدت ۱۰ روز ساعات باز دید ۱۰ صبح تا ۶ بعد ازظهر به استثنای روزها ی پنجشنبه و جمعه

* انجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی :

□ « سنطومه پداگوژی» بازیرنویس فارسی — ۶ و ۱۰ تیر ساعت ۲۰

* گالری سولیوان :

■ نمایشگاه آثار نقاشان برجسته امپرسیونیست آثاری از مونه ، رنوار ، سیپارو ، دگا ، مانه و ... ساعت باز دید ۵ تا ۸٫۳۰ بعد از ظهر

* نگارخانه شیخ :

□ نمایشگاه لیتوگرافی های نقاشان اروپائی — از ۵ تیر بمدت ۱۵ روز ساعات باز دید ۱۰ تا ۱۲ صبح و ۱۷ تا ۲۰ بعد از ظهر

* موزه نگارستان :

□ آثار هنری سده‌های دوازدهم و سیزدهم ایران .

* مرکز فرهنگی و هنری رضا عباسی :

■ مجموعه‌ای از آثار هنری ایران از هزاره دوم قبل از میلاد تاقرن‌چهاردهم هجری همراه با دو نمایشگاه از مجموعه خصوصی مهندس « محسن فروغی »و نقاشیهای کارل می — ساعات باز دید۱۰ صبح تا ۱ بعد از ظهر و ۳ تا ۶ بعد از ظهر — ورود برای عموم آزاد است .

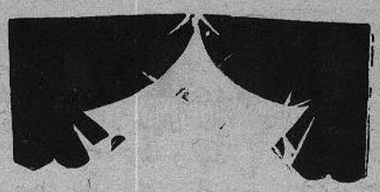

روی پرده

* انسان در برابر حیوان

□ فیلم مستند ی‌است در باره زندگی حیوانات و نیز زندگی انسانها درطبیعت.. قبلا از این سری فیلمها ، «انسان و حیوان» و .... «دنیای وحشی » دیده‌ایم واکنون با فیلم تازه‌ای در این زمینه روبـــرو هستیم .

* وایکینگ‌ها

□ این فیلم که سالهاپیش‌یکبارنمایش داده شده است ، هنوز از یاد بسیاری از سینما دوستان نرفته است . فیلم‌پرماجرائی است از زندگی و جنگهای وایکینگهـــا، با هنرپیشگانی سرشناس که رودرروی‌یك‌ـــ دیگر قرار گرفته‌اند : کرك داگلاس‌ـــتونی کرتیس ، ارنست بورگناین و ...جانت‌ـــ لی . ناگفته نماند که فیلم را کارگردان معروف « ریچارد فلیچر» ساخته است .

* سفر سنگ

□ واکنون با تازه‌ترین فیلم مسعـــود کیمیائی روبرو هستیم . فیلمی که جنجال های بسیاری در باره آن براه افتاده است. چه در هنگام شروع فیلمبرداری که‌باتعویض های مکرر هنرپیشگان فیلم و جایگزین‌شدن هنرپیشگانی دیگر بجای آنها همراه بوده است و چه بعد از آماده شدن و اختلاف بر سر ترتیب نوشتن اسامی هنرپیشگان در آفیش و پلاکات و تیتراژ..!

بهر حال سینمای کیمیائی ، سینمائی است در خدمت مردم و نام کیمیائی ، مشتری زیادی برای‌سینما دست و پا می‌ـــ کند و حال « سفر سنك» که فیلم مستقلی است از کیمیائی ، بروی اکران می‌آید . سعید راد ، فرزانه تاییدی، رضا فاضلـــی حسین گیل ، جعفر والی و برای نخستین بار گیتی خواننده ،در این فیلم بازی کرده‌اند و امور فیلمبرداری فیلم راهوشنك بهارلو به بهترین نحوی انجام داده است

قصه فیلم در یك ده و پیرامون آوردن سنگی از کوه برای آسیاب ، اتفاق می‌ـــ افتد و تلاشی که برای اینکار و خنثی‌کردن مخالفت ها بعمل می‌آید ....

* فروغ بی پایان

□ این فیلم را هم سالها پیش دیده‌ایم واکنون باردیگر نمایش آنراشاهد هستیم . در این فیلم جفری هانتر بازی جالبی ارائه می‌دهد و کلا فیلم سرم کننده ایست.

* در چنگال اختاپوس

□ نام چند بازیگر معروف را در لیست بازیگران این فیلم می‌بینیم : هنری فوندا، شلی وینترز و جان هوستون . اخناپوسی عظیم علیه انسانها وارد کار زار شده است و این فیلم ، مبارزه‌ایست میان انسانهاو این حیوان عجیب و غریب !

* موسیقی فیلم :

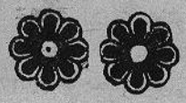

پنجشنبه ساعت ۱۳ : گروه‌غیرقانونی‌ـــ کارگردان : ریچاردتی هفرون بازیگران: پیتر فوندا ـ سوزان سنت جیمز ـ جون کرافورد ـ جیمز کالاهان

ـ این موسیقی اولین کار چارلـــز برنشتاین پسر آهنگساز معروف المرـــ برنشتاین است . چارلز در این موسیقـــی از صدای دو بازیگر فیلم یعنی « پیتر فوندا » و « سوزان سنت جیمز »که در زمینه خوانندگی‌تجربه‌ای‌ندارنداستفاده کرده است . این دو ترانه‌ای از «جـــان اوتس » توسط گروه داریل هول می‌ـــ خوانند .

جمعه ساعت ۱۶ : کبوتر ـ کارـــ گردان : چارلز زاروت بازیگران : جوزف باتوفر ـ دبورا رافین .

ترانه‌های هفته

* ترانه‌ها ی ایرانی

۱ ـ سقوط ـ باصدای داریوش .
۲ ـ نیمه گمشده من ـ باصدای گوگوش.
۳ ـ آلبوم‌ترانه های پریسا .
٤ ـ آوار ـ با صدای فرهاد .
٥ ـ اینواز تویاد گرفتم‌ـ باصدای لیلا فروهر .

* ترانه‌های خارجی

۱ ـ پاست میوزیك‌ـ باصدای‌شرلی‌بیسی.
۲ ـ بل فاست ـ باصدای گروه‌بانی‌ام .
۳ ـ لاواندکیسز ـ با اجرای گـــروه لیپ استیك .
٤ ـ ساتردی نایت‌فی‌ورـ از گروه‌بی‌جیز
٥ ـ آلبوم ترانه‌های آژداپکان (خواننده ترك) .

TV برنامه‌های آخر هفته روی آنتن تلویزیون ایران

سیمای ایران

* پنجشنبه (سیمای ایران) :

۱٤٫۱٥ ـ کانن (قهرمان) ـ کارگردان :ویلیارد وایاردـ بازیگران : ویلیام کانراو ـ لی پرسین .هیلدارایان‌ـ لاری وارنر

۱٦٫۰۰ ـویرجینائی (حمایت اخلاقی) ـ کارگردان : تونی لیدر

۱۹٫٤٥ ـ خیابانهای اسپنسر

۲۰٫٤٥ ـ میان پرده

۲۱٫۳۰ ـ منتخب فیلمهای ایرانی : بابا شمل ـ کارگردان : علی حاتمـــی هنرپیشگان : فردین ، ملك مطیـــعی ، فروزان ، بهمن مفید و ...

* جمعه (سیمای ایران) :

۱٥٫۰۰ ـرویدادهای‌هفته (برنامه‌ـــ ای از آلبرت کوچوئی)

۱٥٫۳۰ ـ فیلم سینمائی بعد ازظهـــر جمعه (رودخانه مرزی)

کارگردان : جرج‌شومن ـبازیگران: جوئل مکری ـ پدر و آرمندا‌ربـــزـــ ایون دی کارلو و ...

۱۸٫۰۰ ـ والتونها (مثلث) کارـــ گردان : لی فیلیپس

۲۱٫۱٥ ـ گفتار مذهبی

۲۱٫٤٥ ـ فیلم سینمائی مستند

رادیوتلویزیون دوم

* پنجشنبه (برنامه دوم) :

۱۹٫۰٥ ـ ماجراهای‌سندباد (دزدهای بغداد)

۲۰٫۳۰ ـ صفحه اول (برنامه ای از مسعود بهمنود)

۲۲٫۰۰ ـ فیلم سینمائی (ده مرد تبهکار) ـ کارگردان :بوریس‌هابنونستون هنرپیشگان : راندولف اسکات ـ ریچارد بون .

* جمعه (برنامه دوم) :

۱۷٫۳۰ ـ بازی خونه

۱۸٫۳۰ ـ رنگارنك ـ برنامه‌ای با شرکت خوانندگان روز و محبوب .

۲۰٫۰۰ ـ سوئیچ (مرد رویاـــ های مگی) ـ بازیگران : رابرت‌واگنرـــ ادی آلبرت ـ شارون بلس ...

■ «مگی» عاشق مردی بنام «آستین متلر» میشود ولی « متلر» بخاطرداشتن پولهای تقلبی زندانی است . «رایان» و «مك براید » به‌کمك «مگی » می‌ـــ آیند و ....

۲۲٫۰۰ ـ ورزش از نگاه ۲

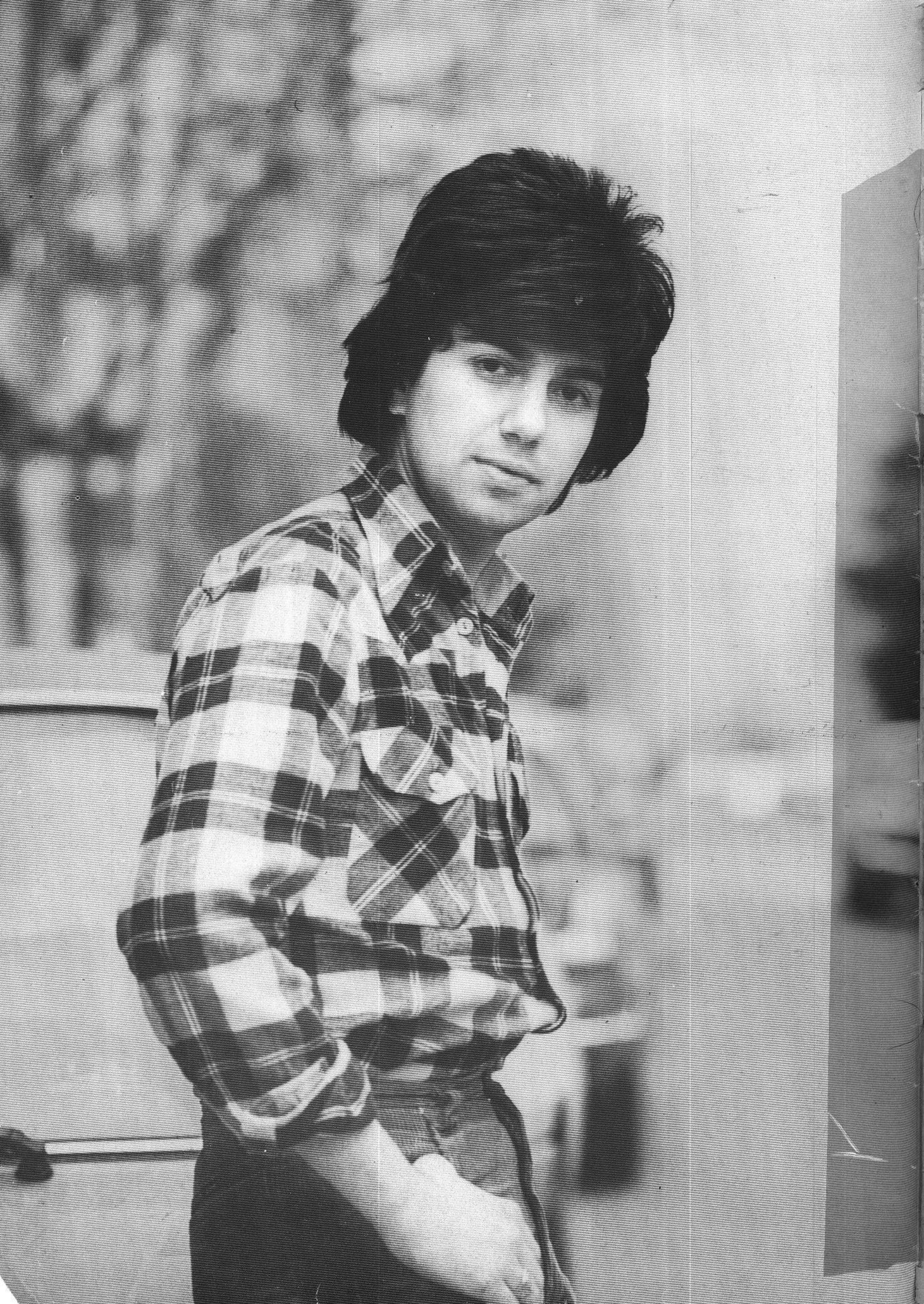

اگر سینما بزرگترین تفریح ایرانی‌ها تعطیل شود...

* با افزایش بلیت سینماها، مخالفت شد...

* یازدهم تیر، سینماها تعطیل میشوند!؟

□ بدنبال جلسه فوق‌العاده انجمن سینماداران و تصمیمات نهائی ایشان، مقامات وزارت فرهنگ و هنر در مقام پاسخگوئی برآمده و نقطه نظر های اساسی خود را در خصوص این موضوع ابراز داشتند. یکی از مسئولین وزارت فرهنگ وهنر صریحا اعلام داشت که با افزایش بهای بلیت سینماها که از جانب هیئت‌مدیره سینماداران پیشنهاد شده است، بهیچ‌عنوان نمیتوان به توافق رسید. این مقام‌درادامه بحث به موقعیت سینماهای شهرستانها اشاره کرد و اینکه ۷۰ درصد از سینماداران شهرستانی با بخشنامه های قبلی این‌وزارت خانه مبنی بر افزایش نرخ بلیت ودرجه بندی سینماها موافقت نداشته‌اند.

سخنگوی وزارت فرهنگ و هنر تاکید نمود که علیرغم این مخالفت کلی با گرانی بلیت سینماها، در وضعیتهای استثنائی که مربوط به نمایش فیلمهای ارزشمند و ممتاز سینمائی میشود، بهای بلیت سینمای نمایش دهنده این نوع از فیلمها تا حداکثر ۱۰۰ ریال هم‌افزایش داده خواهد شد. ودر این مورد بخصوص موضوع موقعیت درجه بندی و محل سینما مطرح نیست، چرا که این امتیاز افزایش نرخ، صرفا به کیفیت فیلم مربوط‌میشود.

* وام داده خواهد شد

در خصوص مسئله بیمه سینماهاصریحا تاکید شده است که هر سینمائی که برای تعمیرات اساسی ویا جبران خسارت وارده از حریق های احتمالی به‌وام نیاز داشته باشد، فرهنگ و هنر با شریط سهل وام ۱۵ ساله با بهره ٤ درصد در اختیار صاحبان سینماها قرار خواهد داد.

اما در خصوص مسئله امنیت سینماها، این مقام مسئول اظهار داشت که موضوع امنیت سینماها از محدوده‌اختیارات‌وزارت فرهنگ و هنر خارج است ودر موردمسائل ایمنی معمولا خود صاحبان سینماها باید تصمیم بگیرند. کما اینکه بانکها هم که به مسئله امنیت اهمیت‌فوق‌العاده‌ای‌میدهند خود در این خصوص تصمیم می‌گیرند.

* سینماها را تعطیل می کنیم!

عطاالله روحانی رئیس هیئت مدیره انجمن سینما داران، طی اظهارات صریح خود به این نکات اشاره کرد که درصورت عدم توافق وزارت‌فرهنگ‌و هنرباپیشنهادات مطرح شده در نشست انجمن سینماهای تهران تعطیل خواهند شد. بدنبال تصمیم انجمن سینماداران تهران، صاحبان سینما های اصفهان نیز تعطیل سینماهای‌اصفهان را اجتناب ناپذیر می‌دانند. روحانی سپس به نارضائی سینما داران شهرستانی اشاره کرد واینکه تا کنون هیچگونه وامی به سینماهای خسارت دیده پرداخت نشده‌است. از سینما سعدی که اولین سینمای آتش گرفته بود تا سینما کسری که آخرین سینمائی‌ست که دچار حریق گردیده است، هیچیك تا بحال وامی ازاین‌بابت دریافت نداشته‌اند. از سوی دیگر مقامات مسئول در وزارت فرهنگ و هنر روی ارزشهای کیفی فیلمها تاکید می‌کنند واینکه تنها به فیلمهای ارزشمند و ممتاز اجازه‌افزایش بهای بلیت خواهند داد. این‌بدان‌معناست که سایر فیلمهائی که در حال حاضر بنمایش در آمده‌اند، مبتذل و پوچ هستند. در اینجا این سئوال پیش می‌آید که پروانه نمایش برای همین فیلمهای مبتذل وچرند را چه مقام و مرجعی صادر میکند؟! مگر نه اینکه خود مسئولین این وزارت خانه برای این نوع فیلمها پروانه نمایش صادر مینمایند؟

در پایان روحانی اعلام کردکه‌طی جلسات بعدی که تشکیل خواهد شد، اعلامیه نهائی انجمن سینماداران به اطلاع عموم خواهد رسید.

* چرا سینما، باید به تنهائی سنگینی بار «تورم» را

□ قضایای مربوط به افزایش بهای بلیت سینماها که از سوی‌هیئت‌مدیره‌انجمن سینماداران مطرح گردید، اکنون‌به‌مراحل بحرانی و پر ابهامی رسیده‌است. گزارشگر ستاره سینما که از نخستین مراحل آغاز این وضع‌بحرانی در جریان امر قرارگرفته بود. با پی‌جوئی عوامل و عناصرموجودیت دهنده این وضعیت نگران کننده، گزارشی دقیق از جریان این درگیری های ابهام انگیز تهیه کرده است. طی این گزارش سعی برآن بوده است که نقطه نظر های متضاد هر دو جناح درگیر در ماجرا، بصورتی کاملا بی طرفانه وبدون یك جهت گیری مشخص، مطرح شود. انجمن سینماداران تهران و شهرستانها عقاید و خواسته هایی بخصوصی دارند که درجبهه مخالف ایشان، مسئولین وزارت فرهنگ و هنر ایستاده‌اند. موضوع درگیری، درخواست افزایش بهای بلیت سینماها از سوی صاحبان سینماهاست که بدلایل بسیار، تنها شرط ادامه فعالیت و جلوگیری از ضرر وزیان ایشان است. از طرف دیگر مقامات مسئول فرهنگ و هنرطی‌اطلاعیه‌ای اعلام داشته‌اند که بهیچ عنوان باافزایش بهای بلیت سینماها توافق نخواهند داشت. و بدین ترتیب عکس‌العمل متقابل‌سینماداران اعلامیه‌ای‌ست که طی آن ازتاریخ۱۱ر٤ر۳۷ تصمیم تعطیل کردن سینماهای تهران و شهرستانها را به مرحله اجرا درخواهند آورد. بطوریکه از قراین برمی‌آید،بحران ودیگرگونی در موضوع سینما، که‌ازاوایل سال گذشته آغاز گردیده وصنعت سینمای ایرانی را بورطه‌ی سقوط کشانید، اینك دامنه وابعاد گسترده‌تری یافته واین امکان وجود دارد که در صورت مداومت این بحران، پایه‌های پدیده‌ای به نام «سینما» متزلزل شده ودر نهایت سرنوشتی چون عاقبت صنعت فیلم ایرانی، پایان کارسینما را رقم بزند!

***

اولین جلسه انجمن سینماداران‌دریکی از روزهای هفته گذشته تشکیل شد. هدف ازاین گردهم‌آئی طرح مسائل ومشکلاتی بود که در وضع کنونی گریبانگیرصاحبان سینماها شده است. چند سالی است که حرفه سینماداری بر خلاف تصور همگان که آنرا کاری پردرآمد وسرشار از سود های کلان می‌پندارند، حرفه‌ای سخت زیان آور و پر ضرر شده است. صاحبان سینماها دلایل اصلی این وضع وموقعیت نامطلوب رادر عدم وجود ضوابط ومعیار های اصولی عادلانه در تعیین بهای بلیت سینماها میدانند. وتنها راه گریز ازاین متضرر بودنهای مداوم را افزایش منطقی‌و صحیح نرخ بلیت سینماها می‌پندارند. در جریان اولین نشست انجمن سینماداران، نماینده‌ای از جانب وزارت فرهنگ وهنر حضور داشت و قرار براین بود که این مقام مسئول بدون اظهار نظر و دخالت‌در تصمیم گیریهای افراد انجمن، صرفابعنوان یك ناظر در جریان عقاید و نقطه نظرهای اعضای انجمن قرار بگیرد. باوجود این، گویا در مسیر ابراز عقاید و پیشنهادات مطرح شده از سوی سخن گویان انجمن سینما داران دخالت و اظهار نظری مخالف از سوی این شخص صورت پذیرفته است که حاصل آن در گیریهای لفظی و جنجالی بهمراه داشته است.

ستاره سینما

شماره ۲۳۹ ـ شنبه ۱۰ تیر
۲۵۳۷ شاهنشاهی
۳۰ ریال

همراه با عکسهای رنگی جالبی از :
عهدیه ـ ایرج
دلارام کشمیری، حسن خیاطباشی و گوگوش

* سپیده ،
ستارگان
سکسی را
محکوم
می کند !

* نماینده ستاره سینما در آمریکا، پرده از
جنجال های تازه‌ای بر میدارد !؟

نظر وزیر فرهنگ و هنر در باره افزایش بهای بلیت سینماها

مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر در دیدار با نمایندگان مطبوعات فارس که در تهران به سر می‌برند ضمن اشاره به تقاضای سینماداران برای افزایش بهای بلیت گفت سینمای ما باید سینما ی عصر انقلاب و در خدمت مردم باشد.

وزیر فرهنگ و هنر که در باره مشکلات سینما در ایران سخن می‌گفت، سینما را یك مدرسه دانست افرود سینما باید همانقدر مسئول و مورد احترام باشد که یك معلم. وی گفت بنابر این وزارت فرهنگ و هنر که تمام مسئولیتهای این هنر و صنعت را به عهده گرفته است میکوشد سینماگران ایرانی را در جهت دادن فکری خوب و سازنده به جامعه ارشاد کند.

مهرداد پهلبد ضمن اشاره به تقاضای سینما داران تهران برای افزایش بهای بلیت گفت سینمای ما باید سینمای عصر انقلاب و در خدمت مردم باشد و سینما-دار هم اندیشه‌ای در سطح انقلاب کشورمان داشته باشد، البته رسیدن به این آرمان دشوار است اما ما به کوشش های خود ادامه می‌دهیم زیرا اعتقاد داریم باید خود را در چهار چوب انقلاب پیدا کنیم. وزیر فرهنگ و هنر در این گفتگو اظهار داشت روابط ما با دست در کاران سینمای ایران مانند روابط اعضای یك خانواده است بنابر این باید مشکلات خودمان را بنحوی حل کنیم که درشان این روابط باشد. وی افزود ما مشغول تدوین قانون تازه‌ای برای سینما هستیم که تا شش ماه دیگر یا کمی بیشتر آماده می‌شود. این یك قانون زنده و پویاست که بسیاری از مشکلات را حل خواهد کرد.

بدوش بکشد!؟

*** در موقعیتی که ارتقاء سطح زندگی وبالا بودن قیمت همه نوع کالای تجارتی و صنعتی، وضع متناسب و همسانی باکشور های پیشرفته اقتصادی بوجود آورده است بهای بلیت سینماها، چیزی در حدود قیمت بلیت درچهل سال پیش آمریکا و اروپاست!**

در نخستین جلسه انجمن سینماداران کشور عقاید و نظرات ابراز شده، حاکی از موقعیت متزلزل ووضع بحرانی سینماها بود. بعقیده اعضای انجمن، وضعیت کنونی نمایش فیلم وحرفه سینماداری بدلیل عدم هماهنگی های موجود در میزان دخل و خرج و منضر بودن مداوم سینماها، چاره‌ای جز افزایش نرخ بلیت وجود ندارد و تنها از این طریق ممکن است جلوی زیان وضرر سینماداران را گرفت.

*** سنگینی بار «تورم» چرا باید تنها روی دوش سینما باشد.!؟**

در جریان همایش سینما داران کشور که بدلیل یك اتخاذ تصمیم سریع و ضرب-العجل در خصوص وضع نمایش فیلم در سینماهای کشور، صورت گرفت، تنی چند

بقیه در صفحه ۳۳

اطلاعیه انجمن سینما داران ایران

نظر باینکه آنچه در مطبوعات کشور از قول انجمن سینما داران منتشر میگردد بصورت خلاصه گفتار و نامه‌های رسمی انجمن است و اکثر آقایان خبرنگاران محترم جراید براساس کمی جا در روزنامه مطالبی را بطور مختصر منعکس میفرمایند - که نمی-تواند منعکس کننده نظرات مستدل و منطقی صاحبان سینماهای کشور باشد لذا مبادرت بصدور اعلامیه زیر جهت روشن شدن مقامات مسئول مملکتی واذهان عمومی مینماید.

۱ - در مرحله نخست اعلام مینماید که صاحبان سینما در ورود فیلم به کشور نقشی بعهده ندارند فیلم‌های وارداتی بدوصورت به کشور وارد می‌شود یکی فیلم‌های ۷ کمپانی معروف امریکائی است که در تهران دارای نمایندگی میباشند و خودشان فیلم را بکشور وارد و پس از اخذ پروانه به صورت حق‌السهم در سینماهای کشور بمعرض نمایش می‌گذارند دوم فیلم هائی است که از طریق تجار وارد کننده فیلم بکشور وارد و پس از ترخیص و دوبله واخذ پروانه نمایش در اختیار صاحبان سینماها باز هم بصورت حق‌السهم گذارده می‌شود باین ترتیب متهم نمودن صاحبان سینماها به نمایش فیلم مبتذل یا مسموم کننده افکار عمومی نقض غرض میباشد اگر مقامات مسئول مملکت نمایش فیلمی را از نظر افکار عمومی و کشور مضر تشخیص میدهند آیا اصلح‌تر نمیباشد که بجای متهم نمودن صاحبان سینماها از صدور پروانه نمایش اینگونه فیلم ها خودداری فرمایند.

۲ - آنچه که صاحبان سینما ها بکرات اعلام نموده‌اند اینست که درآمد و هزینه سینما که درآمد منحصرا پورسانتاژی است از فروش فیلم باین معنی که از بهای بلیط ۳۰٪ را قبل از فروش شهرداری دریافت می‌نماید. ۵۰ تا ۶۰٪ باقیمانده نیز بابت پورسانتاژ فیلم بصاحب فیلم پرداخت میگردد. مثلا (ازیك بلیط ۵۰ ریالی ۱۰ ریال شهرداری ۳۰ تا ۲۴ ریال صاحب فیلم و ۱۶ تا ۲۰ ریال سهمیه سینما است و آنچه که باقی میماند تکافوی هزینه‌های جاری سینما را نمیکند و پس ازمدت ها بررسی و حساب صاحبان سینماها این مسئله عدم تعادل درآمد و هزینه مورد تائید مقامات مسئول وزارت فرهنگ و هنر قرار گرفت و طرح افزایش بهای بلیط سینما رادر تاریخ ۱۶ر۷ر۲۵۳۶ جهت ارسال مذکور بدولت پیشنهاد نمود و در همان طرح نیز افزایش بهای سینما درسالهای بعد به نرخ تورم مملکت مورد تائید قرار گرفته است اینکه خواسته مهم صاحبان سینماها اجرای طرحی است که در سال گذشته مورد قبول واقع شد.

۳ - دلائلی که انجمن سینماداران را وادار نموده است از قبول پیشنهاد فعلی وزارت فرهنگ و هنر در مورد دادن اضافه‌بها بفیلم خوب حتی بقول سخنگوی وزارت فرهنگ و هنر زائد برآنچه که خواسته صاحبان سینماها میباشد خوداری نمایند بشرح زیر باستحضار میرسد.

الف: تعداد فیلم های خوب مورد نظر دستگاه که در کشور های خارجی ساخته میشود از ۱۰ تا حداکثر ۱۵٪ فیلم مورد مصرف کشور تجاوز نمیکند و نمیتوان درآمد وهزینه سینما را با این اضافه قیمت متعادل نمود و جوابگوی ۴۲۰ سینمای کشور شد.

ب: پس از آنکه فیلم دارای قیمت بیشتری شد خواه ناخواه صاحب فیلم طالب دریافت حق‌السهام بیشتر از معمول خواهد شد و در عمل بدون آنکه سینماها بتوانند از این محل جبران ضرر نمایند بایستی پولی را از مردم دریافت و بشهرداری ووارد کننده فیلم پرداخت و مالیات فروش بیشتر نیز از صندوق خود بوزارت دارائی تادیه و رقم زیان سینما را بالا ببرند.

ج: دلیل دیگر عدم قبول این طرح آنست که انجمن معتقد میباشد بهیچوجه این افزایش قیمت در ورود فیلم خوب اثری نخواهد داشت و همانطور که سابقا فیلم خوب در حدی که در بازار جهانی وجود داشته و به کشور وارد میشده باز هم خواهد شد بصراحت اعلام میکند که این تدبیر موجب اضافه شدن یك فیلم خوب هم نمیگردد.

۴ - همانطور که کرارا گوشزد شده تنها راه حل عملی نمایش فیلم بهتر تقویت کامل و همه جانبه صنعت فیلم ایرانی است تا این صنعت که میتواند خدمتگذار جامعه و ارائه دهنده فرهنگ ملی کشور باشد از حالت تعطیل درآید و شروع به تهیه فیلم ایرانی خوب و بتعداد خیلی بیشتر بنماید و موجب گردد که نیاز کشور به فیلم وارداتی که نمیتواند جوابگوی فرهنگ ملی باشد کم شود و حداکثر تعداد فیلم وارداتی مورد نیاز به زیر عدد ۲۰۰ برسد تا حق انتخاب برای واردکننده فراهم گردد نه در حال حاضر که با از بین رفتن صنعت فیلم ایران روز بروز نیاز سینمای کشور به فیلم وارداتی بیشتر میشود و دولت نیز ناگزیر باشد برای آنکه سینما دارای فیلم گردد تا جائیکه مقدور است در صدور پروانه نمایش فیلم هائیکه لااقل مورد پسند مقامات مملکتی نیست اقدام نماید

با توجه بمراتب بالا امید است مقامات مسئول مملکتی چنانچه وجود سینما را برای کشور مفید بدانند به تقاضاهای حقه که قبلا نیز مورد تائید قرار گرفته رسیدگی ومشکلات سینما را قبل از تاریخ ۱۱ر۴ر۲۵۳۷ حل فرمایند.

رئیس هیئت مدیره انجمن سینماداران ایران - رضا انوری

آخرین خبر :

جلسه فوق‌العاده انجمن وارد کنندگان فیلم

□ ساعت ۵ بعد از ظهر دوشنبه‌این‌هفته، انجمن وارد کنندگان‌فیلم، جهت‌تایید‌نظریات ابراز شده از طرف انجمن سینماداران ایران تشکیل یك مجمع عمومی داد . در این‌جلسه ابتدا « آرشام‌پسایانس»رئیس‌انجمن پیرامون‌مشکلات وارد کنندگان صحبت کرد و سپس جهانگیر رقابی معاون انجمن بتفصیل در مورد مسائل مربوط به وارد کنندگان و ناراحتیهای آنان سخن گفت و اظهار داشت که طی چند سال اخیر ، وزارت فرهنك و هنر ، که انجمن ما خود وابسته بدان است، بارها و بارها بما توهین کرده و ما را منحرف کننده افکار مردم دانسته است . بعداز وی ناتائیل زبولانی ــ صادقپورصحبت کردند و جلسه در ساعت ۷ پایان یافت.

مشروح این جلسه پرشور را هفته آینده‌در ستاره سینما چاپ خواهیم کرد .

نلی مجری دایمی یك برنامه رادیویی شد

□ هفته گذشته نلی خواننده ترانه عروسك شکسته هم به جمع مجریان برنامه های رادیویی اضافه شد .

نلی که شنبه هفته گذشته دربرنامه جمشید گرگین (بخانه بر می‌گردیم) شرکت کرده بود تا پایان برنامه بـــه تلفن‌های مردم درباره مسائل شهری پاسخ گفت و قول داد که هرشنبه بعنـوان مجری این برنامه جلوی میکروفون رادیو تهران بنشیند .

نلی در این برنامه گفت که دلـش می‌خواهد شوهر کند ولی تا بحال مرد ایده‌آلش را پیدا نکرده است.

او همچنین گفت که‌ابتدااز میکروفون رادیو بعنوان مجری سخت می‌ترسید ولی حالا دیگر همه چیز برایش عادی شـده است ...

صمد صباحی کارگردان قدیمی سینمای ایران فوت کرد

□ صمد صباحی یکی از کارگردانان قدیمی سینمای ایران که در چند سال اخیر ، کاری در زمینه فیلمسازی ارائه نکرده بود ، هفته گذشته در گذشت.

صباحی در چند سال اخیر ، باکـنار گذاشتن کار فیلمسازی ، گاه در فیلمی بازی می‌کرد . و بهرحال ستاره سینما مرك صمد صباحی را تسلیت می‌گوید .

بعداز ظهرهای بهتر در سینمای آزاد

■ سینمای آزاد تهران برنامه «بعد از ظهرهای بهتر » را پس از تغییراتی بار دیگر آغاز می‌کند . این برنامه از روز شنبه سوم تیرماه با نمایش فیلمهایی از سینماگران آماتور در ساختمان واحد نمایش سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران از سر گرفته شده است .

با تغییراتی که در نحوه برگزاری این برنامه داده شده است ، از این پس علاوه بر نمایش فیلمهای ۱۶ میلیمتری که توسط فیلمسازان جوان ساخته شـده است ، فیلمهای سینماگران آماتور تهران و شهرستانها نیز در برنامه‌های « بعداز ظهرهای بهتر » نشان داده خواهد شد. همچنین جلسات بحث و گفتگو نیز مانند سابق در برنامه‌های سینمای آزادپی‌گیری می‌شود .

برنامه «بعد از ظهرهای بهتر » هر هفته در روزهای شنبه تشکیل می‌شودو از روز شنبه ۳ تیر تا شنبه ۲۴ تیـر برنامه‌های تازه آن به شرح زیر برگزار خواهد شد :

* شنبه ۱۰ تیر ــ نمایش فیلم‌های «ابیانه» به کارگردانی نصیب‌نصیبی و «حریم مهر» ساخته بهنام جعفری .
* شنبه ۱۷ تیر ــ نمایش فیلمهای «پارستان » ساخته محمد ابراهیمـیان و «به یاد » از خسرو هریتاش .

شنبه ۲۴ تیر ــ جلسه بحث وگفت‌وگو .

مسعود کیمیائی در یك برنامه رادیویی اعتراف کرد که سناریوی «سفر سنگ» را بهزاد فراهانی نوشته است !

■ هفته گذشته مسعود کیمیائـــی کارگردان معروف سینمای ایران کـه آخرین فیلمش «سفر سنك» روی پرده است در یك برنامه رادیوئی شرکت کرد و در باره سینمای ایران و فعالیت‌های آینده‌اش حرفهای زیادی را مطرح کرد.

این برنامه که توسط آلبرت کوچوئی در رادیو تهران اجرا می‌شد طی سـه ساعت به مسائل سینمای ایران ، تعطیل سینماها و حمایت از فیلمهای خوب‌ایرانی مسائل زیادی را بمیان کشید.

کیمیائی در پایان این برنامه گفت:

ــ سناریوی فیلم «سفر سنك» نوشته بهزاد فراهانی است و من باین آدم‌و کارش اعتقاد زیادی دارم چرا که خون قصه‌های او در اکثر فیلمهای من نیـز هست .

* در این فستیوال : چهار نمایشنامه ، بیست فیلم و مجموعه‌ای از رقص هـــای بلغارستـان بمعـرض قضاوت گذاشته شده است ...

ششمین فستیوال تابستانی کودکان

■ ششمین فستیوال تابستانی کانـون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از روز پنج شنبه اول تیر ماه آغاز می‌شود و به مدت ۲ ماه درپارك‌های‌نیاوران، جمشیدیه و فرح برگزار می‌گردد .

این فستیوال طی پنج سال گذشتـه در پارك نیاوران برگزار می‌شد ، اما امسال دو پارك فرح و جمشیدیـه نیز به آن افزوده شده است . در پارك‌هـای نیاوران و جمشیدیه برنامه‌هایی نظیر تئاتر ، باله ، رقص‌های محلی ونمایش فیلم ارائه می‌شود و در پارك فرح نیـز برنامه مستقلی با عنوان «جشنواره تئاتر و تئاتر عروسکی نوجوانان » از اول تا آخر مرداد به اجرا در می‌آید کـه در آن ، کار گاه‌های زنده عروسك‌سازی برپا خواهد بود و تمامی کودکان می‌توانند در آن شرکت جویند . همچنین همزمان با جشنواره ، در پارك فرح ، نمایشگاهی از آثار عروسکی‌و متن‌نمایش‌نامه‌ها تشکیل خواهد شد . علاوه براین جشنواره ، از اول تا سیزدهـم مـرداد ماه هم در پارك جمشیدیه ، نمایش های عروسکی توسط گروه‌های نوجوانـــان ارائه خواهد شد .

علاوه بر فیلم و نمایش ، برنامه‌های دیگری نیز در فستیوال تابستانی کانون ارائه خواهد شد . از جمله رقص‌های محلی بلغارستان که توسط گروه «رسنا ــ کینکا» از اول تا ۹ تیر در پارك‌جمشیدیه و ۱۵ و ۱۶ تیر در پارك نیاوران‌اجرا می‌شود . در این فستیوال سازمان کرملی ایران از ۱۵ تیر به مدت دو شب در پارك جمشیدیه کنسرت خواهد داشت و سازمان باله ملی ایران نیز از ۲۴ تا ۲۷ مرداد برنامه‌ای تحت‌عنوان «بالهچیست؟» را در پارك نیاوران برگزار می‌کند که طی آن فنون اولیه باله به شرکت‌کنندگان تعلیم داده می‌شود .

هزینه بازسازی سینما کسری پرداخت میشود

سخنگوی وزارت فرهنك و هنر اعلام کرد که هزینه بازسازی سینما کسری ازطریق اعطای وام با بهره چهار درصد ، توسـط فرهنك و هنر تامین خواهد شد .

سخنگوی این‌وزارتخانه‌ضمن‌اعلام مطلب فوق ، اظهار داشت : به صاحب سینـما اطلاع داده شده است که پول مورد نیاز به مقدار کافی در اختیارش قرار داده خواهد شد تا از هرگونه ضرر و زیان احتمالی جلوگیری به عمل آید .

چرا ساسان کمالی با سوت و کارت زرد ورزشی در رادیو تهران حاضر شده بود؟

□ جمعه هفته گذشته رادیو تهران برنامه‌هایش را آغاز کرد و ساسان کمالی نیز اولین کسی بود که بعنوان مجری یك برنامه رادیویی مدت ۷ ساعت پشت میکروفون رادیو حرف زد!

او که در این برنامه با یك سوت و کارت زرد برنامه اجرا می‌کرد موقع گفتگو با مسئولین، هنرمندان و دست اندرکاران ورزش هرکجا که حرفهای آنها به درازا می‌کشید سوت می‌زد و چنانچه نتیجه‌ای نمی‌گرفت بوسیله کارت زرد اخطار می‌داد!

ساسان می‌گفت:

— نمی‌خواهم برنامه‌ام با حرف پرشود و مردم را خسته کند و شاید بیشتر باین علت بود که مردم از برنامه استقبال زیادی بعمل آوردند و مرا مجبور کردند که تا ساعت سه بعد از ظهر پشت میکروفون رادیو بمانم و چلوکباب را هم همانجا بخورم!

— از بس توی زمین به بچه‌هایمان اخطار دادند و کارت زردنشانشان دادند حسابی کفرم بالا آمد و تصمیم گرفتم بعنوان اعتراض به داورهای قضاوت‌کننده بازی‌های ایران به هر کس که می‌رسم کارت زرد نشان دهم!

* ششمین جشنواره سینمای آزاد خرم آباد

□ ششمین جشنواره سینمای آزاد خرم‌آباد از ۱۲ تیر تا ۱۶ تیر ماه در تالار شیر و خورشید خرم‌آباد و باهمکاری سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران آغاز بکار می‌کند. هدف این جشنواره، موافق با هدف جشنواره‌های سینمای آزاد است و فیلمهائی که برای شرکت در این جشنواره فرستاده می‌شوند، نبایستی در جشنواره های قبلی سینمای آزاد خرم‌آباد نمایش داده‌شده‌باشند ضمنا فیلمهای ساخته شده بطور مستقل و یا خارج از کارگروههای سینمای آزاد نیز میتوانند در جشنواره شرکت کنند. این جشنواره جنبه مسابقه‌ای نخواهد داشت. در کنار برنامه اصلی جشنواره، برنامه‌های جنبی نگاهی به گذشته سینمای آزاد ایران و یك نمایشگاه عکس برپا خواهد گردید.

یك دختر که شبیه شهره آغداشلوست در انجمن ایران و آمریکا حادثه آفرید!

□ شایع است دختر خانمی که کاملا شبیه شهره آغداشلوست هفته گذشته در رستوران انجمن ایران و آمریکا حادثه آفرید! جریان حادثه از این قرار است که ابتدا چند تن از بازیگران نمایش «موضوع جدی نیست» بهوای اینکه این دختر همان شهره آغداشلو است روی میز او نشستند و بنای حرف وشوخی را گذاشتند. این دختر که بعدا معلوم شد اسمش «نوشین» می‌باشد با تعجب پرسید:

— آقایان منظورتان را نفهمیدم. مگر ما همدیگر را می‌شناسیم..؟!

این جرو بحث درست لحظه‌ای به اوج رسید که گارسون انجمن کنار میز آمدو گفت:

— خانم آن آقا که آن گوشه نشسته‌اند پول میز شما را حساب کردند!

دختر با تعجب گفت:

— کدام آقا.....؟ به چه علت..؟ اصلا اینجا چه خبره.....؟

و بنای اعتراض را گذاشت. مشتریان رستوران نیز که متوجه قضیه شده بودند از روی میز هایشان بلند شدند تا ببینند کار به کجا می‌کشد.

اما در آخر قضیه رو شد. و معلوم گردید که یکی از دوستداران شهره آغداشلو که نمایش «موضوع جدی نیست» را دیده از بازی او خوشش آمده وبهوای اینکه دختر همان شهره آغداشلوست خواسته پول میزش را حساب کند.

بهر حال در آخر کار وقتی همه متوجه اشتباهشان شدند. خود شهره هم که آمد و همزادش را از نزدیك دید!

قرارداد عبداله غیابی باشرکت تلویزیونی آمریکائی

□ عبداله غیابی کارگردان جوان ایرانی که مدتی در آمریکا بسر می‌برد و در آنجا نیز با یك شرکت بزرك تلویزیونی قرار دادی برای کار منعقد کرده بود هفته گذشته برای فروش اثاثیه و ترتیب سفر خانواده‌اش به تهران آمد.

او را سرحال و قبراق در انجمن ایران وآمریکا دیدیم که آمده بود تاترموضوع جدی نیست را ببیند.

غیابی گفت:

— بخاطر قرار دادی که با کمپانی «سی، بی، اس» آمریکا دارم باید تا دوماه دیگر به‌آن کشور برگردم.

اما جالب اینجاست که در این شرایط مرتبا بمن پیشنهاد کار می‌دهند وازرفتن من ابراز تاسف میکنند.

بیك ایمانوری یکی از اطاقهایش را تبدیل بزورخانه کرد!

□ رضا بیك ایمانوردی مرد هزار چهره سینمای ایران هفته گذشته بالاخره یکی از اطاقهای خانه بزرگش را تبدیل به زورخانه کرد! او این اطاق بزرك را که کاملا بسبك زورخانه‌ای تزیین شده از انواع و اقسام وسائل ورزشی پر نموده و هرروز ساعت ٦ صبح باتفاق تمام بچه‌هایش در آنجا ورزش می‌کنند. بیك گفته است که تا چندی دیگر فرم ایده آل بدنی‌اش را حفظ خواهد کرد تا بتواند «آقای ورزش هنرپیشه های ایرانی‌باشد. بیك که به انواع ورزش‌ها آشنائی دارد همانطور که می‌دانید پیش از ورودش به سینما نیز در زمینه کشتی کج، کار می‌کرد و حتی در چند فیلمش نیز در این رل بازی نمود.

او می‌خواهد تا چندی‌دیگرهنرپیشگان سینما را به طرف ورزش بسیج نماید.

■ در این عکس بیك ایمانوردی باتفاق پسرانش دیده میشود.

* خبرهائی از دنیای مطبوعات

□ هفته گذشته، ناگهان شایع شد چند مجله که مدتی‌ست منتشر نمی‌شوند از جمله «سپید و سیاه» و«فردوسی» مجددا منتشر خواهند گردید. جالب‌اینکه علاوه بر اینکه سخن از انتشار این مجلات در میان است، شایعه انتشار مجدد«روزنامه آتش» هم در محافل مطبوعاتی بگوش می‌رسد. اما وقتی از مسئولین این نشریات که سخن از انتشار مجددشان رفت، صحت و سقم این شایعه راپرسیدیم، همگی با یك خنده معنی‌دار، جواب را هم آوردند..! گویا واقعا خبری است و بعید نیست مجلات و روزنامه نامبرده دوباره منتشر شوند.

□ با آغاز کار رادیو تهران، نام بسیاری از مطبوعاتی را در لیست‌همکاران رادیو تهران می‌شنویم. سعید قائم مقامی مدیر رادیو تهران، یك تیم مطبوعاتی مرکب از نویسندگان مختلف را دور هم گرد آورده است و بقولی تعداد نویسندگان مطبوعات که بارادیو تهران همکاری دارند، حتی از تعداد مجریان‌این رادیو بیشتر هستند و البته با این توضیح که چند تن از این مطبوعاتی ها، مجری برنامه‌های رادیو تهران نیز شده‌اند!

فیلمها و فیلمسازان

فروش فیلمهای روز ایرانی

□ فیلم رنگی « گزارش» کارعباس کیا رستمی که محصولی است از شرکت خدما ت‌سینمائی و در آن شهره آغداشلو ــ کوروش افشار پناه ، طاری ، موسی‌افشار، نشاط و اسکندر مینائ ی‌شرکت دارند طی دو هفته نمایش در سینما سینه موند حدود دویست و بیست هزار تومان فروش کرده‌است و نمایش آن برای هفته سوم ادامه دارد .

اولین کپی

■ اولین کپی فیلم « ساخت ایران» محصول پر سرو صدای خانه فیلم‌ایـران با صدای انگلیسی این هفته از آمریکا به ایران ارسال شد تا بعد از انجـام صدا برداری فارسی آماده نمایش گردد. در این فیلم رنگی که امور پخش آن‌بعهده سازمان سینمائی پاناسیت و امیر نادری کارگردان خوب سینمای ایران براساس سناریوئی از خودش‌درنیویورک‌کارگردانی کرده است سعید رادایفاگرنقش اصلی است ساخت ایران را که تهیه کننده آن علی مرتضوی است پطروس پالیان فیلمبرداری کرده است .

شب سرخ

■ سعید مطلبی فیلمسازی که تاکنون در زمینه کارگردانی فیلمهای کوچـه مردها ، میعاد گاه خشم ، پـلنك، عمو فوتبالی و یکی دو فیلم دیگر را ساخته است و از جمله پرکارترین سناریستهای سینمای ایران نیز هست از این هفته شخصا براساس سناریوی تازه‌ای کـه نوشته است‌موسوم به «شب‌سرخ »تهیه و کارگردانی فیلمی را آغاز نمود . در این فیلم رنگی که توسط ایرج صادقپور فیلم‌برداری میگردد ایرج قادری ، ژیلاشاهانی محبوبه بیات ، جلال و عده‌ای دیگر شرکت دارند

پاپیچ شروع شد

■ فیلمبرداری‌کارتازه‌اسمعیل پورسعید موسوم به « پاپیچ» که محصولی است از سازمان سینمائی تسلیمی از این هفته توسط جواد نجفی آغاز شد . در این فیلم ملودرام اجتماعی منوچهر وثوق ، بهمن مفید ، شهلا یوسفی ، منیژه آراء و جلال شرکت دارند . پا پیچ را که تهیه کننده آن خسرو تسلیمی است حسامفیلم پخش مینماید

باغ بلور

■ فیلم آماده نمایش «باغ بلور » کار جدید ناصر محمدی که براساس سناریوئی از خودش تهیه و کارگردانی کرده است بزودی به روی اکران خواهد آمد . در این فیلم که توسط شکرالله رفیعی فیلمبرداری شده وامور پخش آن بعهده‌ی سازمان سینمائی پانوراماست پرویز فنی زاده ، لیلا فروهر ،چهره جدید هومن مفید ، پروین سلیمانی ، رمضانی‌فر و عده‌ای‌دیگر شرکت دارند .

سیاه پوش

■ رمضان عرب زاده که سال گذشته فیلم «حرم ت‌رفیق» را تهیه کرده بود بزودی تهیه فیلم تازه‌ای را بنام موقت « مرد سیاه پوش » آغاز مینماید. در این فیلم که اسمعیل پورسعید براساس سناریوئی از یوسف ایروانی خواهدساخت قرار است منوچهر وثوق ، شورانگیز طباطبائی ، جلال و عده‌ای دیگر شرکت نمایند . این فیلم را سازمان امور فیلـم و سینما پخش مینماید .

گوگوش بجای شهره آغداشلو

■ چون شهره آغداشلو بخاطـر تعهدات قبلی نمیتوانست در فیلم جدید امیر مجاهد و محمد دلجو موسوم به «زیر چراغ قرمز» شرکت نماید لذااین رل به گوگوش چهره محبوب و سرشناس آواز و سینمای ایران داده شد . در این فیلم رنگی که محصولی است از سازمان سینمائی پانوراما علاوه بر گوگوش ، فرزان دلجو . شهرام شب‌پره وفروزان نیز شرکت دارند .

اولین کپی حق وناحق

■ این هفته اولین کپی کار تازه عزیز رفیعی موسوم به «حق و ناحـق» چاپ و آماده نمایش شد . در این فیلم که توسط حسین رفیعی فیلمبرداری شده

□ فرامرز قریبیان و آیلین ویگن در : امشب اشکی می‌ریزد ...

■ هومن مفید . پرویز فنی زاده و لیلا فروهر در : باغ بلور .

■ ارحام صدر ــ جوانه جلیلونـد در : علاءالدین و چراغ جادو !

و امور پخش آن بعهده سازمان سینمائی پانوراماست بهمن مفید ، منوچهر وثوق، مستانه جزایری ، پروین سلیمانی ، جلال موسوی و عده‌ای دیگر شرکت دارند .

خیابانی‌ها

■ نام فیلم « آواره و موسیو » کار جدید م. صفار به « خیابانی ها » تغییر یافت . در این فیلم که صفار آنرا براساس سناریوئی از خودش ساخته است و توسط جمشید الوندی فیلمبرداری شده بیك ایمانوردی . شورانگیز طباطبائی ، آرمان، نادره ، محسن مهدوی ، اشرف ساغر ، نریمان ، مختاری، یدی و عنایت بخشی شرکت دارند . خیابانی ها که محصولی است از سازمان سینمائی تسلیمی ،توسط حسامفیلم پخش میگردد

مونتاژ

□ بااتمام مراحل فیلمبرداری کار تازه حسین قاسمی وند موسوم به « نان و عشق» که محصولی است از استودیو پارس فیلم هم اکنون مراحل مونتاژوسایر امور فنی آن در استودیو پارس فیلم طی میشود . در این فیلم رنگی منوچهروثوق، شیراندامی ، جوانه جلیلوند ، رضا کرم‌رضائی ، حسن رضائی و عده‌ای دیگر شرکت دارند .

امشب اشکی میریزد

■ اولین کار منوچهر مصیری‌موسوم به «امشب اشکی میریزد »که براساس قصه‌ای از کورس بابائی ساخته است آماده نمایش شد . در این فیلم که محصولی است از کامرا فیلم و تهیه کننده آن پرویز حجازی است فرامرز قریبیان و آیلین ویگن نقشهای اصلی را بعهده‌دارند. در این فیلم گوگوش آهنك تازه‌ای از شعاعی‌زاده رادر متن فیلم خوانده است امشب اشکی میریزد را که کمال مطیعی فیلمبرداری کرده است حسامفیلم پخش مینماید .

تمام شد

■ با اتمام فیلمبرداری ، مونتاژ و صدابرداری کار تازه پرویز صیاد موسوم به « صمد بشهر میرود » این‌فیلم تا یکی دو هفته دیگر آماده نمایش خواهد شد . در صمد بشهر میرود که صیاد آنرا براساس سناریوئی از خودش تهیه و کارگردانی کرده است ، پرویز صیاد«صمد»ـ امیرفضلی «مش‌باقر» علی‌زاهدی«قوچعلی» رضا شفیعی «کدخدا » فرخ‌لقا هوشمند «ننه‌آقا» اسمعیل شیرازی ، بهمن زرین پور ، عباس وثوق و عده‌ای‌دیگرازاعضاء تروپ صیاد شرکت دارند . صمد بشهر میرود را که علیرضا زرین دست فیلم ـ برداری کرده است و عید فطر بنمایش عمومی‌در خواهد آمد سازمان سینمائی پانوراما پخش مینماید .

■ منوچهر وثوق و منوچهر والی‌زاده در: زرخرید

جاهل و محصل تمام شد

■ فیلمبرداری کار تازه امیرشروان موسوم به « جاهل‌و محصل» که محصولی است از تهران فیلم این هفته بپایان رسید در این فیلم که توسط شکرالله رفیعی فیلمبرداری شده بیك ایمانوردی ، نگین حسین قاسمی ـ میری و عده‌ای دیگر شرکت دارند . از شروان هم اکنون فیلم «شوهران غمزه خانم » نیز با شرکت بیك ایمانوردی ، وحدت، نگین ، بهمنیار ، میری و شهلا قهرمانی بنقش‌غمزه خانم آماده نمایش است.

شمر آماده نمایش

■ فیلم « شمر» که تهیه کنندگان‌آن سلطانی و شاهین‌فر هستند آماده نمایش شد. دراینفیلم که اکبر صادقی آنرابراساس سناریوئی از عرفی‌نژاد ساخته‌است‌وتوسط پطروس پالیان فیلمبرداری گردیده داود رشیدی ، گلی زنگنه ، منوچهر احمدی عنایت بخشی ، یوسف خلیل پور ، سلطانی و عده‌ای دیگر شرکت دارند . امور پخش شمر بعهده‌ی سازمان سینمائی «رنگارنك»

■ صحنه‌ای از «ساخت ایران »آخرین ساخته امیر نادری که اکنون آماده نمایش است .

سرنوشت‌ساران

■ مراحل‌مونتاژمحصول جدیدرودکی فیلم‌موسوم به«سرنوشت‌ساران» در رودکی فیلم طی میشود . در این فیلم که بکارگردانی جهانگیری توسط رجب عبادی در مرزن‌آباد فیلمبرداری شده بیك‌ایمانوردی، زرینه ، افرندینا ، بهروز و میری شرکت دارند . سرنوشت سازان که تهیه کننده آن رحیم‌زاده است توسط سازمان‌سینمائی‌رنگارنك پخش میگردد .

صدا برداری برهوت

■ با اتمام مونتاژ فیلم « برهوت» که توسط ایرج گل افشان‌دراستودیومهرگان‌ـ فیلم انجام شد این فیلم که دومین کار منوچهر مصیری است‌برای صدا برداری آماده شد . در برهوت که تهیه کننده آن محمد تقی شکرائی است و توسط جمشید الوندی فیلمبرداری شده سعیدراد، نوش آفرین ، سرکوب ، اخضرپور، امرالله صابری، امیر معاونزاده و عده‌ای دیگر شرکت دارند . برهوت را سازمان‌سینمائی پانوراما پخش مینماید .

گدای اشراف‌زاده

■ با اتمام مونتاژ فیلم «گدای‌اشراف زاده» محصول جدید مهرگانفیلم این فیلم برای صدا گذاری آماده شد . در این فیلم که عزالله بهادری‌براساس سناریوئی از بهمن زرین پور ساخته است وتوسط کمال مطیعی فیلمبرداری شده سعید راد ، شورانگیز طباطبائی ، جلال موسوی ، شهرزاد و جمشید مهرداد شرکت دارند . گدای اشراف زاده را که تهیه کننده آن نعمت رفیعی است ، سازمان سینمائی پانوراما پخش و توزیع مینماید

* صدا برداری «سام وبلقیس»

□ با اتمام مونتاژ کار تازه ایرج قادری‌موسوم‌به «سام وبلقیس» که براساس سناریوئی از سعید مطلبی برای سازمان سینمائی پاناسیت ساخته است‌این فیلم برای صداگذاری‌آماده شد. در فیلم رنگی سام و بلقیس‌که توسط رضا بانکی در تهران وشیراز فیلمبرداری شده ایرج قادری ،بهمن مفید ، فرزانه داوری ، ناصرعلیزاده، پروین سلیمانی و عده‌ای چهره‌جدید شرکت دارند. صدابرداری سام و بلقیس تا چند روز دیگر زیر نظر چنگیز جلیلوند در استودیو فیلمکار انجام خواهد شد.

علاءالدین بتاخیر افتاد

■ قرار بود که فیلم «علاءالدین و چراغ جادو » در تیرماه بروی اکران بیاید ، ولی بخاطر تعطیل شدن گروه اروپا میامی و شکافی که در گروه اونیورسال پدید آمده و این گروه اکثرا فیلمهای تکراری را نمایش میدهند ، اکران فیلم «علاءالدین» به فرصت‌مناسب دیگری موکول گردید . در « علاءالدین و...» که محصول خانه فیلم ایران است ، ارحام صدر ، جوانه جلیلوند ورضا هوشمند و عده‌ای دیگر شرکت دارند .

زرخرید آماده چاپ و کپی

■ با اتمام صدابرداری آخرین فیلم رضا صفائی موسوم به « زرخرید »که براساس سناریوئی از حبیب الله کسمائی ساخته شده است ، این فیلم برای چاپ و کپی آماده گردید . در «زرخرید »، منوچهر وثوق ، منوچهروالی زاده ،محمود لطفی ، اسدالله یکتا و میری شرکت دارند

* سایه های بلند باد

□ با اتمام مونتاژ کار تازه بهمن فرمان‌آرا موسوم به «سایه‌های بلند باد » این فیلم جهت صداگذاری آماده شده است. در این فیلم رنگی فرامرز قریبیان و آتش‌خیرنقشهای‌اصلی رابعهده دارند. سایه‌های بلند باد را سازمان سینمائی پانوراما پخش مینماید.